



سرمددا سعیدان، جوانان ایرانی، حرکت‌های نوین، ایران در خا واج آرکسور



شیوه معیشت بخشی از زحمتکشان ایران

انتخاب مجدد ریگان و چشم اندازهای آن

انتخاب کنند. اما هرگاه در نظر آوریم که مردم آمریکا و بویژه طبقه کارگر آن از لحاظ آگاهی سیاسی، در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی، بسیار عقب مانده بوده و ذهنیت و تمایلات آنها بوسیله وسایل ارتباط جمعی که در کنترل انحصارات سرمایه داری و صاحبان قدرت است، شکل می‌گیرد، آنگاه متوجه خواهیم شد که عواملی که باعث پیروزی نماینده این جناح و یا آن جناح امپریالیسم در انتخابات می‌شوند، بمراتب ریشه‌ای تر و تعیین کننده تر از تمایلات سیاسی مردم آمریکا هستند. بدون تردید تغییر تمایلات سیاسی مردم آمریکا خود بخاطر متاثر از تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی سیستم سرمایه داری آمریکا است. بنا بر این برای درک عواملی که باعث کاهش نفوذ دمکراتها و رشد فسادت

لیستی و رژیم های وابسته رأی تقویت می‌نماید و به نوبه خود نیز این تحولات بر جنبش های انقلابی اثر می‌گذارد.

تحولات سیاسی امپریالیسم آمریکا در چند دهه اخیر

ظاهرا اینطور بنظر می‌رسد که هر چهار سال یکبار، مردم آمریکا به پای صندوق های رای رفتند و "آزادانه" به کاندیدای ریاست جمهوری مورد نظر خود از حزب دمکرات و یا از حزب جمهوریخواه رای می‌دهند. بدون تردید، این بخشی از واقعیت است. در دموکراسی بورژوازی پیشرفته‌ای مثل دموکراسی آمریکا، مردم میتوانند رئیس جمهور و اعضای کنگره را با آراء خود

پیروزی ریگان، کاندیدای حزب جمهوریخواه، بر والتر ماسدل، کاندیدای حزب دمکرات، سئوالات اساسی زیر را برای نیروهای انقلابی مطرح می‌سازد:

- ۱) چه عواملی باعث کاهش نفوذ سیاسی حزب دمکرات آمریکا (جناح دورانندیش امپریالیسم آمریکا) و رشد حزب جمهوریخواه (جناح محافظه کار) در دو دهه اخیر شده است؟
- ۲) در انتخابات اخیر، راز پیروزی ریگان بر ماسدل در چه نهفته بود؟ و مهمتر از همه،
- ۳) نتایج پیروزی اخیر ریگان در عرصه داخلی و در عرصه بین المللی چه خواهد بود؟ اهمیت بررسی این مطالب بدین دلیل است که سیاست امپریالیسم آمریکا، بعنوان سرکرده امپریا لیست ها، در سراسر جهان اثر گذاشته و جناح های فاشیستی کشورهای امپریا

فهرست مطالب

www.adabestanekave.com

سال گذشته	۲۳	سرمقاله: انتخاب مجدد ریگان و	۲
مجاهدین: شکست یک استراتژی ...	۲۸	چشم اندازهای آن	۷
کومله: فقر شوریک و بی پرنسپی		اخبار ایران	
در مبارزه ایدئولوژیک	۳۲	گشت و گذار: نگاهی به روزنامه	
دیدگاهها: پیرامون تئوری لنین		های رژیم	۱۲
در باره انقلاب دمکراتیک	۳۶	در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟	۱۳
جمهوری سوسیالیستی ویتنام: ۹ سال		اخبار جهان	۱۵
پس از انقلاب	۴۲	ترور ایندمیراگاندی و آینده	
از خوانندگان	۴۷	سیاسی هند	۱۹
داستان: "صف به صف"	۴۸	اخبار جنبش دانشجویی	۲۱
شعر	۵۰	گوشه‌ای از آکسیون های هواداران	
کمک های مالی	۵۱	سچفا در خارج از شورطی یک	

جمهوریخواهان در دو دهه گذشته شده است باید به تحلیل ساختی امپریا - لیسم آمریکا، تضاد بین بخش‌های مختلف سرمایه انحصاری، بحران‌های دوره‌ای و استراتژی پر قدرت‌ترین و با نفوذترین بخش سرمایه انحصاری (یعنی سرمایه مالی) برای برون رفت از بحران بپردازیم.

بخاطر نقشی که میلیتاریسم و جنگ جهانی در برون آوردن اقتصاد آمریکا از بحران مزمین دهه ۳۰ ایفا نمود، پس از جنگ مک کارتیسم بصورت سیاست غالب امپریالیسم آمریکایی درآمد. جنگ سرد و دخالت نظامی آمریکا در آسیای جنوب شرقی، حاصل دکترین مک کارتیسم بود. موسسات مالی وابسته به راکفلر که عمدتاً در صنایع نظامی و در کشورهای تحت سلطه سرمایه‌گذاری کرده بودند، بیست و هفت درصد از موسسات مالی وابسته به مورگان، که بعد از جنگ به سرمایه‌گذاری در صنایع غیرنظامی در اروپای غربی روی آورده بودند، سیاست‌های دولت آمریکا را تحت کنترل خود درآوردند. حتی با روی کار آمدن کندی، نماینده حزب دمکرات، گرایش‌های میلیتاریسم در دوره‌های مک کارتیسم همچنان تداوم یافت و آمریکا به دخالت نظامی در خلیج خوکها و "بهران موشکی" در کوبا پرداخت.

تداوم سیاست میلیتاریستی آمریکا در ویتنام، با بین بست سختی روبرو شد. تجاوز نظامی به ویتنام که در حقیقت برای حفظ و گسترش بازارهای سرمایه صورت گرفته بود و دکترین نیکسون، یعنی تعیین حمایت از اندام‌های منطقه برای سرکوب جنبش‌ها، در ادامه خود موجب شکست نظامی آمریکا و بروز بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا گردید. اعتراضات توده‌ای ضد جنگ در آمریکا و اروپا و شکست نظامی در هندوچین دست به دست هم داده و دکترین میلیتاریستی امپریالیسم آمریکا را برای مدتی مجبور به عقب نشین کردن در نتیجه بخشی از نمایندگان سیاسی



جناح‌های محافظه‌کار و جناح‌های دوراندیش امپریالیسم در پیرویه "کنفرانس سه جانبه" با هم کنسار آمده و جیمی کارتر، کاندیدای و انتخاب جیمی کارتر، کاندیدای حزب دمکرات که تا آن زمان سیاست مداری ناشناخته بود، در انتخابات سال ۱۹۷۶ مورد حمایت اغلب کمپانی‌های انحصاری قرار گرفت. پلانتفرم اراشه شده از طرف جیمی کارتر و دکترین "حقوق بشر" او برای خروج امپریالیسم از بحران مزمینی که دچار آن شده بود، چیزی جز پلانتفرم "کنفرانس سه جانبه" که ائتلافی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران و قدرتمندترین سیاستمداران جهان (آمریکا، اروپا، ژاپن) نبود، جریانی که دمکرات‌های لیبرالی چون ونسن و "دمکرات‌های محافظه‌کار"ی چون برژسکی و جمهوریخواهانی چون راکفلر را در خود جا داده بود.

اما چهار سال حکومت جیمی کارتر در تداوم خود زبان‌های سنگین تری را متوجه منافع حیاتی امپریالیسم نمود. دکترین "حقوق بشر" کارتر نتوانست در رابطه با تغییر و تحولات سیاسی ای کبی در آمریکای مرکزی و ایران صورت گرفت، از منافع آمریکا پاسداری کند. از دست دادن نیکارا گوشه، رژیم شاه (ژاندارم آمریکا در خلیج فارس)، گرانا دا، ضعف فقدان ابتکار عمل آمریکا در پیرویه کروگانگیری توسط رژیم جمهوری اسلامی، ضربه‌های سختی به منافع حیاتی و حیثیتی آمریکا وارد آورد. از اینرو نمایندگان سرمایه انحصاری که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۶ عمدتاً از کارتر پشتیبانی کرده بودند، در انتخابات سال ۱۹۸۰ به وزیر رای اعتماد ندادند. پیروزی ریگان، نماینده جناح محافظه‌کار امپریالیسم در حقیقت مبین نیاز قدرتمندترین بخش سرمایه انحصاری، یعنی سرمایه مالی، به رشد مجدد میلیتاریسم برای حفظ موقعیت سیاسی و نظامی آمریکا در جهان بود.

بطور خلاصه می‌توان گفت که اگر چه دمکراتها و جمهوریخواهان آنجا که منافع حیاتی امپریالیسم به خنثی افتد، در سرکوب مبارزات خلقها از همدیگر سبقت می‌گیرند، با اینحال با توجه به تداوم بحرانهای دوره‌ای (رئودو تورم توام) امپریالیسم آمریکا، سیاست‌های جمهوریخواهان و بویژه تاکیدشان بر میلیتاریسم و حمایت از سرمایه‌های بزرگ، بر مراتب بهتر از سیاست‌های جناح دوراندیش امپریالیسم (حزب دمکرات) می‌تواند از منافع آنی امپریالیسم حمایت کند. رمز واقعی پیروزی جمهوریخواهان در چهار انتخابات از پنسج انتخابات ریاست جمهوری گذشته در این مسئله نهفته است. این روند همچنان ادامه خواهد یافت مگر اینکه حزب دمکرات پلانفرم محافظه‌کارانه تری را مورد تصویب قرار دهد، یا اینکه شرایط استثنائی شبیه بعد از جنگ ویتنام، جناح‌های مختلف امپریالیسم را در مورد قدرت‌گیری دمکراتها به سازش بکشاند.

دلایل پیروزی

ریگان بر ماندل

در انتخابات اخیر

همانگونه که اشاره کردیم، استقبال سرمایه انحصاری، بویژه سرمایه مالی از پلانفرم محافظه‌کارانه ریگان در انتخابات ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲، در پیروزی ریگان نقش بسزایی ایفا نمود. البته این به معنای نادیده گرفتن نقش عوامل دیگر در پیروزی ریگان نیست. در اینجا ما مختصراً به عوامل عینی و ذهنی مشخصی که زمینه‌های پیروزی ریگان بر ماندل در انتخابات سال ۱۹۸۲ را فراهم آوردند، می‌پردازیم.

۱- واقعیت این است که افشار متوسط و کارگران مرفه بخش قابل ملاحظه‌ای از جامعه آمریکا را تشکیل می‌دهند. سیاست‌های ریگان نه تنها باعث رفاه بیشتر سرمایه‌داران آمریکا گردیده، بلکه رفاه نسبی‌ای برای

افشار متوسط و کارگران مرفه بوجود آورده است. در دوره حکومت ریگان از میزان بیکاری و تورم تا حدودی کاسته شده است. این در حالی است که وضع زندگی افشار پائینی جامعه از جمله اقلیت‌های نژادی و ملی، بویژه ساهاان و چیکانوها به مراتب بدتر شده است.

۲- طی چهار سال حکومت ریگان، امپریالیسم آمریکا توانسته است وضعیت اقتصادی خود را نسبت به امپریالیست‌های اروپائی و ژاپنی بهبود بخشد و نقش سرکردگی امپریالیست‌ها را بهتر ایفا نماید. در این مدت نرخ بهره بانکی کاهش یافته و باعث سرمایه‌گذاری‌های جدید گردید و دلار در رقابت با پولهای اروپائی و ژاپنی از وضعیت خوبی برخوردار شده است. این مسئله بالطبع، مراتب رقابت ماحصلان بینگهای مالی آمریکا را فراهم کرده است.

۳- از لحاظ نظامی ریگان توانسته است با تخصیص دادن بودجه‌های هنگفت به این مسئله و با اشغال کرانادا تا حدودی به احساسات برتری جویانه شوونیستی آمریکا که پس از شکست در جنگ ویتنام و واقعه کروگانگیری سفارت آمریکا در ایران جریحه دار گشته بود، التیام بخشد. اگرچه در این مدت امپریالیسم آمریکا در لبنان با شکست نیز روبرو گشته است، ولی با برآه انداختن تبلیغات وسیع در مورد کرانادا - توانسته است احساسات شوونیستی مردم آمریکا را تحریک و تشدید کند و شکست در لبنان را تحت الشعاع "پیروزی" در کرانادا قرار دهد. پیروزی سیاست‌های میلیتاریستی ریگان در کرانادا، اعتماد جناح‌های مختلف امپریالیسم آمریکا را به وی جلب نموده است.

دنیال کردن سیاست کسب برتری انمی بر شوروی که نتیجه آن استقرار موشک‌های PERSHING & CRUISE در

اروپا، توسعه موشک‌های MX و زیر-دریائی‌های TRIDENT، بمب‌افکن‌های استراتژیک B-I و STEALTH و توسعه دهها پروژه صنعتی - نظامی دیگر بوده است، نمی‌توانست مورد قدردانی کمپانی‌های سازنده این نوع تجهیزات نظامی از قبیل مک‌دونالد داکسلای، بوئینگ و لاک هید، که از این راه - پولهای دلان به جیب می‌زنند، قرار نگیرد.

۴- با توجه به نازل بودن سطح آگاهی سیاسی کارگران و توده‌های مردم آمریکا، ریگان توانست با استفاده از توهمات مذهبی و گرایشات شوونیستی، حمایت توده‌های مردم را نه بر اساس یک برنامه سیاسی مشخص بلکه بر اساس برانگیختن توهم آنها در مورد "برتری" آمریکا بر سایر کشورها جلب کند. بقول رئیس موسسه تحقیقاتی کانوپ، "علیرغم مخالفت مردم با بسیاری از سیاست‌های ریگان، باز از او حمایت می‌کنند." شرکت کلیما و گروه‌های مذهبی دست راستی در دفاع از ریگان، بی سابقه بوده است. MORAL MAJORITY (قوی ترین جریان مذهبی دست راستی) به رهبری جری فاول (JERRY FAWEEL) گروه‌های تبلیغاتی زیادی را در سراسر آمریکا برای رای دادن به ریگان سازماندهی کرده بود. بطور نسبی مداخله مذهب در سیاست در این انتخابات، بیش از انتخابات دوره‌های قبل بود.

۵- توانائی‌های فردی ریگان در فریب دادن و تحمیق توده‌های ناآگاه آمریکائی و استعداد وی در استفاده از وسائل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون، در انتخاب وی بی تاثیر نبوده است. سیستم سرمایه‌داری بحران زده آمریکا، به رهبر سیاسی با اتوریته و با شخصیت "کارزمائی" مانند ریگان احتیاج داشت. بهبود نیست که رسانه‌های گروهی به وی لقب "ارتباط-گر بزرگ" داده‌اند.

۳- ضعف و پراگندگی نیروهای چپ آمریکا در سازماندهی توده‌های آمریکایی علیه سیاست‌های ریکان و همچنین ضعف رهبری حزب دمکرات و تاکید آنها بر مسائلی که کمتر مورد قبول مردم می‌باشد (مانند افزایش مالیات)، پیروزی ریکان را تسهیل نمود.

۴- بطور خلاصه، کمپانی‌های انحصاری آمریکا، یعنی آنها تیکسه چهار سال حکومت ریکان، بیشترین منفعت را نصیب‌شان کرده است، زمیندهای لازم برای پیروزی مجدد ریکان را از طریق تقبل هزینه‌های کلان تبلیغات انتخاباتی و شکل دادن به افکار عمومی از طریق رسانه‌های گروهی (بویژه تلویزیون) بوجود آوردند.

نتایج پیروزی ریکان در عرصه داخلی و بین‌المللی

روند چهار سال اول حکومت ریکان، چشم اندازهای زیر را برای چهار سال دوم حکومت وی ترسیم میکند.

۱- سیاست داخلی: اگرچه پیروزی چشمگیر ریکان بر ماندل در انتخابات ریاست جمهوری، توأم با پیروزی جمهوریخواهان بر دمکراتها در انتخابات مجلس نمایندگان و مجلس سنا نبود و کنترل مجلس نمایندگان همچنان در دست دمکراتها و کنترل مجلس سنا در دست جمهوریخواهان است، با اینحال با پایان یافتن دوره خدمت سه نفر از اعضای دادگاه عالی آمریکا (بالاترین مرجع قضائی غیر-

قابل عزل) در این دوره، ریکان شانس این را خواهد یافت که افسراد محافظهکار مورد نظر خود را جایگزین آنها کند. انتخاب این افسراد در دادگاه عالی، موازنه نیروها را به نفع محافظهکاران برهم خواهد زد. از اینرو باید منتظر تصمیمات بهراتب ارتجاعی تر دادگاه عالی آمریکا علیه حقوق دمکراتیک مردم آمریکا بود. همچنین با توجه به

کسری بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری آمریکا، رشد هزینه‌های نظامی، خودداری ریکان از افزودن مالیات سرمایه‌داران و متمرکز کردن فشار بر روی کارگران و اقشار زحمتکش جامعه، به نظر می‌رسد آمریکا در عرض یکی دو سال آینده با بحران‌های اقتصادی دوره‌ای سخت‌تری مواجه گردد. پیروز بحران اقتصادی که بارزترین نتیجه آن افزایش بیکاری خواهد بود، و زیر پا گذاشتن حقوق دمکراتیک اقلیتهای ملی، سیاهان و زنان، ناراضی‌های توده‌ای را برخواهد انگیزت.

۲- سیاست خارجی: پیروزی ریکان در انتخابات، خودیک پیروزی برای رژیم‌های ارتجاعی جهان از قبیل رژیم مارکوس در فیلیپین، رژیم دورانه در السالوادور، رژیم پینوشه در شیلی، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و ... محسوب می‌شود. این رژیم‌ها می‌توانند با برخورداری از حمایت‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ریکان، چند صیاحی وحشیانه‌تر به بقای خود ادامه دهند. همچنین دولت ریکان با افزایش سابقه تسلطی و سه برابر کردن بودجه تحقیق و توسعه پروژه "جنگ فضائی" (STAR WARS) در چهار سال آینده که هدف آن ایجاد یک مرکز دفاعی ضد موشکی در فضا است، بر آهنگ رشد میلیتاریسم خواهد افزود. در یک کلام، پیروزی مجدد ریکان در انتخابات، زنگ خطری است برای کلیه جنبش‌های رهاشبخش و نهضت‌های دمکراتیک جهان. درآین میان‌بخاطر ملموس بودن خطر دخالت نظامی آمریکا در نیکاراگوئه و همچنین اهمیت اشارات انتخاب مجدد ریکان بر سیر تحولات سیاسی در ایران، تنها بسه بررسی آنها بسنده می‌کنیم.

درست در زمانی که حوزه‌های رای گیری مشغول شمارش آراء انتخابات بات بودند، دولت ریکان سرگرم تدارک برای مداخله نظامی در نیکاراگوئه بود. در روز ششم نوامبر،

رادیو و تلویزیونها با قطع گزارشات خود در مورد پیروزی ریکان خبر از استقرار جت‌های جنگی میگ شوروی در خاک نیکاراگوئه دادند. علیرغم تکذیب این مسئله از جانب دولت نیکاراگوئه، کابینه ریکان هنوز به تبلیغات خود در این مورد بمنظور آماده کردن اذهان عمومی برای مداخله در نیکاراگوئه ادامه می‌دهد. ریکان که تا بحال نتوانسته است به بهانه کمک نیکاراگوئه بسه انقلابیون السالوادور، افکار عمومی را در مورد ضرورت مداخله در نیکاراگوئه متقاعد کند، در مدد است با طرح وجود سلاحهای پیشرفته شوروی در نیکاراگوئه، ذهنیتی شبیه "بحران موشکی" در کوبا بوجود آورد. اگرچه تجاوز آمریکا به نیکاراگوئه براحتی تجاوز آمریکا به گرانادا نخواهد بود، و از هم‌اکنون گور مزدوران - آمریکایی در نیکاراگوئه کنده شده است، با اینحال خطر تجاوز نظامی آمریکا به نیکاراگوئه وجود دارد. خاصه که پلانترم حزب جمهوریخواه صریحا متذکر می‌شود:

"ما نمی‌توانیم به نیکاراگوئه اجازه دهیم که یک پناهگاه کمونیستی باقی بماند و به صدور ترور و اسلحه در تمام منطقه بپردازد." انتخاب مجدد ریکان به ریاست جمهوری آمریکا بر سیر تحولات سیاسی در ایران نیز بی تاثیر نخواهد بود. هرچند ریکان در مناظره دوم تلویزیونی خود با ماندل (کاندیدای حزب دمکرات) رژیم جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار داده و بر از دست دادن شاه افسوس خورد، با اینحال این به معنی پشت کردن ریکان به رژیم جمهوری اسلامی و حمایت از سلطنت طلبان نیست. باید توجه داشت که حمله ریکان به رژیم بیشتر برای بی اعتبار کردن رقیب انتخاباتی (یعنی ماندل) که بزعم وی در سقوط شاه مقصر بود، می‌باشد. درحقیقت در یکی دو سال اخیر آمریکا از موضع -

فاجعه‌ای بخاطر کمبود آب

ملاعلی خرم تاشی نماینده سقزو -
 پانه در مجلس طی سخنانی گفت:
 "استمدادارم که در مورد آب آشامیدنی
 سقزو پانه توجه کافی می‌پذول داربند
 کمبود آب در سقزو پانه به‌این جا رسیده
 که دختر بچه ۸-۷ ساله زیر ماشین آب
 فوت میکند. شهر سقزو را پیشگاه ندارد. با
 ۸۰ هزار جمعیت این شهر فقط یک بیمار -
 ستان ۲۵ تخت‌خوابی دارد، استدعا
 می‌نمایم که در رابطه با احیاء و -
 تقویت کشتا ورزی و دامپروری و عمران
 و بهداشت روستاها توجه خاصی می‌پذول -
 فرمائید."

یکی دیگر از نتایج فاجعه‌ها را جای قوانین قصاص

بنا بر گزارش روزنامه تایمز مورخ
 ۱۱ اکتبر ۱۹۸۲، بر اساس قانون قصاص -
 زنی که توسط همسرش کور شده بود -
 اجازه یافته است تا شوهرش را کور
 کند. بر طبق گزارش همین روزنامه،
 جریان این عمل ممکن است از تلویزیون
 پخش شود. خانم زیوری میگوید، او در
 ۱۲ سالگی توسط خانواده‌اش مجبور بجه
 ازدواج با همسر کنونی اش که ۱۴ ساله بود،
 شده است. او میگوید همسرش اخیراً او
 را به بیابانی در خارج از شهر برده و بسا
 کیک دومرد دیگر که دست و پایش را -
 گرفته بودند، با کارد جسمهایش را از
 حلقه بیرون آورد. این زن برای کور
 کردن شوهرش از قیچی استفاده خواهد
 کرد.

"سه‌میه‌دا نشجو"!

تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی
 مردم هر روزه باید برای دریافت
 سهمیه مواد اولیه غذایی خود ساعتها
 در صفهای گوشت، نان، تخم مرغ و ...
 بایستند. اما سهمیه بندی دانشجو -
 برای دانشگاهها، یکی دیگر از عجایب

آنها که در قبال اعمال فحش‌آمیز و انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق
 ایران در مخالفت با سازشکاری مجاهدین خلق، روی کردائی آنها از اهداف انقلاب و
 پشت کردن به نوده‌ها و اتحاد روز افزون با امپریالیستها، افتاء و انفراد روز افزون
 خود را در میان نوده‌ها می‌بینند و پاسخی به مسائل اصولی و منطقی طرح شده از سوی ما
 ندارند، به حربه اتهام و برچسب زدن متوسل شده‌اند که نتوانستند ماهیت رسوائی
 خط مشی سازشکارانه و فرصت طلبانه آنها را بیشتر بر ملا نمایند. آنها در شماره ۲۱۷
 نشریه مجاهد ادعای می‌کنند که، "اقلیت" در نتیجه غوطه ور شدن هر چه بیشتر در فدیت با
 مقاومت انقلابی مسلحانه و با پرچم‌داران آن و با شنیدن آلترا سبک و مکرانشک، بدانجا
 راه می‌برد که در خوش بینانه‌ترین صورت مجانباً به خدمت پیشبرد مبارزترین نیازهای
 سیاسی و تبلیغاتی رژیم ضدبشری خمینی و مرجع‌ترین محافل امپریالیستی و دست
 نشانندگان آنها در می‌آید. "بایستی مراحات و به جد خاطر نشان کنیم که ما در سلامت
 سرچشمه‌ها و آبشخور اصلی موضع‌گیری‌های ضدانقلابی اقلیت تردید داریم، و هم‌این
 مواضع را در چارچوب کودکی و چشم و هم چشمی و احساس رقابت خرده بورژوازی با
 بورژوازی نمیتوانیم تفسیر کنیم. اینجا است که به نظر ما این میزان فدیت با مجاهدین و
 این گونه شعار مثلثی کردن شورای ملی مقاومت دادن (دقیقاً به نفع عدالت‌طلب و
 مغلوب و به نفع امپریالیسم) و بالاخره تبلیغ با شایسته رژیم خمینی و فدیت با
 شعار صلح آنها در شرایط شیرباران و خلق آویز مستمر رشیدترین فرزندان خلق
 نمی‌تواند از سرچشمه‌های چندان سالمی نشأت گرفته و عاری از هر عنصر "مشکوک" باشد."
 خوب به این افافات عالجنابانه مجاهدین دقت کنید، بسینید که کار رسوائی
 آنها به کجا کشیده شده است. آنها که اکنون مجری سیاست طیف سرمایه‌دار ایران
 شده و نزدیکترین مناسبات را با امپریالیسم برقرار ساخته‌اند، ایالتی ندارند از
 اینکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که سراسر تاریخچه پرافتخار مبارزاتی
 آن حتی برای نوده مردم ناآگاه نیز روشن است، "مشکوک" بنا مند و خط مشی این سازمان
 را در خدمت امپریالیسم و ارتجاع معرفی کنند!!

آیا رهبران سازشکار مجاهدین خلق درک نکرده‌اند که دوران عوام فربیی سپری
 شده است؟ آیا رهبران مجاهدین خلق تصور می‌کنند، که توسل به چنین شیوه‌هایی می‌شود
 آنها را از بن بست فلاکت یا موجود نجات دهد؟
 امروز بخش عظیمی از نوده‌های مردم بخوبی می‌دانند که چرا سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران با شورای ملی مقاومت و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق مخالف
 است. آنها خوب می‌دانند که اختلافات، نه اختلافات شخصی، نه اختلافات ناشی از
 "چشم و هم چشمی و احساس رقابت" بلکه شکاف و اختلاف میان رفرم، سازشکاری و بندوبست
 از یک طرف و انقلاب و دفاع از منافع نوده‌های مردم از سوی دیگر است. نوده‌های مردم
 ایران خوب می‌دانند که رهبران مجاهدین خلق برای دوام و بقا، نظام تکبیت بار موجود
 تلاش می‌کنند. رهبران مجاهدین خلق تنها خواستار تغییر مهره‌های این نظام و نشستن
 آقای رجوی بجای خمینی هستند.
 در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای برانداختن این نظام در
 کلیت آن مبارزه می‌کند.
 رهبران مجاهدین خلق با بورژوازی وابسته ایران سازش کرده و مطیع و مجری
 سیاستهای آن شده‌اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با بورژوازی ایران و جهان در کلیت آن
 دشمنی آشنی نابذیر دارد و با آن مبارزه می‌کند.
 رهبران مجاهدین خلق خواهان حفظ و حراست دستگاه دولتی بورژوازی، ارتش،
 بورژواکراسی و تمام نهادها و ارگانهای سرکوب و تحمیق نوده‌ها هستند.
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه برانداختن این دستگاه مسم و سرکوب
 نوده‌ها در کلیت آن و ایجاد ارگانهای اقتدار نوده‌ای همچون شوراها، ارتش نوده‌ای
 و خلق مسلح مبارزه می‌کند.
 مجاهدین خلق خواهان اصلاحات ناچیز در نظام موجودند، و از سر جای ماندن نظام
 موجود و نظم ارتجاعی بورژواکراسی موجود دفاع می‌کنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کداسا با درجهت استقرار سوسیالیسم مبارزه میکند، فوری ترین هدف خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام دمکراتیک - انقلابی یعنی جمهوری دمکراتیک خلق قرار داده است.

رهبران مجاهدین خلق برای باقی ماندن قدرت سیاسی در دست سرمایه داران مبارزه میکنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هدف تئوری خود را انتقال قدرت به دست کارگران، دهقانان و عموم توده های زحمتکش ایران قرار داده است.

مجاهدین خلق پس از آن همه معاشی که توده های مردم ایران از حکومت مذهبی متحمل شده اند، باز هم خواهان یک جمهوری اسلامی هستند، و بخیال اینکه میتوانند مردم را فریب دهند، یک واژه دمکراتیک نیز جاشنی آن کرده اند.

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علیه هر حکومت مذهبی مبارزه میکند و خواهان جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت است.

رهبران مجاهدین خلق همانند رژیم شاه و جمهوری اسلامی از ستمگری ملی دفاع میکنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خواهان تضمین حق تعیین سرنوشت برای ملیت های تحت ستم ایران، کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ است.

رهبران مجاهدین خلق راه زد و بند و سازش با امپریالیسم را در پیش گرفته اند، سران مرتجع احزاب امپریالیست و دول امپریالیستی برای آنها نامه فدائیت شوم و پشیمانی می نویسند.

رهبران مجاهدین خلق مناسبات حسنه ای با امپریالیستها و مرتجعین سراسر جهان برقرار نموده اند، دست کمک و پشتیبانی و حمایت بسوی آنها دراز کرده اند. در برابر سیاست مداران ارتجاعی امپریالیسم انگلیس، آلمان و نمایندگان مرتجع سنای آمریکا سرشعظیم فرود می آورند، و در برابر آنها زانو می زنند و با آنها تضمین میدهند که پاسدار منافع آنها در ایران باشند.

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دشمن سوگند خورده شعاعی امپریالیستها و شعاعی مرتجعین سراسر جهان است، از شعاعی نیروهای فدا امپریالیست در سراسر جهان حمایت و پشتیبانی میکند، و برای برانداختن سلطه امپریالیسم از ایران، کامل ترین برنامه فدا امپریالیستی را ارائه داده است.

رهبران مجاهدین خلق بهیچوجه خواهان بهبود شرایط مادی زندگی توده های زحمتکش ایران نیستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خواهان آنچنان تحولاتی در ایران است که بغیریت بدرخواستهای عمومی، رفاهی مردم جامعه عمل بیفتد.

رهبران مجاهدین خلق بنابه گفته ی رجوی در شماره ۲۱۹ نشریه مجاهد دفاع سیاستمداران، و سخن گوینان مرتجع آمریکا را از مجاهدین بمثابه دفاع آنها از آزادی و استقلال ملت ایران قلمداد میکنند.

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آنها را دشمن آزادی و استقلال ایران می شناسد.

رهبران مجاهدین خلق برای جلوگیری از قیام مسلحانه توده های مردم ایران، که همانا به ویران کردن سراسر این نظام تکبوت بار منجر خواهد شد، برای تزیین آرایش نظام ستمگرانه سرمایه داری از توده های مردم ایران میخواهند که از رژیم خمینی صلح طلب بکنند!!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مردم ایران توضیح میدهد که بدون سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای کارگران و عموم توده های زحمتکش ایران نمیتوان بزرگ صلح دمکراتیک دست یافت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مردم ایران توضیح میدهد که این جنگ حاصل منافع ستمگرانه و استعمارگرانه طبقات ارتجاعی است. برای دستیابی به یک صلح بادوام باید این طبقات ارتجاعی را برانداخت. به جز سرنگونی قهرآمیز رژیم بدست کارگران و زحمتکشان ایران، بدون سرنگونی بورژوازی ارتجاعی صلح دمکراتیک و پایدار ممکن نیست و صلح ادعائی مجاهدین چیزی جز آتش بس موقت،

جمهوری اسلامی است. اخیرا منتظری - از کلیه نهادهای ارگان رژیم خواسته تا از ارسال لیست سهمیه دانشجوی خود به دانشگاهها خودداری کند. وی - اضافه نمود که البته حساب خانواده - های معلولین شهدا جداست آنها مقدم بر همه چیز هستند!

معنا دولگردو

معناد "غیرولگرد"

موسوی بجنوردی عضو شورای عالی - قضائی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: راجع به معنادین طبق رای وحدت رویه دیوانعالی کشور که به حکم قانون - استه آنجا نظر داده شد که معنادولگرد مجرم محسوب میشود. اما اگر کسی معناد باشد و ولگرد نباشد از نظر قانونی - مجرم نیست و چنین شخصی را نمیشود - دستگیر کرد. ماهم مکرر به دادگاهها بخشنامه کرده ایم وهم حضورا خدمت قضات محترم گفته ایم که نسبت به - معناد غیرولگرد، کیفری صادر نکنند، بلکه نسبت به معنادین ولگرد کیفر - بدهند. حکم صادره از جانب موسوی - بجنوردی نه تسهلات قاطعانه است - بین المللی مواد مخدر و سردمداران - رژیم، از جمله مادی طباطبائی ها را کاملا باز میگذارد تا آزادانه فعالیت - نمایند، بلکه مردم را به استعمال مواد مخدر تشویق مینماید. از این گذشته معنادین "غیرولگرد" اغلب - از اقشار مرفه جامعه، که سردمداران رژیم نیز جز آنها هستند، می باشند. به قول مشهوره "کار که دستهای را نمی سرت"

شرایط رژیم برای آتش بس

میرحسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی در - پاسخ سؤال یکی از خبرنگاران در مورد شرایط ایران برای آتش بس گفت: "ما بار رژیم فعلی عراق هرگز بر سر میز مذاکره نخواهیم نشست. اصولا یکی از شرایط ما حذف رژیم بعثت در عراق است. زیرا این رژیم یک رژیم -

بندوبست و سازش برای سرکوب توده ها و ادامه حکومت مرتجعین و زمینه ساز جنگهای آتی نیست .

آری تفاوت برای توده های زحمتکش مردم ایران دشوار نیست که چه کسانی به توده های مردم ایران پشت کرده اند، چه کسانی به اهداف انقلاب خیانت نموده اند چه کسانی "سکوک" و خدمتگزار رژیم و ابزار اجرای سیاستهای امپریالیسم و کلیه مرتجعینند .

توده های مردم ایران آنقدر آگاهی یافته اند که عملکرد، بزنامه و تاکتیک مجاهدین را مورد تفاوت قرار دهند .

آنها آنقدر آگاهی یافته اند که ماهیت مناسبات و نزدیکی و اتحاد روز - افزون رهبران مجاهدین را با امپریالیستها که سراسر نشربه مجاهدین است آن است درک کرده باشند .

رسوایی رهبران مجاهدین خلق بیش از آن است که بتوانند مردم را فریب دهند، بتوانند به شیوه برجسب زدن به توطئه علیه سازمانهای انقلابی دست بزنند، ماهیت اعمال، رفتار و کردار آنها برای توده های آگاه مردم ایران کاملاً روشن است .

تاریخ تکرار نخواهد شد و توده های مردم ایران دیگر به هیچ شارلاتانی همچون خمینی اجازه نخواهند داد توده مردم را فریب دهند . بنام انقلاب و خلق، علیه انقلاب و خلق گام بردارند، و نظام ستمگرا نه و شکست بار موجود را حفظ کنند .

ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران به مثابه سازمانی که از منافع طبقه کارگر ایران و از موضع این طبقه از منافع عموم توده های زحمتکش دفاع میکند، و علیه هرگونه سازشکاری و پشت کردن به آرمانهای مردم پرچم سرخ انقلاب را پنهانپوش

توده ها به اهتزاز درآورده است، در برابر تمام توطئه ها و اشها مات و سرکوب های عمال ریز و درشت طبقه سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی چون گوه محکم برجای خود ایستاده است . بگذار رهبران مجاهدین خلق ندبه و زاری کنند، بگذار به شیوه های

پست و کثیف متوسل شوند، بگذار از آخرین حربه های خود نیز استفاده کنند . با دشمنی با طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به امپریالیستها تضمین بدهند، چیزی جز رسوایی بیشتر عاید آنها نخواهد شد، و ما همچنان بلاوقفه و بلاشردید در میان توده های مردم سراسر ایران سرافراز تر به مبارزه خود ادامه خواهیم داد .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
تا بودینا د امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا و با یگانه داخلین
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - همیشه خارج از کشور

۶۳/۷/۲۵ ۸۴/۱۰/۱۷

عدم رعایت حجاب

و درگیری با "حزب الهی ها"

در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۶۳ در میدان هفت حوض نارمک دختری به خاطر عدم رعایت حجاب توسط مزدوران رژیم - متوقف میشود و درگیری سختی بین او و زنان "گشت زهرا" و "گشت امر به معروف" بوجود میآید. از آنجا که دختر به فنون کاراته آشنا بود، درگیری با زنان حزب الهی به درازا می انجامد. به ناچار مزدوران تقاضای نیروی کمکی کرده و با کمک نیروی کمکی مسجد نبی "موفق" میشوند دختر را دستگیر کرده و با خودشان ببرند .

اعتراض مردم دیلم

حدود یک ماه پیش مردم دیلم (یکی از توابع بوشهر) در اعتراض به وضع بد آب و برق و امکانات رفاهی (نبودن بیمارستان، دکتر، دارو و...) جاده اصلی را بسته و در وسط جاده تجمع میکنند. به فاصله کوتاهی کامیون ها و تریلرها در دو طرف جاده متوقف شده و راهبندان بزرگی ایجاد میشود. در همین اثنا به پاسداران مستقر در نواحی گناوه و هندیجان اطلاع داده شده و سپاه از دو طرف مردم را محاصره میکند. اما پاسداران با مقاومت مردم زورپوشده و بر روی آنان آتش میکشایند در این درگیری چند نفر کشته و مجروح میشوند .

کمبود دندانپزشک

بنا بر گزارش روزنامه اطلاعات - مورخ ۸ مهر، "بیش از ۵۸٪ کل دندانپزشکان کشور در تهران مشغول بکار هستند و در کل کشور برای هر ۱۶۲۳ نفر تنها یک دندانپزشک وجود دارد. در بعضی از شهرهای کشور حتی یک دندانپزشک هم وجود ندارد!"

تحويل اسلحه اسرائیلی در

مقابل حفاظت از یهودیان هفته نامه ساندی تایمز چاپ - انگلستان در تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۹۸۴ طی

تجاوزی است و تا هنگامی که این رژیم در عراق وجود داشته باشد در منطقه -

بلعنی که به نفع ملت های مسلمان باشد برقرار نخواهد شد. این نکته ای است که

باید مورد توجه قرار گیرد. موضوع خسارت و سایر مسائل در مراحل بعدی شروط ما

قرار دارد. . . . وقتی ما آن دو شرط - سقوط صدام و پرداخت خسارت را مطرح -

میکنیم، به این معنی است که هرگونه ابتکار و پیشنهائی که در مورد صلح داده

میشود اگر تضمین کننده بقای رژیم - یعنی در عراق میباشد، ما نمیتوانیم

آن را ابتکاری برای پایان جنگ و - تجاوز در منطقه بدانیم. اصل برای ما

سرکوب تجاوز و خشکاندن آن است .

کاهش تولیدات توموبیل

سختگوی وزارت صنایع در گزارش - خود گفته "طی ۶ ماه اول سال جاری تولید

روزانه انواع وانت تراکتور، لیفت تراک، موتور پیکان، کمک فنر، ماشین

تراش و مته همراه با کاهش بوده . این کاهش ها بدلیل قطع برق، خرابی

ماشین آلات و نرسیدن مواد و قطعات - بوده است. در قسمت دیگر گزارش -

آمده است که کیفیت بعضی از تولیدات نظیر پیکان سواری و وانت ۱۰۰۰ و ۱۶۰۰۰

مردا با عین آمده است .

حمله و باشان رژیم به دکه داران کرج

بنابه گزارش روزنامه اطلاعات مورخ ۴ مهرماه، «اخطار دادستانی کرج مبنی بر جمع آوری کبوسکهای که در سطح شهر کرج نصب شده بود، شامل حاز دهه - های مجاز مطبوعاتی هم شد و ما موران - بدون توجه به سوابق امر و تعهداتی که در خصوص ارائه کار این دکه ها وجود دارد و پیرونده آن به مسئولان -



مربوطه ارائه شده بود در میان بهت و حیرت مردم نسبت به جمع آوری دکه ها اقدام کردند». در ادامه همین گزارش آمده است که «در جریان جمع آوری - اولین دکه مطبوعاتی، خبرنگار و عکاس روزنامه کیهان که قصد داشت از این صحنه عکس بگیرد مورد حمله قرار گرفت و دوربین او ضبط گردید». جریان این مسئله بقدری بالا گرفت که حتی مطبوعات

گزارشی مینویسد که اسرائیل بعد از مهال فروش مداوم اسلحه به ایران، اخیراً دستور مهمات نظامی ضروری مانند گلوله توپ و وسایل بدکی تانک را به این کشور قطع کرده است. دلیل این امر فقدان این نوع مهمات در اسرائیل و مشاجره بر سر دیر پرداخت پول - اسلحه های تمویل داده شده میباشد. یکی دیگر از دلایل این مسئله نگرانی دولت اسرائیل در رابطه با در خطر بودن جان یهودیان مقیم ایران است. بر اساس برخی از قراردادها که در - اوایل سال ۱۹۸۵ بین نمایندگان رژیم و وزیر دفاع اسرائیل در پاریس به امضا رسید، دولت ایران موافقت نمود که در آزادی دریا تحت احتیاجات نظامی اش از اسرائیل، حفاظت جان یهودیان مقیم ایران را تضمین کند. این هفته نامه در ادامه گزارش خود مینویسد که اولین محموله نظامی به ارزش ۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ قبل از آزادی گروگانهای آمریکایی آماده حمل به ایران بود که بابتی بودن - سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به این موضوع و دخالت کردن دولت آمریکا، فرستادن آن به ایران به بعد از - آزادی گروگانها موکول گردید.

فساد و رشوه خواری سردمداران رژیم

رشوه خواری و فساد چون بیماری واگیرری سراسر ارگانهای دولتی حتی بقول رژیم ارگانهای نوپا را فراگرفته است. در همین رابطه سه تن از مسئولان بلند پایه ستاد سازای بنیاد - ممکن سونگر دکه ظاهراً باید مورد - اطمینان رژیم هم بوده باشند، بجرم اختلاس میلیونها تومان اموال این - ستاد دستگیر و روانه زندان شدند. از طرف دیگر محاکمه ۱۲ مدیر بخش خصوصی و حکارمند دولتی (منابع سنگین) بجرم میلیونها تومان تبادل رشوه در دادگاه جناحی شهران در جریان است. نکته جالب توجه این است که متهمین اغلب در پاسخ سؤال قاضی میگویند - که از این پولها برای خریدن خانه و لوازم زندگی استفاده کرده اند!

رژیم نیز مجبوره انتشار اخبار آن شدند.

دارندگان کبوسکها که عمری از این راه امرار معاش میکردند، تنها منبع درآمد خود را نیز از دست داده و به صد میلیونها بیکار دیگر پیوستند.

خرید اسلحه از انگلستان

بنابه گزارش هفته نامه ساندی - تایمز مورخ ۱۲ اکتبر، ایران برای - پایان بخشیدن به بین بست جنگ هرچه بیشتر به سلاحهای انگلیسی متکی - میشود.

در سه ماه گذشته خرید نیروی دریایی ایران از انگلیس شدیداً افزایش یافته است. سفارشات اخیر ایران شامل انواع کشتی بوده است. ساندی تایمز می - افزاید که فروش سلاحهای انگلیسی به ایران چنان زیاد شده است که دولت آمریکا نیز اخیراً در این مورد بدولت انگلستان اعتراض کرده است.

به دام افتادن دلالتها رژیم در آمریکا

بنابه گزارش روزنامه لس آنجلس - تایمز مورخ ۱۶ اوت امیر، یک ایرانی - نام با سر عبدالرحیم شوشتری که صاحب یک مغازه ساندویچ فروشی در سان دیآگو - بالت کالیفرنیا آمریکا میباشد، به همراه یک انگلیسی بنام توماس هندلو که دلالت بین المللی اسلحه است، در - نهر سان دیآگو توسط ما موران قدرانی - آمریکا، به جرم قصد ارسال دو سیستم رادار بسیار گران قیمت در شهرستان - دیآگو دستگیر شدند. علاوه بر این دو نفر، سه تن دیگر به اسامی آلن یانگ - انگلیسی، سهامدار شرکت لوید انگلیسی، علی خلالت صاحب کمیانی حمل و نقل در - انگلیس و پیریان لوی در آلمان، در - ارتباط با این مسئله تحت تعقیب قرار گرفتند. شوشتری و هندلو به جرم - قاچاق لوازم نظامی، به بیش از ۱۷ سال زندان قدرال و ۱۱۲۵۰۰ دلار وجه نقد، جریمه شدند. سیستم های راداری که مخفیانه به ایران ارسال میشوند

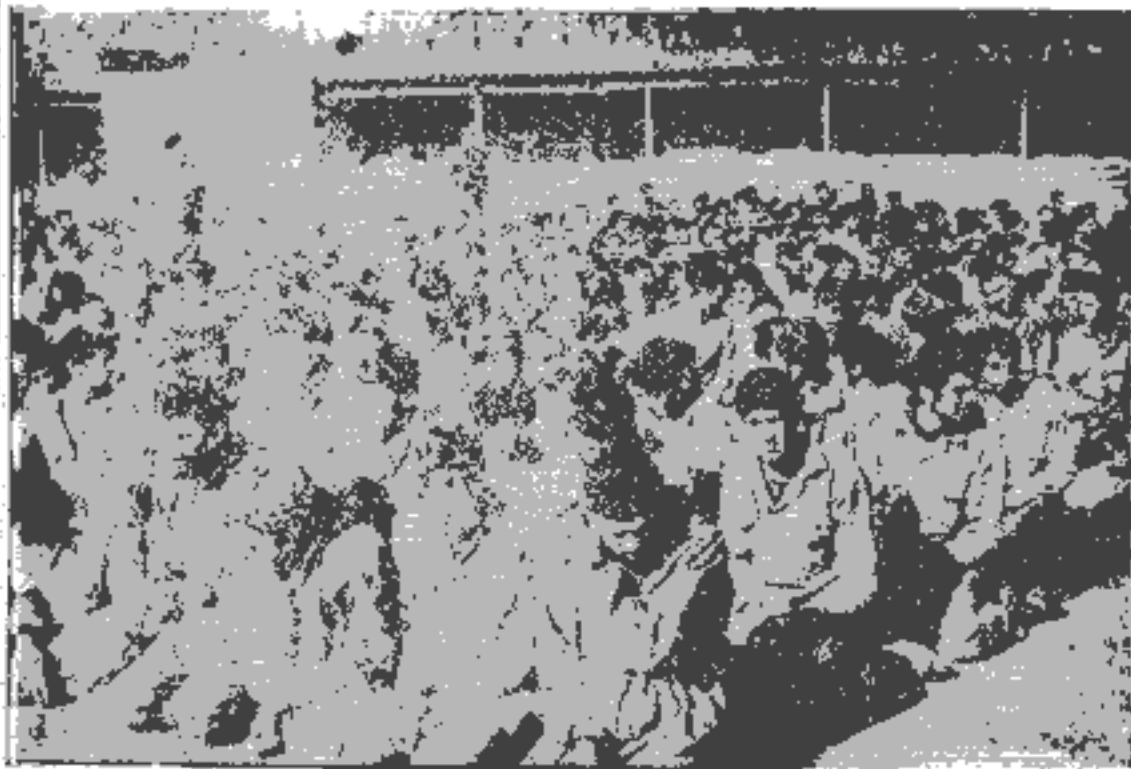
هر کدام بیش از ۱۴۷ هزار دلار قیمت دارند. بخش‌هایی در این معامله این بود که محموله‌های ارسالی رانجت - عنوان "دستگاههای تصفیه نمک" از آمریکا خارج کند.

امنیت اقتصادی برای سرمایه‌داران

سایندة تهران در مجلس گفت: "چرا دستور داده‌اند که خانه سید حسن امامی امام جمعه دربار طی حکمی همراه با ۶ میلیون تومان بعنوان خسارت اموال به زن او خانه اش پس داده شود؟ وی اضافه کرد: "برای آنکه ثابت شود امنیت اقتصادی وجود دارد در دوسه ماهه اخیر موارد زیادی از این قبیل حکمها صادر شده، مدتهاست که خانه‌ها و قطعات آنها با حکم برخی از مراجع بر سر زمینهای خود برگشته‌اند... چرا باید متخلفین عمده صنفی به نوعی و بهانه‌ای و - رابطهای از مجازات در امان باشند و تنها مجازات‌های جزئی و ناچیز را مابه رخ جا می‌کشیم؟ چرا مردم باید کار در استخوان و با استخوان در کلو زجر بکشند؟ چرا هر وقت دستور توقیف مستکبری را صادر می‌کنم رنگ تلخن‌ها از بالا جدا در می‌آید و از توقیف او جلوگیری میشود؟ چرا؟" وی افزود: "در این چند سال بعد از پیروزی انقلاب جوسا زیبایی بوجود آمده که امنیت اقتصادی نیست، عمده‌ای برای آنکه نشان دهند امنیت نیست وجود دارد، اموال مسادریه‌ای برخی از افراد فاسد و فراری رانه آنها برگردانیده‌اند. این عمده سرمایه‌داران و فئودالهای مفسد و وابسته فراری اگر برآستی مالک شرعی و قانونی این - اموال بودند، چرا فرار کردند؟"

حاکمیت قوانین قصاص

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور طی سخنانی در مراسم نماز جمعه تهران اظهار داشت: "در مدت ۶ ماهه اول سال جاری در تهران بر اساس آمار ۱۷۸۸ تعزیر، ۴۰۳ دایه دادن، ۲۷ قصاص نفس و ۸۹ حد شرعی انجام گردیده است" وی گفت: "هم قاطعیت هست و هم حد شرعی - جاری میشود و هم کار میشود، ما باید مواظب کسانی باشیم که به نفع مردم



کاری کنند و حداقل از آنها شکر کنیم. اگر حاکمیت قانون در مملکت نباشد، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و هم اکنون در کشور ما حاکمیت قانون است. وی همچنین اظهار داشت: "بسیاری از فحاشات محترم تا همین جایی ندارند و آنها را تهدید میکنند."

توجیه کشتار اسرای عراقی

بدشمال باز دید هیئت از ملیب سرخ از یکی از کمپ‌های اسرای عراقی واقع در گرگان، شورش در این کمپ از جانب اسرای عراقی به خاطر فشار و اذیت آزارشان توسط پاسداران به وقوع پیوست که در نتیجه آن تعدادی کشته و زخمی شدند.

هاشمی رفسنجانی در پایان جلسه شورای عالی دفاع، ضمن مصاحبه‌ای در مورد زده خورد و تیراندازی در اردو - گاه اسرای عراقی واقع در گرگان، و سخنان یک سخنگوی ملیب سرخ که گفته بود در شورش اسرا و برائرتیراندازی پاسداران غیرکشته و ۳۵ نفر مجروح شدند، گفت: "رفتار ملیب سرخ در این مورد قابل تأسف است. ما مدارکسی در اختیار وسایل ارتباط جمعی دنیا قرار میدهم که نشان میدهد مقامات ملیب سرخ همانطور از بعضی محافل - دستور گرفته بودند، تحریک کردند که در اردوگاه شورش شود. پس از شروع

بی نظمی، مقامات ملیب سرخ می بینند که حملات بعضی‌ها به اسرای مسلمان آنها را هم به خطر انداخته است. و به این دلیل مقامات ملیب سرخ از نیروهای ما خواستند که برای حفظ جان آنها تیراندازی کنند. پس از آن نیروهای ما وظایف خودشان را انجام دادند و شورش را متوقف کردند و بعد بجای آنکه مابه رفتار مقامات ملیب سرخ اعتراض کنیم، آنها گزارشهای غیر واقعی منتشر کردند."

مقابله با هواپیمای ربائی

خمینی طی دیداری با وزیر راه و ترابری و گروهی از کارکنان هواپیمائی اظهار داشت: "اگر چنانچه ملاحظه کردید که پاسدارها و دولت قرار کردند که در هواپیمای خاصی باشند یا از شخصی تفتیش بشود این موجب نگرانی نباشد دولت میخواهد نگذارند شما اهانت - بشود، هواپیمارا از شما وقتی ربودند این اهانتی است به اصل هواپیمائی، از این جهت اگر فرض کنید که اشخاصی آمدند و تفتیش خواهند بکنند هیچ - ناراحت نباشید."

قابل توجه است که چندی پیش - بخاطر تفتیش یک غلبان توسط پاسداران و اعتراض وی باعث دست از کار کشیدن - چند ساعت کارکنان هواپیمائی شد - که سرانجام با دخالت "مشولین" خاتمه یافته

نگاهی

به روزنامه‌های رژیم

برای "گشت و گذار" این شماره، با هم یکی از روزنامه‌های رژیم سفیهان را ورق می‌زنیم. در همسان صفحه اول کیهان، عکس رهبر اعظم جنایتکاران، خمینی و سفیه عالیقدر منتظری و چند آخوند و ملای دیگر بچشم می‌خورد. البته در صفحات دیگر نیز تا دلشان بخواهد عکس آخوندها جماعت را بزور لابلای مطالب گنجانده‌اند. درست مثل روزنامه‌های زمان شاه که تصویر شاه را مربوط و نا مربوط همه جا چاپ می‌کردند.

به صفحه آگهی‌ها می‌رسیم. سراسر صفحه را آگهی‌های تبریک به امام امت و سفیه عالیقدر بخاطر کشته شدن جوانان در جبهه‌های جنگ "حق - علیه باطل" پوشانیده است. در لابلای شعارهای "نه شرقی نه غربی" سردمداران و تبریکات شهادت، آگهی‌های متعدد کمپانی‌ها و شرکت‌های خارجی به زبان انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی و غیره چاپ شده است.

هر صفحه را که ورق می‌زنیم، دروغی تازه می‌یابیم. فریب و ریای سفیهان حد و مرز نمی‌شناسد. در لابلای دروغ‌ها، به اعترافات تکان‌دهنده‌ای نیز دست می‌یابیم. در صفحه مذاکرات مجلس، سخنان حسینیه، نماینده مینو دشت توجه‌مان را جلب می‌کند: "اکثر مدارس حوزه‌های من - بصورت باطلی درآمد دارند. روستاهای آن به فراموشی سپرده شده‌اند، آموزش و پرورش در اکثر روستاها فاقد ساختمان است. اکثر روستاها معلم و دبیر ریاضی و ادبیات ندارند بطوریکه در مینو دشت فقط یک نفر در رشته ریاضی، آنهم در گرگستان تحصیل می‌کند. همه دارند اقتصاد توحیدی را دنبال می‌کنند و هم‌اکنون دهها دیپلمه بدور فلکه مینو دشت فقط پاره می‌زنند."

به تبصره درشت صفحه اول روزنامه برمیگردیم. حرف‌های اعظم

جنایتکاران، خمینی، با حروف درشت نظریان را جلب می‌کند: "باید به درگاه خداوند شکر گذاری کنیم که این همه نعمت به ما ارزانی داده است." برای پی بردن به "نعمات" خدا دادی، به صفحه مذاکرات مجلس برمی‌گردیم و سخنان خمینی را دنبال می‌کنیم: "شیوع بیماری سالتک در منطقه و کمبود واکسن منطقه گنبد را با مشکلاتی مواجه ساخته است. در کلاله مینو دشت و گالیکش حتی یک آمبولانس وجود ندارد. بیمارستان آن فراموشی سپرده شده و درمانگاه و اطباء زایمان آن وضع اسفباری دارند. برای تعیین نمره عینک در این منطقه باید برای یک سال دیگر وقت گرفت."

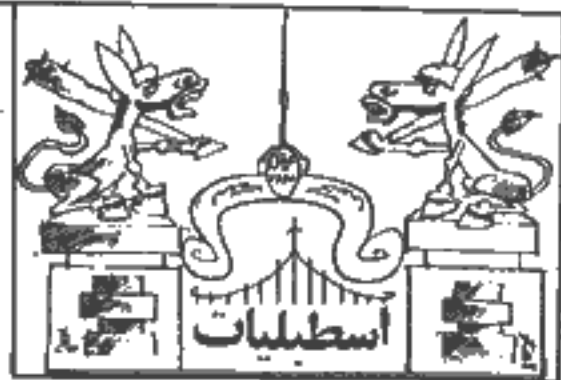
روزنامه را ورق می‌زنیم. در گوشه‌ای از یکی از صفحات، عکسی توجه‌مان را جلب می‌کند. ابتدا تصور می‌کنیم عکس مربوط به دوره قاجاریه است. ولی خوب که دقت می‌کنیم، می‌بینیم خیر. عکس است از عده‌ای سفیه با شلوارهای گشاد که دور هم روی زمین نشسته‌اند و در بالای عکس نوشته شده است: "سمینار ولایت فقیه افتتاح شد." در قسمتی دیگر از صفحه، پیام آیت‌الله مشکینی بهمین مناسبت درج شده است. برای ارضای کنجکاو، بخشی از پیام را مرور می‌کنیم: "مقدس‌ترین و مهم‌ترین موضوع و سعادت یک ملت این است که دانشمندان (یعنی همین ملاحسا) گرد هم آیند و در اطراف خود تبادل نظر کنند تا صاف را از ناصاف جدا کرده و حاصل جلسه را که محصول پر ارزش شورا است، به مرحله اجرا درآورند."

برای پی بردن به اهداف "صاف" دانشمندان اسلامی و محصول گرد همایی آنها، صفحه‌ای دیگر از روزنامه را ورق می‌زنیم و گفته‌های دکتر علی شریعتمداری را با هم می‌خوانیم: "گزارشاتی که پیرامون افزایش طلاق در دادگاهها، از دیاد سرفت، اشاعه و انحراف جنسی به مسئولین رسیده، باعث شد تا مرکز بررسی علمی و مسایل روانی اجتماعی به دستور نخست وزیر تأسیس شود."

آنگاه دکتر شریعتمداری ادامه می‌دهد: "بر اساس آمارهای موجود تنها در سال گذشته بیش از ۵۱ هزار نفر در سطح کشور در گروه بین ۳۰-۱۶ سال در رابطه با جرائم گوناگون از قبیل دادر کردن اماکن فساد و وادار کردن اشخاص به فحشا، کلاهبرداری، سرقت، هتک حرمت ناموس در منازل و محل کار و... دستگیر و بازداشت شده‌اند." دقت کنید ۵۱ هزار نفر تنها در عرض یک سال به جرائم بالا دستگیر شده‌اند! حاشا با توجه به تعدادی که دستگیر نشده‌اند، عمق قاجعه را بهتر در می‌یابیم. ولی این هنوز همه ماجرا نیست. حرف‌های دکتر شریعتمداری را دنبال می‌کنیم: "آمار شیوع مواد مخدر در بین جوانان برای دست اندرکاران هشدار دهنده است زیرا هم‌اکنون حدود نیم میلیون تن از نیروهای فعال و کارآمد کشور معتاد به مواد مخدر هستند."

تا همین اینجا به معنی واقعی "نعمات خدایی" و "اهداف صاف" موعظه شده توسط سردمداران رژیم یعنی، مدارس باطلی شده، ۵۱ هزار نفر زندانی به جرم سرقت و فحشا و ۵۵۰ هزار نفر جوان معتاد... پس می‌رسیم. قبل از اینکه گشت و گذارمان را به پایان برسانیم، سری به صفحه ورزشی می‌زنیم. تصویری از "دختران ورزشکار" که از فرط "پوشش اسلامی" به زحمت و با ذره‌بین می‌توان چشمانشان را تشخیص داد، خودنمایی می‌کند. بالاخره به صفحه آخر می‌رسیم. عکسی از صحنه‌های جنگ که در آن لاشه‌های انسانی روی هم تلنبار شده و آدمی را کاملاً متاثر می‌کند. به چشمان می‌خورد. کمی آنطرف‌تر در همان صفحه، تبصره درشت دیگری از سخنان رهبر جنایتکاران چاپ شده است: "به شکر خدا، مردم ما در امن و امان زندگی می‌کنند."؟! اگرچه دروغ، ریاکاری و تزویر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و جنایات آنها حد و مرزی ندارد، ولی ما به ناچار گشت و گذار این شماره را به پایان می‌بریم.

در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟



ثواب چهار زن گرفتن و صیغه!

اگرچه برخی از مذاکرات مجلس بحرانهایی که رژیم با آنها روبرو است را فاش می‌سازد، برخی دیگر دید واپس‌گرا و ارتجاعی و ماهیت‌مرد - سالارانه نظام اسلامی را آشکار می‌نمایند. بیخشی که زن را نسیه بعنوان یک انسان هم‌تراز مرد، بلکه همچون ابزاری برای بازتولید نیروی کار و رفع نیازهای مرد بحساب می‌آورد، این چنین شیوه تفکیری ماهیت ارتجاعی و غیرانسانی خود را ضمن بحث پیرامون مشکلات زنان با اصطلاح بی‌سرپرست از زبان نمایندگان آن آشکار می‌سازد. بطور مثال یکی از نمایندگان مجلس اسلامی برای حل این مشکل، که یکی از نتایج منظم جنگ ارتجاعی است، می‌گوید "ما باید دو زن، یا سه زن گرفتیم، چهار زن گرفتیم با آن شرایط اسلامی آن فحشی را که در طول این چند سال بوجود آمده از بین ببریم و بصورت ثواب و اسلامی بودنش را مطرح نکنیم و بعد مسئله صیغه، منعه که یکی از فواین اسلامی است آنرا بطور قانونی و از روی عدالت اسلامی رواج بدهیم" (جلسه ۲۹۲). برای رژیم جمهوری اسلامی ارائه چنین راه حل - هاشی در مورد زنان امر سازهای نیست. در گذشته بر پایه همین بیخشی اسلامی و فشار ناشی از بیگاری که نمایانگر ناتوانی رژیم سرمایه - داری اسلامی در حل بحرانهای اقتصادی است، زنان شاغل، بیگار و بی - خانه فرستاده شدند تا در پرتو اسلام "وظیفه خانه‌داری و بچه‌داری" را ایفا نمایند! اینک به میمنت

"انقلاب فرهنگی" رژیم، دستوران دانش‌آموز نیز به بهانه‌های جدید به خانه فرستاده میشوند. بسته‌شدن مدرسه گواور در گیلان غرب که کودکان ۲۲ روستا در آن به تحصیل اشتغال داشتند، نمونه‌ای از این سیاست است. لطیف‌سفری، نماینده رژیم از آن منطقه، خطاب به وزیر آموزش و پرورش چنین توضیح داد: "این آقا آمده به بهانه‌ای که این مدارس و این دبستانها و راهنمایی‌های مختلط هستند و باید در جمهوری اسلامی دختر و پسر از هم جدا بشوند، خواهر و برادرها را جدا کرده و - خواهرها را در دو سه منطقه از تحصیل کردن محروم کرده است و این در شرایطی است که هیچگونه امکاناتی، کوچکترین قدمی برای ادامه تحصیل و یا تحصیل اینها برنداشته و صرفاً طرف‌قطع و نابودی آنها را در نظر گرفته است" (مذاکرات مجلس، جلسه ۱۶۱۵).

"دولت

با ناسرو مغزش کوچکتر و بدنش بزرگتر می‌شود!"

در رابطه با گسترش بوروکراسی دولتی، زواره‌ای در مجلس گفت: "ما می‌دانیم که کشورهای تحت‌سلطه در اجرای سیاست‌های استعماری همیشه بر حجم بافتن اداریش اضافه می‌شود و سعی کردند که این بافتن‌داری را به دلایل زیادی حجیم و گسترده کنند... در این راه نظام گذشته یک میلیون و دویست هزار نفر کارمند را جذب کرده است... وقتی انقلاب پیروز شد باید در این نظام اداری که هر رژیمی نظام اداریش را متناسب با

منافع خودش تنظیم و تربیت می‌کند باید در آن دگرگونی حاصل می‌شود. ولی ما همینیم که تعداد کارمندان ما... از یک میلیون و دویست هزار نفر، به گفته برادران کمیسیون بودجه به دو میلیون و دویست هزار نفر افزایش پیدا کرده است... بر خلاف گفته برادرمان آقای الویری هزینه جنگ ۱۱۴ میلیارد نیست... هزینه‌های جنگ حدود ۵۰ میلیارد تومان است. بقیه هزینه‌های جاری و هزینه‌های پرسنلی ارتش و سپاه هست، نه هزینه‌های مربوط به جنگ... آثار سوء اجتماعی که الان گسترش و گسترده‌گی بافتن‌داری پدید می‌آورد، این است که افراد تلاش می‌کنند به یک تریبی خودشان را در یکی از دستگاههای اداری شافل کنند."

در مورد گسترش دستگاههای اداری، الویری گفت: "افراد متخصص دایما از وزارتخانه‌ها به طسرف بخش خصوصی می‌روند و افرادیکه می - مانند، عمدتا از تخصص کمتری برخوردار هستند و همان تعبیری است که یک برادری اینجا کرد که: "دولت دایما سر و مغزش کوچکتر و بدنش بزرگتر می‌شود."

بیان عملکرد

اقتصادی رژیم

ارقام زیر در مذاکرات علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۹۱ ارائه داده شده است:
- حجم هزینه‌های جاری در سال ۱۳۵۷ مبلغ ۱۲۸۷ میلیارد ریال بوده است و برای سال ۱۳۶۲، ۲۶۷۰ میلیارد ریال

شده است.

— هزینه قوه قضائیه در سال ۱۳۵۷، ۷۰۰ میلیون تومان بوده و امروز برای سال ۱۳۶۲، ۲۹ میلیارد ریال یعنی ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان شده، خارج از آنچه که بعنوان هزینه‌های ضروری از محل هزینه‌های ضروری به آنها پرداخت میشود.

— واردات گندم در سال ۵۷ (آخرین سال رژیم فاسد گذشته) نزدیک — میلیون تن، در سال ۵۸، ۴۸۰ هزار تن ... ولی در سال ۱۳۶۲ همه میدانیم که واردات گندم از ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گذشته و ظاهراً مقداری هم آرد خریداری شده که نهایتاً نصف را دارد. واردات علوفه، واردات — برنج ۷۲۰ هزار تن شده ...

— نتیجه‌اش مهاجرت روستائیان به شهرها است. تهران ۳/۵ میلیونی به ۸ میلیون نفر تبدیل شده و ۴/۵ میلیون نفر به تهران آمده است. کرج ۵۰۰ هزار نفری به ۲ میلیون، ۱/۵ — میلیون نفر تبدیل شده است.

"فشار اقتصادی و تورم بدتر از خطر صدام"

کیاسری نماینده ساری در مورد — مسائل حوزه انتخاباتیه خود در مجلس — گفت: "استان مازندران به غلط به — استان مرفه معروف شده است ... درحالیکه نقاطی وجود دارد که من شرم میکنم در میان مردم آنجا حاضر شوم. بخواهر آنکه مردم آنجا خواسته — هائی دارند که برای زنده ماندنشان — است نه برای رفاه و آسایش و نه برای خوشگذرانی، ما خواسته‌های آنها را به هر مقامی منتقل میکنیم گاهی بایک کاغذ مارابه طرف دیگری محول میکنند و سرانجام هیچ نتیجه‌ای هم نمیگیریم ... همه به این متوسل میشوند که — بوده نداریم. اما آقای رفسنجانی در مجلس میگویند بوده داریم خیلی هم داریم. اگر داریم چرا روستاشی — آنطور باید در بدبختی و بیچارگسی زندگی کند." کیاسری میافزاید: "... فشار اقتصادی و تورمی که فوق العاده



وحشت آورده برای ما کمتر از صدام — نیست با آنکه امام در پیام روز — افتتاح مجلس روی مسایل تورم، مسکن و رسیدن به حال مردم کم درآمد شکیب کرد، چگونه تاکنون هیچ حرکت اصلی نه از دولت و نه از مجلس دیده شده؟ بازار و عیالان و کوچه و روستا و شهر متوقع هستند مگر بسیاری از این مسائل در شعارهای انتخاباتی ما نیامده بود؟ ما به مردم وعده میدادیم که — میگیریم، می بندیم، چه میکنم چه میشود، چه شد؟ چه خبری شد؟ غم‌آه از آن لحظه گذشته و تا به الان من که از تورم، حل مشکل مسکن و حل مشکلات کشاورزی جز در لفظ و در شعار سخنی نشنیده‌ام. شعار و لفظ دردی را دوانسی نمیکند اگر منتظر هستید که از جای دیگر انسانی بیاید و ما را راهنمایی کند، انتظار بی موردی دارید."

جنگ و بحران اقتصادی

بیش از پنج سال از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، رژیم اسلامی روز بروز در بحرانی هرچه عمیق تر فرو می‌رود. بحرانی که بنوعی یکی از نمایندگان مجلس "جان از بیکر جمهوری اسلامی خواهد گرفت" (مذاکرات مجلس، جلسه ۶۱۸). در حین مذاکرات مجلس،

گاهگاهی نمایندگان رژیم با حفظ احتیاط گونه‌هایی از این بحران را با شیوه بیان خاص خویش بازگو می‌نمایند. بطور مثال، یکی از نمایندگان فاش میکند که "دولت کلیه ضعف‌هایی را که در کار اجرائی دارد ... به گردن جنگ می‌اندازد" — (جلسه ۵۹۱). نماینده‌ای دیگر از هزینه فزاینده جنگ سخن می‌گوید: "ما در شبانه روز داریم ۳۱۰ میلیون تومان هزینه جنگی می‌پردازیم" (جلسه ۵۹۱). نماینده‌ای دیگر با حماقت خاص خویش میگوید: "خداوند نعمت نفت را به ما عطا فرموده و ما هر چندر که خواستیم نفت را می‌فروشیم و هزینه جاری کسب می‌کنیم" (جلسه ۵۹۱). — نماینده‌ای دیگر به رابطه مستقیم فروش نفت و وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم اعتراف نموده و چنین میگوید: "باید نفت بفروشیم و پولش را بگیریم، گندم بگیریم، کرایه کشتی به دلار بدهیم، بیمه جنگی بدهیم، کشتی بیاید با فرض اینکه در بندر اسکله‌ای وجود داشته باشد و غالی بشود تازه باید برای حمل آهن گندمها به نقاط مختلف کشور چند هزار کامیون خرید و چرخ صنایع عظیم غرب به حرکت دربیاید" (جلسه ۵۹۱).

نیکاراگوئه

بلافاصله بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، همانگونه که انتظار میرفت، ریگان تبلیغات وسیعی را علیه دولت انقلابی ساندینیستها آغاز نمود و زمینه را برای تهاجم نظامی به نیکاراگوئه مهیا ساخت. درست در آخرین ساعات روز انتخابات ریاست جمهوری، دستگاه های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا با سر و صدای زیاد پرده از "سر بزرگ" برداشتند. به ادعای مقامات آمریکا، کشتی شوروی که دریکی از بنادر نیکاراگوئه مشغول بارگیری بوده، حامل میگ ۲۱ بود. دستگاههای تبلیغاتی آمریکا عنوان می کردند که نیکاراگوئه با داشتن چنین میگهایی امنیت همسایگان خود، یعنی السالوادور و هندوراس را بخطر خواهد انداخت.

در حالیکه جناحهای فاشیستی و محافظه کار آمریکا مرتباً اصرار می ورزیدند که دولت نیکاراگوئه بایستی رسماً اعلام کند که محموله درون کشتی چیست، مقامات نیکاراگوئه اعلام داشتند که "محموله درون کشتی میگ نیست. گذشته از این، این مسئله ربطی به آمریکا ندارد. نیکاراگوئه بعنوان یک کشور مستقل برای حفظ امنیت خود میتواند نیازهایی نظامی خود را از هرکجا تهیه کند." با این وجود جنگنده های آمریکایی روزی چند بار بر فراز خاک نیکاراگوئه به مانور نظامی می پرداختند. در روز ۹ نوامبر ژنرال گورمان، فرمانده نظامی ارتش آمریکا در آمریکای مرکزی از مرزهای آبی نیکاراگوئه بازدید نمود. در پی این واقعه، حکومت ساندینیستها اعلام موقعیت اضطراری در کشور نمود و از کلیه افرادی که دوره های آموزش نظامی را دیده اند، دعوت بعمل آورد که به ارتش بپیوندند. بیش از ۲۰۰۰۰ دانشجوی نیکاراگوئه ای که هر ساله در این فصل به کشاورزان برای برداشت محصول قهوه کمک می کردند، آمادگی خود را برای مقابله با امپریالیسم آمریکا اعلام نمودند. علیرغم اینکه کشتی شوروی مدتهاست که سواحل نیکاراگوئه را ترک نموده، تبلیغات آمریکا علیه نیکاراگوئه و جوسازی برای یک مداخله نظامی در این کشور هنوز ادامه دارد.

السالوادور

بمناسبت فرارسیدن فصل برداشت محصولات مزارع قهوه، پنبه و شکر در السالوادور، چریکهای فارابوندو-مارتی، صاحبان این مزارع را تهدید



تسلیم توده ای برای مقابله با خطر مداخله نظامی آمریکا در نیکاراگوئه

کردند که به کارگران زراعی حداقل مزد تعیین شده از طرف جبهه فارابوندومارتی را (که برای امسال ۱ دلار و ۲۵ سنت در روز می باشد)، پرداخت کنند. در سال گذشته چریکها از حمله به مزارعی که حداقل مزد تعیین شده از طرف جبهه را به کارگران زراعی پرداخت کرده بودند، خودداری کردند.

علیرغم مخالفت برجسته ای از گروههای اپوزیسیون در "نیروه های رهاشیش خلق" (FPLA) که توسط کارپیو بنیانگذاری شده است، مذاکرات میان جبهه فارابوندومارتی و دواتره رئیس جمهور السالوادور در روز ۱۵ اکتبر صورت گرفت. با این وجود سه روز بعد از دیدار پر سرو صدا بین نمایندگان چریکها و دولت، چریکهای عملیات نظامی خود را، بویژه در منطقه سن میگوئل، افزایش دادند. این عملیات شامل مسدود کردن جاده ها، کنترل ماشینها و اتوبوسها، آتش زدن ماشینها و مین گذاری بر سر راه ستونهای ارتش السالوادور بود. چریکها قبل از شروع مذاکرات، اعلام کرده بودند که در روز ۱۸ اکتبر یک عملیات نظامی وسیع را سازماندهی خواهند کرد. ارتش السالوادور نیز به حملات خود در مناطق تحت نفوذ چریکها، از چالاناکو در شمال تا مورازان در شرق ادامه میدهد.

روز ۱۹ اکتبر سخنگوی وزارت کشور آمریکا اعلام کرد که ۴ تن از اعضای سیا که برای مأموریت به السالوادور می رفتند، در پی یک

حادثه هوایی کشته شدند. این سخنگو همچنین گفت: "این هواپیما در حالیکه در تعقیب هواپیمای دیگری که برای چریکها اسلحه حمل میکرد بود، بر اثر طوفان شدید سقوط کرد." با این وجود رادیو چریکها اعلام کرد که هواپیمای مزبور توسط چریکها مورد اصابت قرار گرفته و سقوط کرده است.

چریکهای فارابوندو مارتیسی روزهای ۲۷ و ۲۸ اکتبر یکی از پایگاههای دولتی واقع در "ال سالتو"، ۵۰ کیلومتری شرق سان سالوادور را مورد حمله قرار دادند. طبق گفته یکی از نظامیان، از طرف دولت دو نفر کشته و ۶ نفر زخمی شدند. این دو از فرماندهان نظامی برجسته السالوادور بودند و یکی از آنها بزرگترین فرماندهنده عملیاتی این کشور بود. این حادثه تا سقف مقامات آمریکا را برانگیخت. در سان سالوادور نیز انفجارهای زیادی صورت گرفت. همچنین در روز ۲۶ اکتبر یکی از محافظین سفارت آمریکا توسط سه پسر جوان که خود را اعضای نیروهای آزادیبخش مردمی معرفی کردند، کشته شد.

هندوراس

در هفته اول ماه نوامبر، ۷ نفر در شهر COMAYAGUA توسط نیروهای دولتی هندوراس ربوده شدند. ایسین شهر یکی از مقرهای نظامی قوای آمریکا در این کشور میباشد. همچنین در روزهای نوزدهم و بیستم اکتبر سال جاری ۷ نفر دیگر ناپدید شده بودند. این بیشترین تعداد آدم ربایی در هندوراس پس از سرنگونی ژنرال اکوارز در مارس گذشته میباشد.

قابل توجه است که در عرض دو سال اخیر، ۱۷۶ تن در هندوراس ناپدید گشته‌اند. دو تن از افراد رسیده شده عضو اتحادیه INCEHSA میباشند. رولاندور کاسرز، دبیرکل اتحادیه و رومولو الکساندر کروز در بعد از ظهر روز ۱۹ اکتبر به زور از محل کار خود توسط چهار نظامی که لباس عادی به تن کرده بودند، بیرون کشیده شده و به محل نامعلومی برده شدند. ربهوده شدن ۲ تن از اعضای اتحادیه - های کارگری در زمانی انجام میگردد که درگیری بین کارگران و دولت با شدت زیاد همچنان ادامه دارد.

شیلی

ارتش و قوای نیروی هواشناسی به همراه مأموران دیگر در روز ۱۵ نوامبر به محله‌های فقیرنشین سانتیاگو هجوم آورده و هزاران تن را دستگیر و روانه استادیوم فوتبال نمودند. این دومین حمله به محله‌های فقیرنشین شهر پس از اعلام حکومت نظامی میباشد. ○○○○○

۱۸۵ نفر دستگیر شدند. از تعداد کشته‌شدگان و مجروحین اطلاعاتی در دست نیست.

آسیا

ترکیه

بدنبال عملیات شدید نظامی ارتش ترکیه علیه چریکهای کرد این کشور که از ماه اکتبر شروع شد، ارتش این کشور برای سرکوبی کردها حتی تا مرز عراق نیز پیشروی نمود. تورگات اوزال، نخست وزیر ترکیه در روز ۱۷ اکتبر گفت: "ترکیه و عراق به توافق در مورد یک عملیات هماهنگ بر علیه شورشیان کرد در دو طرف مرز دست یافتند." وی در بخشی دیگر اضافه نمود "توافق مشابهی در آینده نزدیک میان ترکیه و ایران بوجود خواهد آمد." او از اینکه جنگ ایران و عراق مانع از این میشود که این کشور اتوریتته خود را در مناطق مرزی با ترکیه اعمال کند، اظهار تاسف نمود. ○○○○○



حتی ماشین‌های آتش‌نشانی و ضرب و شتم پلیس فاشیست شیلی نیز نمی‌تواند جلوی خشم توده‌های مردم این کشور را بگیرد

عمومی و مقامات فرانسه درخواست کرد که برای ممانعت از اقدام سه تن از اعضای "حزب کمونیست ترکیه مارکسیست - لنینیست" که به مرگ محکوم شده‌اند، اقدام کنند.

عراق

در هفته آخر نوامبر برای برقراری روابط دیپلماتیک بین آمریکا و عراق دیداری بین طارق عزیز و ریگان صورت گرفت. مقامات آمریکا بهیرامون این مسئله اظهار داشتند که آنها امیدوارند عراق از حمایت عرب‌های "رادیکال" دست برداشته و به مصر واردن و عربستان سعودی ملحق شود.

پاکستان

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز مورخ ۲۲ اکتبر، پلیس پاکستان برای متفرق کردن دانشجویان در چهارمین روز تظاهرات ضد دولتی واقع در منطقه جنوبی سند، از گاز اشک‌آور و باطوم استفاده نمود. همچنین دانشجویان اعلام داشتند که بر اثر اصابت گلوله گاز اشک‌آور، ۲ نفر از مردم زخمی و ۲ نفر دیگر نیز دستگیر شدند.

کامبوج

بنا بر گزارش روزنامه لوموند دولت کامبوج برای مقابله با فحشی ناشی از سیل و خشکسالی، تقاضای کمک‌های انساندوستانه نموده است. در سال جاری کشاورزی کامبوج از تکرار متناوب سیل و خشکسالی ضربات سختی دیده است. وزیر کشاورزی کامبوج اعلام کرده است که این کشور به برنج، بذر برنج، دارو ابزار و آلات کشاورزی و کودهای کشاورزی نیاز فوری دارد. طبق گفته وزیر بهداشت کامبوج، گری برداشت برنج در پایان سال ۱۹۸۴ در حدود ۳۰۰۰۰۰ تن خواهد بود.

کره جنوبی

در پی تظاهراتی که از طرف دانشجویان بزرگترین دانشگاه سئول علیه رژیم این کشور و برای تحریم امتحانات بر پا گردید، ۱۷ دانشجو دستگیر شدند. برای سرکوب این تظاهرات دانشجویی، ۶۴۰۰ پلیس فد خورش شرکت داشتند.

ویتنام

طی دعوتی که گروهی از روزنامه نگاران آمریکایی در نیویورک از ناچ، وزیر امور خارجه ویتنام بعمل آوردند، وی در مورد وضعیت زندانیان سیاسی ترکیه از افکار

یکی از فعالین سیاسی راه - انقلابی بنام حیدر املان روز پنجشنبه ۲۵ اکتبر در ۲۶ سالگی در زندان غیرنظامی بوردور (غرب ترکیه) به دار آویخته شد. سازمان راه - انقلابی یکی از مهمترین سازمانهای چپ ترکیه میباشد که فعالیت‌های گسترده‌ای را از زمان روی کار آمدن دولت نظامی ترکیه انجام داده است. ○○○○○

در روز ۸ نوامبر دادگاه نظامی استانبول ۱۵ تن از فعالین حزب و جنبه رهاشخص خلقی (THKP - C) را به مرگ محکوم نمود. جرم این ۱۵ تن دست داشتن در یک عملیات فرار بوده است که طی آن یک زندانم کشته شد. در فرانسه، کمیته همبستگی با زندانیان سیاسی ترکیه از افکار

بر اساس خبرگزاری فرانسه، در روز ۸ نوامبر دولت نظامی شیلی از انتشار ۶ نشریه اپوزیسیون - قانونی جلوگیری کرد، ویر مایستر رسانه‌های گروهی، رسماً سیستم‌سانسور را تحمیل نمود و حق هرگونه تجمعی را به موافقت مقامات محلی مشروط گرداند. این اقدام در پی استقرار حکومت نظامی در سراسر شیلی صورت گرفت. دولت طی اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که ۲۷۴ "عناصر ضد اجتماعی" را در زاغه‌های سانتیاگو دستگیر کرده است. از طرف دیگر در روز ۸ نوامبر اهالی سانتیاگو علی‌رغم وجود ممنوعیت عبور و مرور، به خیابانها ریختند و به مقابله با ارتش و سایر نیروهای سرکوب دولتی پرداختند. در پی این حرکت اعتراضی

کنونی ویتنام و کامبوج، به سئوالات عده‌ای از خبرنگاران پاسخ داد که بخشهایی از آن را نقل میکنیم.

تاچ ضمن سخنان خود اشاره کرد که "ویتنام در طی یک ماه آینده در انتظار مذاکره با کشورهای عضو ASEAN (تایلند، مالزی، سنگاپور، فیلیپین، اندونزی و برمه) در مورد وضعیت لائوس و کامبوج میباشد. وی متذکر شد چین با همکاری ASEAN همواره سعی نموده تا از برکزاری این مذاکرات جلوگیری بعمل آورد تا بحال خود، ویتنام را به ورطه سقوط بکشاند... از این گذشته - این کشور (چین) با ارسال اسلحه به طرفداران پل پات در کامبوج، قصد تجاوز و دخلت به ویتنام را در سر می‌پروراند. ولی بعد از گذشت شش سال، ما شاهد عدم سقوط ویتنام می‌باشیم. اما شرایط در کامبوج به نحو دیگریست. ما همانطور که بارها گفته‌ایم خواهان خروج نیروهای پیمان از خاک کامبوج بوده - این ولی این عمل را با موفقیت کنونی کامبوج به یکباره نمی‌توانیم انجام دهیم. تاچ همچنین اعلام کرد که: "بمقیده ما طرفین سال آینده، دولت HENG SAMRIN در کامبوج قادر خواهد بود به تنهایی از مرزهای خود حفاظت کرده و از حملات احتمالی دشمنان جلوگیری نماید."

هند

یک گروه اشتلائی اپوزیسیون که از ۹ حزب تشکیل شده است، حزب کنگره (حزب حاکم) را متهم کرد که حملات مرگبار بعد از مرگ ایندیرا گاندی را سازماندهی کرده و پاسی نیز در اجرای این حملات یا حزب همکاری نموده است. این تشکیلات اشتلائی اعلام کرده است که پلیس در بسیاری موارد نظاره گر خاموش غارت اموال، آتش سوزی، قصابی و سایر اشکال خشونت که بعد از مرگ گاندی رخ داده، بوده است.

آفریقا

اتیوپی

در پی بروز فحطی و خشکالی در اتیوپی و دیگر کشورهای ساحلی آفریقا، سازمانها و نهادهای بین المللی ارسال کمک‌هایی را به اهالی این کشورها سازماندهی نموده‌اند. ولی علیرغم این کمک‌ها، تا اوایل ژانویه ۱۹۸۵ حداقل یک میلیون نفر از گرسنگی تلف خواهند شد. در اتیوپی روزانه ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر از گرسنگی می‌میرند. این کشور در سالهای ۷۲-۱۹۷۳ نیز در اشکالی خشکالی، ۲۰۰۰۰۰ نفر قربانی داد. عمده مناطقی که دچار فحطی شده‌اند، اریتره و تیگر می‌باشند که در هر دو منطقه مبارزه مسلحانه سختی علیه

دولت اتیوپی در جریان است. دولت‌های غربی نیز می‌کوشند که برای اهداف تبلیغاتی خود، کشور اتیوپی را بخاطر روابط نزدیکش با شوروی، از بقیه کشورهای فحطی زده متمایز سازند.

آفریقای جنوبی

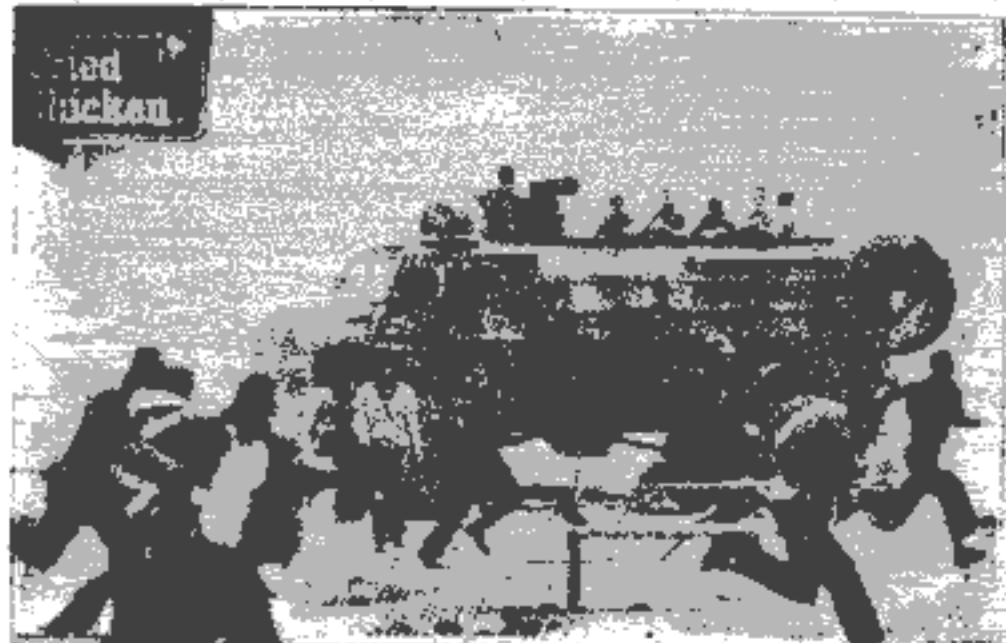
اوایل ماه نوامبر یکی از بزرگترین اعتمایات سیاسی با اقتصادی در آفریقای جنوبی با موفقیت به پایان رسید. این اعتمایت که در پی اتخاذ ۳۷ گروه دانش‌آموزی، کارگری و سازمانهای مذهبی انجام گرفت، برززه بر اندام رژیم ارتجاعی این کشور انداخت. در این اعتمای که صدها هزار نفر در آن شرکت داشتند، بیش از ۲/۳ کارگران از رفتن به سر کار امتناع کرده و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز، (که اکثرا از ۷ ماه پیش مدارس را تحریم

نیروهای ترتیب دهنده این اعتمایات تشکیل گردیده تا در جهت کسب کامل این خواسته‌ها، برنامهریزی کند.

صحرا

در بیاتیه‌ای که از جانب وزیر اطلاعات صحرا انتشار یافت، آمده است: "مبارزان جبهه پولیساریو حمله بزرگی را در روز شنبه ۱۳ اکتبر به اسم "حمله بزرگ مغرب علیه یکی از مناطق دفاعی در صحرا، آغاز کردند. این حمله اساساً متوجه چهار نقطه مهم نیروهای سلطنتی، در بین راه - کمربندی خاشییان و ذمول در جنوب شرقی روک صورت گرفت. پولیساریو تاکید کرد که در این حمله، چندین اسیر جنگی و تعدادی مهمات از آردش به غنیمت گرفته شده است."

در بیستمین اجلاس "سازمان وحدت آفریقا" که دوازدهم نوامبر در



محتفای از خیزش مردم آفریقای جنوبی در شهر سبوک

کرده‌اند)، از رفتن به مدارس خودداری نمودند. خواسته‌های اعتمایبون بشرح زیر بود:

- ۱- آزادی زندانیان سیاسی
- ۲- خروج افراد پلیس و ارتش از شهرک‌های سیاه‌نشین
- ۳- کاهش مالیات مستقیم به میزان ۱۰ درصد
- ۴- کاهش اجاره‌خانه
- ۵- عدم افزایش کرایه اتوبوسها
- ۶- عدم افزایش قیمت آب و برق
- ۷- خواسته‌های سیاسی، سفی و اقتصادی دیگر.

بدنبال این اعتمایت بوده - ای رژیم فاشیستی و نژادپرست این کشور، ۹ نفر از رهبران این اعتمایت، ۴ تن از مقامات اتحادیه - های کارگری، ۲۰ نفر از رهبران دانش‌آموزان، یک نفر از سازماندهان محلی و یک نفر کشیش را دستگیر نموده و به دفاتر و منازل این نیروها بورش برد. هم‌اکنون کمیته‌ای از

آدنس آما با، پایتخت اتیوپی برکنار گردید، جمهوری دمکراتیک عربی صحرا به عضویت این سازمان درآمد و این یک پیروزی برای جبهه پولیساریو محسوب میشود. مراکش که مدتها بود کرسی این کشور را که قبلاً مستعمره اسپانیا بود، اشغال کرده بود، پس از اعلام این تصمیم‌گیری خروج خود را از "سازمان وحدت آفریقا" اعلام داشت. بدنبال آن زشمیر نیز از مراکش پشتیبانی نمود.

اروپا

انگلستان

در اوایل ماه نوامبر، قاضی دادگاه ایرلند در موافقت با درخواست دولت مارگرت تاچر، مبلغ ۸/۸ میلیون دلار موجودی اتحادیه کارگران معادن سنگ انگلستان که در یکی از بانکهای

ایرلند بود. را متوقف کرد. تا چهر با
 تصویب قانونی خدکا رگری در مجلس
 عینی بر پرداخت جریمه نقدی از جانب
 کارگران عضو اتحادیه اعتصابی موفق
 شد پولهای کارگران اعتصابی را -
 متوقف نماید تا بدینوسیله با فشار
 بر اتحادیه‌های کارگری آنها را مجبور
 به شکستن اعتصاب خود کند.

در حالیکه اعتصاب معدنیچیان
 به پایان هشتمین هفته خود نزدیک
 میشود، بسیاری از اتحادیه‌های کارگری
 از پیوستن به اعتصاب و یا پشتیبانی
 عملی از آن خودداری می‌ورزند. -
 همبستگی اتحادیه‌ها که بدون شک
 از جمله فاکتورهای تعیین کننده در
 پیروزی اعتصاب بحساب می‌رود، نه تنها
 هیچ جنبه عملی بخود نیافته، بلکه در
 بسیاری از موارد اختلافات دزرا مدت
 آنها با دولت یا سازش و از طریق
 مذاکره خاتمه یافته است. این در
 حالی است که دولت تا چر سیاست
 تقابل مستقیم و تجزیه قدرت اتحادیه
 ها را در دستور کار قرار داده و در
 طی پنج سال گذشته، تصمیمهای "بزرگسای"
 در امر تحقق اهداف خود برداشته است.

با شناخت از چنین وضعیتی در
 هفته‌های اخیر تعدادی از اتحادیه‌ها،
 از جمله اتحادیه کارگران بزی و نیرو
 و اتحادیه کارگران مهندسی بر خلاف
 تصمیمات کنکره سراسری اتحادیه‌ها،
 از دادن هرگونه کمک به معدنیچیان
 امتناع ورزیده‌اند. با اتحادیه
 سرکارگران معادن زغال سنگ با وجود
 اعلام اعتصاب در هفته قبل، با -
 هیئت مدیره مذاکره و سازش کرده
 است. چنین مثالهای گویا فی‌نمایدانگر
 سیاست‌های سازشکارانه و میاشات
 رهبران اتحادیه است که در طسول
 یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری
 در انگلستان از انجام کوچکترین
 اقدام همبستگی دریغ ورزیده‌اند.
 سیاست‌هایی که در صورت شکست -
 اعتصاب معدنیچیان با تنها چهره‌جانبیه
 دولت محافظه کار نتایج تلخ و
 آموزنده خود را به بهترین وجه نشان
 خواهد داد.

از جمله حوادث اخیر پیرامون
 اعتصاب، اعتراض یکپارچه معدنیچیان
 یکی از توابع بزرگنایر علی-سه
 دستگیری‌ها و حرکات خشونت آمیز -
 پلیس می‌باشد. در طی این اعتراضات
 که به مدت سه روز ادامه داشت،
 معدنیچیان با حمله به ایستگاه پلیس
 و ادارات دولتی، خشم و انزجار
 مفرط خود را از خشونت‌های پلیس
 ابراز داشتند. شدت اعتراضات تا بدان
 حد بود که مقامات دولتی مجبور شدند
 به تشکیل کمیسیون تحقیقی به منظور
 "رسیدگی" به خواست کارگران نرسن
 دهند. همچنین بدنیاال تصمیمات اخیر
 هیئت مدیره زغال سنگ، ۴۰۰ نفر از
 کارگران به جرم ایجاد خسارت به
 اموال دولتی و رفتار "خشونت آمیز"
 برای همیشه از کار خود اخراج شدند.
 با وجود تمامی فشارها و سسارش
 رهبران اتحادیه‌ها، اعتصاب معدنیچیان



تظاهرات معدنیچیان انگلستان به همراه همراشان در لندن

مناظره شرکت کند. این مناظره بیشتر
 جنبه افتخاری از دولت السالوادور
 را داشت و نتیجه خاصی نیز در پیمان
 نداد. نمایندگان FMLN پیج اصل زیرا
 برای آتش‌بس پیشنهاد نموده‌اند که
 مورد موافقت دولت السالوادور قرار
 نگرفت.

مبارز همچنان ادامه دارد. اخیراً
 دولت شوروی ۱/۳ میلیون دلار کمک
 بصورت وجه نقد، غذا و لباس در -
 اختیار اتحادیه معدنیچیان انگلستان
 قرار داده است.

- ۱- پایان فوری عملیات نظامی دولت
- ۲- بالا بردن دستمزد کارگران

(برای تنظیم این خبر، از خبرنگار
 هواداران سچفا در انگلستان،
 شماره ۲۱، استفاده شده است.)

آمریکا

- ۳- به رسمیت شناختن حقوق و شئون
 مردم برای زندگی و فراهم نمودن
 امکانات آموزشی برای مردم
 السالوادور

بدنیاال ملاقات بین جبهه
 دمکراتیک انقلابی السالوادور / FDR
 و دوارته، رئیس جمهور السالو-
 دور در تاریخ ۱۵ نوامبر، در تاریخ
 ۱۴ نوامبر یک مناظره چهار ساعتی
 بین نمایندگان دولت دوارته در شهر
 لوس آنجلس انجام گرفت. این مناظره
 که در استودیو کانال ۲۸ لوس آنجلس
 انجام پذیرفت، و از طرف مرکز
 مطالعاتی استیجوه‌های دمکراتیک
 سانجاباربارا برنامه ریزی شده بود،
 از برخی شبکه‌های رادیویی و
 تلویزیونی آمریکا مستقیماً پخش
 گردید. دوارته، رئیس جمهور السالوا
 دور بخاطر نپذیرفتن مقولات مسود
 بحث در این مذاکرات شرکت نمود.
 RUBEN ZAMORA رهبر چریکهای FMLN
 نیز بخاطر ممانعت دولت آمریکا از
 صدور ویزا برای وی، نتوانست در این

- ۴- آزاد نمودن تمام زندانیان سیاسی
 - ۵- تهیه لیست کلیه بفقودشدگان و
 تشییع جنازشان جنگ.
- در رابطه با آتش‌بس نماینده
 دولت السالوادور اظهار داشت که
 دولت السالوادور خواهان "توقف"
 آشوب و نه توقف جنگ است. این
 بدین معنی است که دولت خواهان
 تسلیم شدن چریکها می‌باشد. نماینده
 یکی از گروههای دست راستی نیز
 اظهار داشت که آتش‌بس فقط موقعی
 امکان دارد که دو ارتش در حین
 جنگ باشند و نه اینکه ارتش‌ها
 چریکها در حال مبارزه باشد. وی
 اظهار داشت که امکان آتش‌بس فقط
 آرزوی بیش نیست.

ترور ایندیرا گاندی و آینده سیاسی هند



تخریب و آتش زدن خانه سیکها توسط هندوها

ترور نخست وزیر هند، ایندیرا گاندی امسری غیر مترقبه نبود، چرا که وقایع هند از مدتها قبیل چنین چشماندازی را ترسیم می نمود. بحران سیاسی هند از روز ۶ ژوئن سال جاری، یعنی روزی که گاندی دستور حمله مستقیم ارتش هند به معبد طلائی سیکها در شهر امریتسا در نواحی شمالی هند (پنجاب) را صادر نمود، شدت یافت. در این حمله بیش از ۲۰۰ تن از نیروهای دو طرف کشته شدند، یکی از رهبران مذهبی سیک بنام BHINDRAM نیز در بین کشته شدگان بود. بعلاوه موقعیت بحرانی منطقه (پنجاب)، گاندی همواره از جانب اعضای حزب کنگره (که خود رهبری آنها را بعهده داشت) تحت فشار قرار داشت. به عقیده اعضای حزب جل این بحران میتواند نقش تعیین کننده ای در انتخاب مجدد وی در ژانویه امسال ایفا نماید.

سیکها و خواسته های آنها

ریشه اختلافات و حوادث اخیر ناشی از تفاهدهائی است که در نتیجه رشد اقتصادی دهه اخیر هند، بین سیکها و هندوها بوجود آمده است. سیکها که ۵۲٪ جمعیت پنجاب را تشکیل میدهند، در اواسط قرن ۱۶ بعلاوه اختلافات مذهبی، تفاهدهای شدیدی با هندوها پیدا کردند. در سالهای اخیر بخش عمده کشاورزی هند در کنترل سیکها قرار گرفت که عمدتاً در مناطق روستائی زندگی میکنند. هندوها که عمدتاً در شهرها سکونت دارند، اکثراً در بخشهای تجاری، صنعتی و اداری فعالیت میکنند. یکی از گروههای سیک که جت (JATTS) نام دارد حدود ۲۶٪ زمین های کشاورزی را تحت مالکیت خود دارد. این گروه در سال ۱۹۶۰، خود را بعنوان عمده ترین جریانی که توانست منافع بیشتری را از "انقلاب سبز" (رفرم ارضی که در سال ۱۹۵۰ در هند رخ دارد)، بهره مند سازد، معرفی شد. رشد تکنولوژی و حاصلخیزی زمین، ایالت پنجاب را بعنوان یکی از مناطق مهم کشاورزی بخصوص برای کشت گندم درآورده -

است. بورژوازی سیک (سیک جت) بخاطر کمک گیری از خارج و تهیه ماشین آلات کشاورزی موفق شد زمین های بیشتری را به زیر کشت درآورد. بدین ترتیب دهقانان شهیدست تحت استثمار شدیدتری قرار گرفتند و زمینهای کوچک آنان نیز از دستشان خارج گشت بطوریکه امسروزه تعداد دهقانان بی زمین دو برابر تعداد دهقانان بی زمین ۲۰ سال گذشته است. امروز ما شاهد رشد تضاد بین بورژوازی سیک (بورژوازی کشاورزی) و دهقانان سیک از یک طرف و رشد اختلافات مذهبی و سیاسی بین سیکها و هندوها از طرف دیگر میباشیم. اختلافات درو به رشد سیاسی درون سیکها بصورت گرایشات مختلف سیاسی در درون حزب AKALI DAL، که یکی از بزرگترین احزاب سیاسی سیکها میباشد و عمدتاً نیز از جانب گروه جت رهبری میشود، خود را به نمایش گذاشته است. این حزب در سال ۱۹۸۰ کنترل پنجاب را از دست داد و در عوض "حزب کنگره گاندی" موفق شد کنترل این منطقه را بدست گیرد. خود این مسئله رفته رفته نقطه های آشوبهای بعدی را در این منطقه بوجود آورد.

جناح بندی های موجود در حزب "اکلی دل"

دو جناح در درون حزب AKALI DAL در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. یک جناح شدیداً افراطی بوده و تاکید زیادی در مورد جدائی و تجدید حیات سیکها دارد. رهبر این جناح BHINDRAM WALE در حمله ارتش هند به معبد سیکها کشته شد. جناح دیگر، جناح نسبتاً ملایم تری میباشد که رهبرش در دست LON GOWALA است. این جناح اغلب از زمینداران بزرگ تشکیل شده است. این جناح همواره سعی نموده تا با کسب برخی امتیازات از جانب دولت مرکزی، در مقابل جناح رقیب قرار گیرد. طی سالهای اخیر با وجود آمدن یکسری

تغییر و تحولات اقتصادی در پنجاب، فشرینی طبقاتی سیکها نیز تغییر یافت. بعنوان مثال، بعضی از "انقلاب سبز" موقعیت بورژوازی و زمینداران سیک مستحکمتر گردید و این خود وسیله‌ای شد تا آنها علاوه بر سرمایه‌گذاری در بخشهای مهم کشاورزی، در بخشهای دیگر جامعه منجمده در بنگاههای معاملات ملکی و با صنایع... نیز فعالیت کنند. این مسئله متعاقباً خواست سهم شدن در قدرت دولتی را نیز بدنبال داشت. رشد اختلافات بین سیکها و هندوها و خواست سیکها برای جدائی "ملت سیک"، تبلور این تغییر و تحولات است.

منافع سرمایه‌داران سیک ایجاب می‌کرد که مبارزه گسترده‌ای را علیه سرمایه‌داری هند آغاز نمایند. برای دامن زدن به این مبارزه، سیکها احتیاج به بسیج و حمایت توده‌ای داشتند و تنها راه برای رسیدن به این هدف، استفاده از وسیله مذهب بود. در تجزیه و تحلیلی که یکی از هفته‌نامه‌های سیاسی - اقتصادی بمبئی در آوریل ۱۹۸۲، در مورد سیکها و حزب آنان انتشار داده، آمده است: "رهبری حزب AKALI DAL عمدتاً در دست بورژوازی کشاورزی قرار دارد... این رهبری توجه‌اش در وهله اول به بسیج دهقانان و سیک‌ها در سایر افشار سیک‌هاست. برای بسیج دهقانان سیک، این حزب از یک طرف در مقابل کمونیست‌ها قرار داشت و از طرف دیگر، در مقابل حزب‌کنگره گاندی... در این رابطه بود که مبارزه مسلحانه سیکها با مبارزه علیه کمونیست‌ها که عمدتاً در بین دهقانان جسون فعالیت می‌کنند، آغاز گردید."

مبارزه برای کسب قدرت

اختلافات بین دولت مرکزی و سیکها، یکی از مادترین مسائل هند بعد از استقلال این کشور بوده است. ریشه این اختلافات نیز نتیجه مبارزه برای کسب قدرت سیاسی بین بورژوازی منطقه‌ای (خصوصی) و بورژوازی هند (دولتی) بود. بورژوازی منطقه‌ای (خصوصی) که بسا - استعمار هرچه بیشتر سیکها، قدرتش را در حال افزایش می‌دید، از هرگونه حرکتی که منجر به ملی‌گردن سرمایه‌ها از جانب دولت مرکزی می‌شد، بشدت وحشت داشت. بورژوازی هند (دولتی) از طرف دیگر، سعی در بوجسود آوردن یک دولت متحد و مرکزی بود. بورژوازی هند از زمان استقلال این کشور (۱۹۴۷)، همواره در قدرت دولتی سهم بوده و در بسط اقتصادی مرکب از سرمایه‌داری خصوصی و سرمایه‌داری دولتی کوشا بوده است.

نقش هند در عرصه بین‌المللی

بورژوازی دولتی هند، همواره سعی نموده از قدرت نظامی برای حفظ خود در عرصه بین‌المللی استفاده نماید. توجه به مسائل بین‌المللی خود منجر

به عضویت این کشور در بین "کشورهای غیرمتعهد" شد. این همان سیاستی بود که جواهر لعل نهرو از سال ۱۹۵۰ و بعداً دخترش ایندیرا گاندی، ادامه دادند. علیرغم اینکه هند، موضع ضد امپریالیستی قاطعی در بین کشورهای عضو نداشته است، ولی هراز چندگاهی به مخالفت با سیاست امپریالیسم آمریکا پرداخته است. ایندیرا گاندی مشخصاً مواضع جهانی را در اولویت خاصی قرار می‌داد و رابطه سیاسی نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشت. سیاست خارجی هند و وجود سرمایه‌داری دولتی هند نیز محمل خوبی برای توجیه تز غیرمارکسیستی راه رشد غیرسرمایه‌داری بوده است.

طی دهه‌های گذشته مشکلات داخلی هند این موقعیت را برای امپریالیستها فراهم نمود که نفوذ سرمایه‌های خارجی را بداخل کشور هرچه بیشتر اشاعه دهند. علیرغم نفوذ سرمایه‌های خارجی در هند و افزایش وابستگی اقتصاد به کشورهای غربی در سالهای اخیر، دولت ایندیرا گاندی تا حدودی در قبال فشارهای امپریالیستها برای تسلط سیاسی بر هند، استقلال عمل خود را حفظ نمود. از اینرو بنظر می‌رسد که محافل امپریالیستی خواهان روی کار آمدن دولتی در هند بودند که از لحاظ سیاسی به غرب‌پیش از ایندیرا - گاندی نزدیک باشد. در رابطه با سیکها نیز مدارکی انتشار یافت که دال بر کمک‌های نقدی دولت پاکستان به سیکها بود. در هنگام حمله ارتش هند به معبد طلاکسی سیکها در شهر امریتسا، تعداد زیادی ادوات سنگین نظامی و همچنین پاسپورت‌های پاکستانی کشف شد. همچنین تعدادی از سیکهای دستگیر شده اعتراف نمودند که از جانب سازمان سیا در داخل خاک پاکستان تعلیم دیده بودند.

رجیو گاندی و آینده هند

بدون تردید کشته شدن خانم گاندی موجبات خونخالی محافل امپریالیستها و دوستان آنها را فراهم آورده است. بلافاصله بعد از وقوع حادثه، دولتیست پاکستان اعلام کرد که خواهان روابط دوستانه مجدد با هند است. دولت چین نیز اعلام کرد که مایل به برقراری روابط دوستانه و نزدیک‌تری با هند میباشد. جورج - شولتز نیز در هند اعلام کرد که سال آینده، سال دوستی نزدیکتر آمریکا و هند خواهد بود. قابل ذکر است که با مشکلاتی که امروزه در هند وجود دارد، پایه‌های مادی نفوذ هرچه بیشتر امپریالیستها در این کشور وجود دارد. البته رجیو گاندی پسر و جانشین خانم گاندی، تاکنون سیاستهای هند را در عرصه جهانی مطرح نکرده است.

خانم گاندی در داخل حزب‌کنگره همواره بعنوان "جناح چپ" معرفی می‌شد. وی با استفاده از شخصیت بقیه در صفحه ۴۱

اتریش - وین

سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اتریش، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در پی اعتراضات همه جانبه خود در رابطه با زندانی شدن رفقای مبارز در هلند، ضمن ارسال نامه و تلگراف اعتراضی به سازمان عفو بین المللی، - کنوانسیون حقوق بشر، وزارت کشور و خارجه هلند (از طریق سفارت هلند در وین)، از تاریخ ۲۲ اکتبر جاری در محل عفو بین المللی اقدام به تحمیل نمود. لازم به تذکر است که ضمن تحویل، رفقا با پخش اعلامیه و اعلامیه در سطح شهر وین با سازمانها و نهادهای مترقی تماس گرفته و از آنها تقاضای ارسال تلگراف و نامه اعتراضی نمودند. در ضمن رفقای هوادار در اینسبرگ نیز با مراجعه مکرر به کنسولگری هلند در این شهر، نسبت به اقدامات فاشیستی پلیس هلند، اعتراض کردند.

۵۵۵۵۵

روز شنبه ۲ نوامبر ۱۹۸۲، - تظاهرات گسترده ای (راهپیمایی بطرف "خانه آمریکا") از طرف نیروهای مختلف اتریشی و خارجی در زمینه برگزار گردید. خیابانهای آن از مسیر یکی از شلوغ ترین خیابانهای وین میگذشتند با دادن شعارهای ضد امپریالیستی علیه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی، از خلق بخواسته نیکاراکوه و الماوادور پشیمان کردند. سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اتریش، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با حمل آرم سازمان در مف مستقل خویش با پخش چندین هزار اعلامیه پشیمانی و حمل تراکتهای مختلف در این تظاهرات شرکت فعال داشت.

هواداران سچفا ضمن اعلام پشیمانی از مبارزات بحق خلق های تحت ستم آمریکای مرکزی، علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی دست به افشاکاری زدند و به افشای واپس مانده های خائن توده ای و اکثریتی در بین نیروهای مترقی اتریشی، پرداختند. در خانه این تظاهرات ضمن اجرای موزیک آمریکای لاتین، پیامها و قطعنامه های شرکت کنندگان از جمله پیام سازمان دانشجویان ایرانی در وین - اتریش، هوادار سچفا خوانده شد. این تظاهرات موفق با به آتش کشیده شدن پرچم آمریکا، خاتمه پذیرفت.

کانادا - منترال

بدنبال اشغال سفارت ایران در هلند توسط رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ ۲۷ سپتامبر و زندانی شدن رفقای



جمهوری اسلامی نمایشگاهی بمناسبت چهارمین سالگرد جنگ ایران و عراق ترتیب داده بود. بعد از با خبر شدن از برگزاری چنین نمایشگاهی، آکسیون افشاکرانه از طرف انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سازمانهای انقلابی ایران برگزار شد. با تجمع و پخش هزاران اعلامیه و دادن شعارهایی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و بر ملا کردن ماهیت جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رفقا موفق شدند برنامه تبلیغی رژیم را خنثی سازند. (توضیح اینکه هواداران سچفا نیز عضو این انجمن هستند).

یونان - آتن و سالونیک

طبق رسم هر ساله حزب کمونیست یونان، فستیوالی در تاریخ ۲۵ تا ۲۲ سپتامبر در شهر سالونیک و ۲۷ تا ۲۵ سپتامبر در شهر آتن برگزار شد. با دعوتی که از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعمل آمده، هواداران در این فستیوال شرکت کرده و با برگزاری نمایشگاه عکس و فروش نشریات سازمان به زبان یونانی و پخش هزاران بروشور (تحلیلی از موقعیت کنونی ایران و مواضع سچفا) رژیم شدت طلبی خمینی را پیش از پیش افشا نمودند. پیام هواداران سچفا به فستیوال خوانده شد که با استقبال گرم عمار روبرو شد.

سوئد - گوتنبرگ

بمنظور حمایت از رفقای زندانی در هلند، تظاهراتی در ساعت ۱۲/۳۵ دقیقه روز سه شنبه شانزدهم اکتبر در مقابل ساختمان کنسولگری هلند در گوتنبرگ برگزار گردید. در این تظاهرات که بوسیله واحد گوتنبرگ ترتیب یافته بود، علاوه بر هواداران سازمان، رفقای هوادار

هوادار، پس از تلخن های بی در پی، نامه های اعتراضی به کنسول هلند تسلیم گردید. در ادامه این اعتراضات، رفقای هوادار در مقابل کنسولگری هلند تجمع نمودند. در این حرکت اعتراضی شعارهایی بزبان انگلیسی و فرانسه از قبیل "ما خواهان آزادی ۲۵ نفر دانشجویان زندانی در هلند هستیم"، "سرک بر رژیم جمهوری اسلامی ایران"، "زنده باد مبارزات خلق کرد"، "همیاران و کوچ آبخیری روستاهای کردستان را محکوم می کنیم"، بر روی پلاکاردها نوشته شده بود.

هلند - آمستردام

بدنبال ادامه بازداشت رفقای هوادار در زندانهای هلند در روز دهمین روز اعتصاب غذای رفقا، در تاریخ ۲۶ اکتبر ۸۲، "انجمن دمکراتیک پناهندگان سیاسی ایران در هلند" تظاهراتی از مرکز شهر تا جلوی دفتر عفو بین الملل در آمستردام بمنظور اعتراض به بازداشت رفقا برگزار نمود. در این تظاهرات، رفقای چپ انقلابی ترکیه (دوسول) اعلامیه هایی با مضمون حمایت از حرکت رفقا (آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر)، محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی، محکوم کردن رژیم هلند و خواست آزادی بدون قید و شرط رفقا از زندانهای هلند در بین مردم پخش نمودند. همچنین پیام رفقا از زندان به خبرگزاری ها و مجامع بین المللی به زبان هلندی در حین تظاهرات توسط هواداران سازمان بین مردم پخش شد.

یونان - آتن

در تاریخ ۲۸ سپتامبر سفارت

هلند - آمستردام

اشغال سفارت ایران در هلند و اعتصاب غذای دلاورانه رفقای هوادار در زندان که ۲۳ روز بطول انجامید، توجه رسانه‌های گروهی را به ماسنل ایران جلب نمود. روزنامه De Telegraaf چاپ هلند، طی مصاحبه‌ای با یکی از رفقای هوادار زن در زندان، (روز دهم اعتصاب غذا)، مقاله‌ای مفصل در مورد ستمی که به زنان در رژیم جمهوری اسلامی روا میشود، درج نمود. در قسمت‌هایی از این مقاله می‌خوانیم:

آمستردام، دوشنبه: چشم‌هایی روشن در مورتی سفید، تسلیم شدن؟ هرگز. ایستاد به‌چوچه و در هیچ زمانی نمی‌توانیم انجام دهیم. این مبارزه تا مرگ ادامه دارد. گذشت ۱۵ روز اعتصاب غذا در ایستگاه و اراده "مادی پیشرو" حتی ذره‌ای هم خنل وارد نیاورده است. "قادی پیشرو" بدلیل اشغال سفارت ایران در "دن - هاج" اکنون در زندان "پیلنبر" آمستردام بسر می‌برد. از روز ۱۸ اکتبر در زندان محل بازداشت خود همراه با سایر رفقای دست به اعتصاب غذا زده‌است، او می‌گوید: این حرکت را بخاطر محکوم کردن رژیم هلند که به ناحق و باغافلانه ما را در زندان نگه داشته است، شروع کرده‌ایم. در تمامی کشورهای اروپایی علیه رژیم ایران همیشه آکسیون‌هایی صورت می‌گیرد و فقط این رژیم هلند است که چنین سیاستی را در پیش گرفته‌است.



در مورد وضعیت زنان قادی پیشرو می‌گویند: "اما برای زنان هیچ حقی قابل مشاهده‌اند. برای عمار نمونیه کوچکی می‌آورم در ایران زن به‌چوچه نمی‌تواند مرد را طلاق دهد. کلاً چنین خواست زن غیر ممکن است. اما مرد می‌تواند هر موقع که دلش خواست زن را طلاق داده و به‌کوچه بیاندازد در خوانین اسلام به این قانون زندگی می‌گویند. قادی پیشرو با حالتی غمناک و ناراحت چنین می‌گوید: "بجز شوهر، حتی با پدر و برادرها نیست نمی‌توانی در خیابان قدم بزنی. کمی قبل از خارج شدن از ایران همسرایم دوستم در تهران قدم می‌زدیم. ما دستگیر شدیم و می‌خواستند که ما را در خیابان‌های اطراف گردانده و کتک بزنند تا این درس عبرتی برای دیگران باشد. دیوانگی است و بهر حال ما توانستیم توسط یک نفر فرار کنیم..."

بقیه در صفحه ۲۷

نظامی آمریکا در این منطقه

۴- بوجود آوردن اتحاد بین نیروهای مخالف با سیاست دخالت نظامی آمریکا و نیروهای مخالف سیاست جنگ اتمی.

۵- فراخوان عمل (CALL TO ACTION)

این کنفرانس در روز جمعه ۱۴ سپتامبر ۸۴ با بحث آزاد آغاز گردید. در ابتدا پنج سخنران در رابطه با استراتژی جنبش ضد سیاست دخالت نظامی آمریکا سخن گفتند و پندشال آن بحث آزاد حول مطالبات بیان شده، صورت گرفت.

روز دوم کنفرانس به تشکیل کمیسیون‌های فروعی اختصاص داده شد. در ادامه برنامه پیشنهادی این کمیسیون‌ها به بحث و رای گیری



گذشته شد که قطعنامه ذکر شده در بالا حاصل آن می‌باشد. روز دوم کنفرانس با سخنرانی تمامیت‌گرا FDR-EMIN پایان یافت.

روز سوم کنفرانس در ساعت صبح با سخنرانی پیش از دستور به سخنرانان آغاز گردید. در ادامه سازمان‌های "قد دخالت نظامی آمریکا" در مورد برنامه‌های خود گزارشی دادند. این کنفرانس در ساعت ۲۲ روز یکشنبه ۱۶ سپتامبر پایان پذیرفت.

عده‌ای از اعضای واحد کلمبوس اوهایو، هوادار سخفاه در این کنفرانس، که بسیاری از نیروهای چپ و همچنین دیکراتیک حضور داشتند، شرکت کرده و به افشای سیاست‌های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در دوره جنگ و مسائل اقتصادی - اجتماعی پرداختند و اعلامیه‌ها و جزوات انگلیسی زبان سخفاه را بطور وسیعی پخش نمودند. همچنین به تبلیغ و ترویج نظرات سخفاه پرداختند که با استقبال بسیار روبرو شد.

نارمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و جمعی دیگر از ایرانیان متعهد و مبارز نیز شرکت داشتند.

شرکت‌کنندگان در تظاهرات علاوه بر حمل پلاکاردهایی در افشای رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از خلق کسرد با شعارهای کوبنده خود نیز به افشای هرچه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستیش پرداختند. قطعنامه تظاهرات (بزیان سوئدی) نیز چندین بار توسط شرکت‌کنندگان قرائت گردید.

تظاهرات در مقابل کنسولگری با قرائت متن قطعنامه و با موفقیت پایان پذیرفت. پس از آن هواداران سازمان در گوشه‌گردی به دفتر حلیب سرخ جهانی رفته و ضمن تسلیم قطعنامه تظاهرات خواهان آزادی فوری رفقای در بند شدند.

آمریکا - کلمبوس

در تاریخ ۱۶-۱۴ سپتامبر ۸۴ کنفرانسی تحت عنوان "کنفرانس ملی علیه دخالت نظامی آمریکا در آمریکای لاتین و کارائیب" در شهر کلمبوس اوهایو برگزار گردید. این کنفرانس با حرکت و حمایت بیش از حد اتحادیه کارگری و محلی و سازمان‌های کمونیستی و دیکراتیک و نهادهای مختلف شرقی صورت گرفت. در این کنفرانس پس از بحث‌های متوالی، پلتفرم مشترکی به تصویب کلیه نیروها رسید که شامل خطوط کلی زیر می‌باشد:

- ۱- افشای ماهیت دخالت‌های نظامی آمریکا در آمریکای لاتین و کارائیب.
- ۲- تاکید بر ضرورت انحصار سازماندهی نیروهای مخالف با سیاست دخالت نظامی آمریکا در این منطقه.
- ۳- اتحاد و اتحاد شیوه‌های سازماندهی متفاوت در رابطه با برگزاری تظاهرات ضد سیاست دخالت

گوشه‌ای از فعالیتها و آکسیونهای

هواداران در خارج از کشور طی یک سال گذشته

بیلان زیرنما یا نگر قسمتی از فعالیت های مبارزاتی هواداران سچفا در خارج از کشور است که بر اساس گزارشات رسیده به ما تنظیم شده است. در این گزارش به علت کمبود جا عمدتاً آکسیونهای دفاعی رفقا را درج نموده ایم، و از گنجاندن فعالیتهای فرهنگی، انتقالاتی (تشرکت، مجله، جزوه، خبرنامه، اعلامیه و...) که خود جزء لاینفک مبارزه انقلابی میباشد خودداری نمودیم. فعالیتهای مبارزاتی رفقای هوادار در طی یکسال گذشته درخور تحسین بوده و میانگریگیری انقلابی آنها در انجام وظایفی است که جنبش انقلابی بعهده شان گذاشته است. ماضی ارج گذاری بر آکسیونهای تعرضی ۷ نوامبر، ۲۶ آوریل این فعالیتها توجه رفقای هوادار را به ۲۷ سپتامبر، که نقش مهمی در افشای جنایات رژیم در بین افکار عمومی نکات ذیل جلب میکنیم:

۱- شرایط کنونی جامعه بحران - جهان دارد، به مراتب سنگین تر زده ایران و شرایط متحول آتی وظایف بیشتر و مهمتری را بر دوش ما میگذارد.

۲- جهت انتقال تجربیات مبارزاتی از کلیه رفقای هوادار در کشورهای مختلف میخواهیم تا در اولین فرصت گزارش آکسیونهای دفاعی و فرهنگی خود را همراه با عکس برای نشریه جهان ارسال دارند. رفقای که در این مورد کم کاری داشته اند، لازم است از این پس برخورد جدی تری به ایسمن مسئله بنمایند.

۳- شرایط کنونی جامعه بحران - جهان دارد، به مراتب سنگین تر زده ایران و شرایط متحول آتی وظایف بیشتر و مهمتری را بر دوش ما میگذارد.

۴- جهت انتقال تجربیات مبارزاتی از کلیه رفقای هوادار در کشورهای مختلف میخواهیم تا در اولین فرصت گزارش آکسیونهای دفاعی و فرهنگی خود را همراه با عکس برای نشریه جهان ارسال دارند. رفقای که در این مورد کم کاری داشته اند، لازم است از این پس برخورد جدی تری به ایسمن مسئله بنمایند.

تاریخ	محل	نوع آکسیون
۱-۳ سپتامبر	هند - ایندور	شرکت در تظاهراتی به مناسبت روز جهانی صلح
۲	هند - کشمیر	کنفرانس مطبوعاتی همراه با نمایشگاه عکس
۱۱	فرانسه - پاریس	شرکت در جشن سالروز حزب کمونیست فرانسه به منظور افشای جنایات رژیم
۱۵-۱۸	یونان - آتن	برگزاری نمایشگاه کتاب و دیگر آثار انقلابی سچفا در فستیوال حزب کمونیست داخلی یونان
۱۵-۱۸	یونان - سالونیک	" " " " " " " "
۲۹	هند	انجام یک سری آکسیونهای افشاگرانه در شهرهای پونا، بنگلور، روتسک، علیگر، دهلی نو و... به مناسبت سالگرد شهادت رفیق امیر راهدار (هوادار سابق) پیکار - جناح انقلابی
۳۰	آمریکا - شیکاگو	نمایشهای خیابانی افشای گرانه به همراه شورای هماهنگی سازمانهای دانش جویی در شیکاگو
۵ اکتبر	آمریکا - شیکاگو	نمایش اعدام در دانشگاه ایلینوی به همراه شورای هماهنگی سازمانهای دانش جویی در شیکاگو
۳-۹ اکتبر	آلمان - کیل	شرکت در کمیته بین المللی هفته زنان کیل
۱۲	آلمان - فرانکفورت	اشغال دفتر هواپیمایی ملی ایران به مدت ۲ ساعت
۲۲-۲۳	فرانسه - پاریس	شرکت در مراسم "هفته صلح و اقیانوس جنایات رژیم"
۲۴	آمریکا - دالاس	شرکت در برنامه فدراسیون اتحادیه کارگری السالوا - دور
۲۷	آمریکا - سانفرانسیسکو	شرکت در تظاهراتی به مناسبت بیستمین سالگرد راهپیمایی بزرگ سیاهان
۲۷	آمریکا - واشنگتن	" " " " " " " "
۱-۵ نوامبر	سوئد - گوتنبرگ	برگزاری آکسیونهای افشای گرانه در ۳ منطقه شهر

آکسیون سراسری ۷ نوامبر در اعتراض به جنایات رژیم جمهوری اسلامی

۷ نوامبر بلژیک - بروکسل
اشغال سفارت جمهوری اسلامی

نوع آکسیون	محل	تاریخ	نوع آکسیون	محل	تاریخ
برگزاری یک مباحثه تلویزیونی و افشاگرانه علیه جنایات رژیم شرکت در راهپیمایی صلح و برگزاری نمایشگاه عکس و پخش اعلامیه	فرانسه - پاریس	۲۹ دسامبر	اشغال دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی	انگلستان - لندن	۷ نوامبر
	فرانسه - پاریس	دسامبر	" " " " " "	فرانسه - پاریس	۷ " "
	فرانسه - پاریس	دسامبر	اشغال دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی	اطریش - وین	۷ " "
	" " " " " "	" " " " " "	" " " " " "	هند - دهلی	۷ " "
	آلمان - هانوفر	۱۲ ژانویه	آکسیون نمایش اعلامیه عبایاتی در میدان مرکزی شهر	سوئد - استکهلم	۷ " "
	آلمان - هانوفر	" ۱۲	برگزاری نمایش عبایاتی و پخش اعلامیه	کانادا - مونترال	۷ " "
	هند	۲۲-۲۶	برگزاری تظاهرات در مقابل ساختمان سازمان ملل	آمریکا - نیویورک	۷ " "
			برگزاری جلوه همبستگی با زندانیان سیاسی	انگلستان - لندن	۱۱ " "
			شرکت در تظاهرات علیه تجاوز نظامی آمریکا در گرانادا	آمریکا - لوس آنجلس	۱۲ " "
۱۹۸۴			آکسیونهایی برای آزاد ساختن رفقای دستگیر شده در انگلستان		
برگزاری بزرگداشت رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ماه			۲۱ نوامبر		
برگزاری جشن بزرگداشت سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ۵۷	ایتالیا - جنوا	۴ فوریه	راهپیمایی و تظاهرات در شهر لندن به اتفاق دیگر نیروهای مترقی	انگلستان - لندن	۲۱ نوامبر
" " " " " "	آمریکا - نیویورک	" ۴	برگزاری تظاهرات در مقابل سفارت انگلستان	فرانسه - پاریس	" ۲۱
" " " " " "	کانادا - مونترال	" ۹	" " " " " "	اطریش - وین	" ۲۱
" " " " " "	اطریش - وین	" ۱۰	بدهکاری مبر شیلی و راه انقلابی ترکیه	کانادا - مونترال	" ۲۱
" " " " " "	آمریکا - لوس آنجلس	" ۱۱	برگزاری تظاهرات در مقابل سفارت انگلستان	سوئد - استکهلم	" ۲۱
" " " " " "	انگلستان - لندن	" ۱۱	" " " " " "	آلمان - فرانکفورت	" ۲۱
" " " " " "	ایتالیا - پلونا	" ۱۱	ارسال تلگراف و تماسهای تلفنی به کنسولگری انگلستان در اعتراض به زندانی شدن رفقا در انگلستان و جمع آوری امضا	آمریکا - نیویورک	۲ دسامبر
" " " " " "	آمریکا - شیکاگو	" ۱۲	" " " " " "	آمریکا - شیکاگو	" ۲
" " " " " "	آمریکا - بستی	" ۱۷	" " " " " "	آمریکا - واشنگتن	" ۲
" " " " " "	بلژیک - بروکسل	" ۲۱	" " " " " "	آمریکا - سانفرانسیسکو	" ۲
" " " " " "	آلمان - هانوفر	" -	" " " " " "	آمریکا - لوس آنجلس	" ۲
" " " " " "	آلمان - برمن	" -	شرکت در تظاهرات علیه تجاوز نظامی آمریکا در گرانادا	انگلستان - لندن	" ۵
" " " " " "	آلمان - کوتینگن	" -	پخش اعلامیه و نصب پوستر - های افشاگرانه در سطح شهر	آمریکا - تروهوت	" ۲۵
" " " " " "	آلمان - فرانکفورت	" -			
" " " " " "	آلمان - دارمشتات	" -			
" " " " " "	آلمان - ماینز	" -			
" " " " " "	آلمان - کالرویه	" -			
" " " " " "	آلمان - هایدبورگ	" -			

* با همکاری شورای هماهنگی

تاریخ	محل	نوع آکسیون
۲۶ آوریل	هند - دهلی نو	برگزاری نمایشنامه خیابانی و به آتش کشیدن مجسمه خمینی در مقابل سفارت رژیم
شرکت در تظاهرات اول ماه مه		
۱ مه	سوئد - استکهلم	" " " "
۱ مه	سوئد - گوتنبرگ	" " " "
۱ مه	کانادا - مونترال	" " " "
۱ مه	اطریش - وین	" " " "
۱ مه	فرانسه - پاریس	" " " "
۱ مه	فرانسه - لیل	" " " "
۱ مه	ایتالیا - بلونیا	" " " "
۲ مه	فرانسه - لیل	تظاهرات در مقابل کنسول گری هلند برای آزاد شدن رفقای زندانی شرکتکننده در آکسیون ۲۶ آوریل
۱۸ مه	اطریش - وین	برگزاری برنامه‌های فرهنگی در همبستگی با خلق ترکمن و نمایش فیلم "حرف بن ترکمن"
۲۸-۳۰ مه	آلمان - بیله‌فلد	شرکت در آکسیون زنان بیله‌فلد
۱۰ ژوئن	هند - علیگر	بزرگداشت دومین سالگرد شهادت رفیق فدائی شهرام میرانی
برگزاری شب یادبود رفیق سعید سلطانپور		
۲۳ ژوئن	آمریکا - لس‌آنجلس	" " " "
۲۲ و ۲۶ ژوئن	ایتالیا - رم و بلونیا	مراسم بزرگداشت رفیق سعید سلطانپور
۲۹ ژوئن	کانادا - مونترال	" " " "
۲۵ ژوئن	فرانسه - پاریس	" " " "
۲۹ مه	انگلستان - لندن	برگزاری برنامه‌ای به مناسبت سالگرد شهادت فدائی شهید، حمید اشرف
۳۰ مه	سوئد - استکهلم	تظاهرات مشترک با نیروهای مترقی علیه مزدوران صابراتی رژیم
۲۲-۱۹ ژوئیه	ایتالیا - پروجا	شرکت در مراسم حزب کمونیست برای افشاکری رژیم
"	فرانسه - تانسی	شرکت و حمایت از تظاهرات کارگران فولاد ذوب آهن
۱۶ مه	آمریکا - سانفرانسیسکو	شرکت در تظاهرات ضد جنگ بهنگام برگزاری کنفرانس حزب دمکرات آمریکا
۲۲ مه	سوئد - استکهلم	تظاهرات مشترک با نیروهای مترقی علیه قرارداد مابین ایران و سوئد در مورد تربیت دانشجوی پزشکی در سوئد

تاریخ	محل	نوع آکسیون
ژوئیه	فرانسه - تانسی	شرکت در تظاهراتی از طرف سندیکا‌های کارگری علیه بیکاری
۲۸ مه	آمریکا - لس‌آنجلس	شرکت در تظاهرات علیه تجاوز نظامی آمریکا به آمریکا در آمریکای مرکزی در خلال بازیهای المپیک
"	کانادا - مونترال	برگزاری نمایشگاه عکس
۵ اگوست	آمریکا - لس‌آنجلس	شرکت در تظاهرات ضد جنگ در خلال بازیهای المپیک
۱۸ مه	آمریکا - دالاس	شرکت در تظاهرات ضد جنگ و درگیری با سلطنت طلبان در مقابل کنگره حزب جمهوری خواه
۱۴-۱۶ سپتامبر	آمریکا - کلمبوس	شرکت در کنفرانسی علیه دخالت آمریکا در نیکاراگوئه
۲۰-۲۲	یونان - سالونیک	شرکت در مراسم حزب کمونیست برای افشاکری رژیم
۲۷-۳۰	یونان - آتن	" " " "
آکسیون سراسری ۲۷ سپتامبر در اعتراض به کوچ اجباری روستائیان کرد		
۲۷ سپتامبر	هلند - لاهه	اشغال سفارت جمهوری اسلامی برای بار دوم
۲۷ مه	فرانسه - پاریس	زنجیر بستن و تحصن در محوطه درونی یونسکو
۲۷ مه	انگلستان - لندن	زنجیر بستن در مقابل سفارت دفتر هواپیمایی و بانک ملی رژیم
۲۷ مه	ایتالیا - رم	تحصن در محل مطبوعه اشغال خبرگزاری "بلکا" و مخایره قطعنامه آکسیون به نقاط مختلف جهان
۲۷ مه	سوئد - استکهلم	پخش وسیع اعلامیه در نقاط پر رفت و آمد شهر
۲۷ مه	اطریش - وین	زنجیر بستن در مقابل درب ورودی دانشگاه وین
۲۷ مه	آلمان - برلین	تظاهرات ایستاده و نمایش خیابانی در مقابل دفتر سازمان ملل
۲۷ مه	آلمان - برلین غربی	نمایش اعدام خیابانی
۲۷ مه	هند - دهلی نو	تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی
۲۷ مه	آمریکا - لس‌آنجلس	زنجیر بستن و تحصن در داخل دفتر عقو بین الملل
۲۷ مه	آمریکا - شیکاگو	تظاهرات و نمایش خیابانی
۲۷ مه	آمریکا - سیویورک	تظاهرات در مقابل دفتر ایراس
۲۷ مه	آمریکا - سانفرانسیسکو	تظاهرات و نمایش خیابانی در مقابل بانک ملی
۲۷ مه	کانادا - مونترال	تظاهرات در مقابل دفتر عقو بین الملل و مطبوعه
۲۷ مه	کانادا - تورنتو	تظاهرات و نمایش خیابانی

آنکه ناموخت از گذشت روزگار نیز ناموزد ز هیچ آموزگار

(۲)

توضیح

مسعود رجوی به مناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان مجاهدین، پیامی انتشار داده است که از جوانب مختلف در خور تأمل و بررسی است. این پیام تحت عنوان "پیام برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده عالی و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت آغاز بیستمین سال بنیانگذاری سازمان" در مجاهد شماره ۲۱۹، انتشار یافته است. بدلیل اهمیت این پیام، بخصوص از این زاویه که رجوی

ضمن بیشترین حمله به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، درمقدود توجه دریافت پیامهای اخیر از سران امپریالیسم و روابط خود با امپریالیستها برآمده است، در شماره قبل به جنبه‌هایی از آن پرداختیم. در این شماره به جنبه‌های دیگری از آن پیغام، یعنی اتهام مجاهدین مبنی بر اعتقاد فدائیان به "ثبات" و "دوام" رژیم، عینی شدن اختلافات مجاهدین و بنی‌صدر، و هياهو راه‌انداختن مجاهدین در مورد "مبارزه مسلحانه" شان خواهیم پرداخت.

"ثبات" و "دوام" رژیم!

رجوی در پیام خود بمناسبت بیستمین سال بنیان‌گذاری سازمان مجاهدین که ما در شماره قبل قسمت‌هایی از آنرا بررسی نمودیم، مدعی میشود که بار مبارزه با رژیم را مجاهدین بدوش دارند و "دیگران با تسلیم شده‌اند" و یا "درمقدود سازش و تسلیم‌اند" و یا به مقاومت انقلابی سراسری پشت‌نموده و در متلاشی نمودن آن می‌کوشند و به زبانهای مختلف تفرقه "ثبات" و "دوام" و "بقا"ی این رژیم قد مردمی را سر داده‌اند. مجاهدین که تا بحال خود را مرکز و متولی جنبش میدانستند، امروز دیگر خود را همه جنبش می‌دانند! چرا که بدیده آنها دیگران با تسلیم شده‌اند یا سازش کرده‌اند و یا به تبلیغ "ثبات" و "دوام" و "بقا"ی رژیم پرداخته‌اند و تنها مجاهدین مانده‌اند و مجاهدین! (لابد اینهمه بدوبیراه و هجویاتی که رجوی در این پیام علیه سازمان فدائی گفته است، بدلیل فقدان نشانگان استوئو محضور فعال آنها) اگر ادعای مجاهدین صحیح باشد، آنها می‌بایست در تشریفاتشان دائماً علیه دهها گروه و سازمان ریز و درشت که در مقطع قیام و بعد از آن بوجود آمدند و امروز دیگر مادیت ندارند، بدوبیراه می‌گفتند و همه آنها را "مشکوک" و "فدائیلایی" می‌نامیدند. حال آنکه حتی کلمه‌ای هم درباره آنها نمی‌نویسند. برعکس دائماً علیه ما لجن پراکنی میکنند.

مجاهدین از یک طرف ادعا می‌کنند که سازمان فدائی از بین رفته است و برای اثبات این ادعا چشمانشان را بر روی مبارزات سازمان و انتشار مرتب تشریفات سازمان (که از بطن جامعه بیرون می‌آید و نه از پارسی می‌بندند، و از طرف دیگر علیه سازمانی که بزعم آنان وجود ندارد، دائماً هياهو برآه می‌اندازند.

جالب اینجاست که رهبران مجاهدین برای حمله به این سازمانی که "دیگر وجود ندارد"، مشغول پرونده سازی هم هستند! چقدر مضحک است. آنها محاکمه فدائیان را بطور غیابی انجام داده و حکم لازم را نیز صادر فرموده‌اند. اتهام این است: سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (که البته دیگر وجود ندارد) معتقد است که رژیم جمهوری اسلامی "ثبات" و "بقا" پیدا کرده است، چه دلیلی برای محکوم کردن ما بالاتر از این که به مجاهدینی که دهها بار وعده سرنگونی فوری رژیم را داده بودند و یک‌یک افراد خودرا هم به پست‌های مهم مملکتی گماشته‌اند، گفته شود که رژیم جمهوری اسلامی در پروسه ادامه جنگ به قسمتی از اهداف فدائیلایی خود، از جمله ضرب زدن به سازمانهای انقلابی و تحریک احساسات مردم متوهم و غیره دست یافته است. البته آنها را به این کاری نیست که دهها و مدها مقاله، اعلامیه و اطلاعیه انتشار یافته در تشریفات کار، ریگای کدل، بامی استار و جهان در مورد موقعیت منزلسزل رژیم و بحران‌های درون آن صحبت شده که گواهی بر بوجوب اتهام وارده از طرف مجاهدین است.

واقعیت این است که رهبران مجاهدین از دست سازمان فدائیان و هواداران آنها که هیچگونه سازشی را با امپریالیسم و سرمایه‌داری نمی‌پذیرند و با نشان این نوع سازش را در پیشگاه توده‌ها افشا می‌سازند، بسیار عصبانی هستند و بدنیاال بهانه می‌گردند. آنها بجای مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی با فدائیان، راه اتهام زنی را پیشه کرده‌اند.

واقعیت این است که رهبران مجاهدین بدنبال بیانیه می‌گردند. آنها بجای پاسخ گفتن به سئوالات - بشمار و انتقادهای اساسی و موثر سچفا و هوادارانش از خون شهدای مجاهد تازیانه‌ای می‌سازند برای مرعوب

کردن ما. این شیوه نشانگر آن است که آنها از توضیح سیاسی مسائل مطروحه از جانب ما ناتوان و عاجزند چرا که خود نیز میدانند که سازشکاری های آنها از حد تاکتیک مقطعی و اصولی فراتر رفته و به سیاست استراتژی و سیاست سیستماتیک غیر قابل توجیه تبدیل گشته است و کمره چگونه میتوان از مقاله های که در آن با صراحت کامل نوشته می شود: "تندجوشهای انقلاب هر از گاه در نقاطی از ایران می درخشد، آتش خشم توده ها مردم شعله می کشد، موج عظیم اعتراض هر چند گاه گستره ای از ایران را فرا می گیرد. شورش های پراکنده توده های روز بروز فزونی می گیرد و رژیم جمهوری اسلامی پلده به پلده به سکوی سقوط نزدیک می شود" (رکای هلال، شماره ۱۸)، نتیجه گرفت که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (۱) معتقد است که رژیم تثبیت شده است، (۲) به تبلیغ دوام و بقا، رژیم می پردازد (۳) پس "فدائیانقلابی" و "منکوک" است؟!

در اینجا ذکر یک نکته نیز ضروری است و آن اینکه فدائیان و یا هر نیروی انقلابی دیگری که مسلح به جهان بینی علمی است، همواره ضمن تحلیل درست از واقعیات عینی جامعه، باین نژاد اختیار نموده ها قرار دهد و سیاست ها و تاکتیک ها و استراتژی انقلابی خود را نیز براساس آن واقعیات جدید و آخرین تحلیل ها و جمع بندی های خود استوار سازد. کمونیست ها هیچگاه توده ها را با تحلیل های غیر واقعی، شعارها، ادعاها، و تبلیغات پوچ و بی اساس نمی فریبند. آنها همواره واقعیات را، هر چه باشد، به توده ها خواهند گفت. خوشبختانه تا به امروز نه رژیم جمهوری اسلامی قادر بوده است خود را تثبیت کند و نه فدائیان خلق چنین ارزیابی ای ارائه داده اند.

علل اختلافات مجاهدین

و بنی صدر علنی می شود

حادثه اختلافات بین مجاهدین و بنی صدر، بالاخره پس از مدتها سکوت و طفره رفتن، مجاهدین را مجبور نمود که اختلافات خود با بنی صدر و دلایل پیوندهای دیروز و جدائی های امروز را به مردم توضیح دهند. آقای رجوی برای اولین بار در این زمینه در طی پیام مورد بحث خود، لب به سخن گشوده و روشن می کند که اختلافات او با بنی صدر بر سر تقسیم قدرتی است که تا کسب آن دریائی از خون نهفته است. رجوی که روزی - بنی صدر را ستایش میکرد و بر جنایات او آب تظهير می ریخت، امروز بر سر تقسیم قدرت کسب نشده، عنان اختیار از دست می دهد و متحد دیروزی خود را به باد ناسزا می گیرد.

قانون حرکت تاریخ خیلی زود کلیه ماجراهایی را که آنها روزی در پس اطلاعاتی چند خطی پنهان نموده

بودند، برملا ساخت. امروز با حادثه شدن تضاد این متحدین استراتژیک، محور اختلافات رومی شود. تاکتیک ازدواج و پیوند قبیله ای بین مجاهدین و بنی صدر نیز نتوانست بر جاه طلبی های آنها مهار زند و سرانجام دو تن از قدرت طلب ترین چهره های سیاسی سال های اخیر ایران از هم جدا شدند. خنده آور این است که دو عنصر تشنه قدرت، همدیگر را به قدرت طلبی متهم می کنند! امروز رجوی در افشای بنی صدر، متحد قبلی خود می نویسد: "سالموسان خیانتکار" در "میان" ی جلاد و فریبانی به موعظه! کردن فریبانی اهتمام می ورزند و با در "محاكمه" او می کوشند تا در قدم بعد بتوانند ماهیت ارتجاعی خود را هر چه سریعتر باز نمود و آشکارا اعلام کنند که خمینی را بما از مجاهدین (و بویژه رهبری توتالیتر - ریست آنها) به خود نزدیکتر یافته اند" (مجاهد ۲۱۹). سپس آقای رجوی دلیل جدائی بنی صدر از شورا را چنین بیان می نماید: "گناه این رهبری (مجاهدین) این است که تسلیم باج خواهی میوه چینان حرفه ای شده و حاضر نگردیده نبی از وزرا و وزارتخانه های دولت آینده را همانند گوشت شتر نمانده، پیشاپیش بنام آقایان قبائله کند" (مجاهد ۲۱۹، تاکیدها از ماست). می بینید دعوی بنی صدر و رجوی بر سر چیست! کسانی که مدعی اند "درون سازمان ما و بویژه در عالی ترین ارگان رهبری گذشته اش خبری از جاه طلبی ها، منفعت جویی ها و حرص و آزهای قدرت طلبانه ای فردی نیست" (مجاهد ۲۱۹)، از همین امروز که توده های مردم برای سرنگونی رژیم جنایتکار خمینی جان می بازند، بر سر تقسیم چیزی که باید برای دستیابی بدان از دریای خون گذشت، گریبان یکدیگر را پاره می کنند و متحدین سابق ورشمن - جمهور منتخب خود را "سالموس خیانتکار"، "باج گیر"، و کسی که ماهیت ارتجاعی است، معرفی می کنند. خوب آقایان! نیروهای انقلابی پنج سال قبل ماهیت ارتجاعی بنی صدر را به شما معرفی کردند. چه شده که شما تازه امروز به این نتیجه رسیده اید! فحاشی شما علیه نیروهای انقلابی زمانی که همین گونه مطالب را می نوشتند، برای چه بود؟ سچفا روزی که رهبران مجاهدین هنوز کاملاً در جای پای بنی صدرها قدم نگذاشته بودند نوشت که شکستن شورا و جدائی مجاهدین از شوروازی لیبرال برای پیروزی انقلاب دمکراتیک ایران امری است ضروری. اما هیئات که شدت مبارزه طبقاتی با چه سرعتی کسانی که روزی معتقد بودند که "امروز در دنیا دو جناح وجود دارد. در یک طرف محرومین، گرسنگان، آوارگان فلسطینی و مبارزین وجود دارند و در طرف دیگر اغنیاء، ماحبان ناپاک فانتوم و جاه نقت، ماشین های جنگی و کارخانجات عظیم. بین اینها هیچ رابطه، هیچ تفاهم مطرح نیست" (از دفاعیات مسعود رجوی ای یکام شوروازی

کشاند. آری اینها همان کسانی هستند که روزی نوشتند: "ما به اینکه دست در دست چریکها (فدائیان) بسرمای نابود کردن امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه میکنیم، افتخار میکنیم" (همانجا، برانتز از ماست) و امروز برای گرفتن پیام و زدوبند با کسانی که قرار بسود نابودشان کنند، علیه آنهاست که قرار بود دست در دستشان داشته باشند، می‌تازند و "فدائقلاب" و "مشکو-کشان" می‌نامند! خود تفاوت کنید چه کسانی تغییر کرده‌اند، فدائیان یا شما، دشمنان دیروزتان یا پیام دهندگان امروزتان؟

مبارزه مسلحانه از فتح پادگانها

تا

پرتا بتخم مرغ بیه عکس خمینی!

ضرورت این قسمت از مقاله به این دلیل است که مجاهدین گاه و بیگاه برای حمله به دیگران بویژه به سازمان فدائیان، آنها را متهم میکنند که کویا - مبارزه مسلحانه را کنار گذاشته‌اند و مجاهدین تنها جریانی هستند که در ایران مبارزه مسلحانه را ادامه می‌دهند. برای رد این ادعا لازم است که مبارزه مسلحانه مجاهدین، اهداف آن و نتایج آن را پس از گذشت سه سال مورد ارزیابی قرار دهیم. البته ما اهداف مبارزه مسلحانه را با همان دیدی که خودشان رسماً اعلام کرده‌اند، در نظر خواهیم گرفت، نه آنچه که باید باشد.

عملیات مسلحانه مجاهدین بعد از ۳۰ خرداد با انجام یکسری بمب‌گذاری‌ها و ترورهای فردی و جمعی آغاز شد. مدت‌ها گذشت تا مجاهدین به بی اثر بودن، یا کم اثر بودن این گونه عملیات پی ببرند. با از دست دادن کارآئی این گونه تاکتیکها، مجاهدین نیز از تعداد اینگونه عملیات خود کاستند. تا بجاشیکه حرکت سیستماتیک با اصطلاح مبارزه مسلحانه آنها محدود به حرکت خودبخودی و بسیار ابتدائی هواداران و هسته‌های مقاومت گردید. عملیات مسلحانه، ترور شخصیت‌ها که نوده‌ها را عملاً تماشاچی صحنه نبود تن به تن کرده بود، در عمل مجاهدین را به نفی آن کشاند، هرچند که آنها هیچگاه به نقد دیدگاه انحرافی خود در این مورد نپرداختند.

وقتی وعده‌های بی اساس رهبران مجاهدین مبنی بر ضرورت ترور این مهره و آن مهره رژیم و برای سرنگونی خمینی بوج از آب درآمد و برای اینگونه عملیات نیز هزینه سرگرانی چون فدا کردن بهترین کادرهای نظامی پرداخت شد، اینگونه عملیات بالاجبار قطع گردید. اما رهبران مجاهدین خود را از تک و تاب نینداختند و همچنان به تبلیغات بی اساس خود ادامه دادند. چرا که در غیراینمورت می‌بایست از عملیات فوق‌الذکر ارزیابی کرده و نتایج منفی و مثبت آنها با اطلاع همگان برسانند.

مجاهدین بجای انتقاد از دید انحرافی خود در مورد مبارزه مسلحانه، دائماً فدائیان را مورد حمله و اتهام قرار می‌دادند که شما مبارزه مسلحانه را دیگر قبول ندارید! در پاسخ باید گفت که در حالیکه مجاهدین در سه سال گذشته به ابتدائی ترین اهداف "مبارزه مسلحانه" تعیین شده خود دست نیافته‌اند، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در این مدت به کار سیاسی و آگاهگری از طریق انتشار نشریات سازمانی، نشریه کار، ربگای کدل، بامی استار، پخش تراکتها و اعلامیه‌ها، پخش برنامه رادیوئی و همچنین ایجاد هسته‌های سرخ کارگری و غیر کارگری و کمیته‌های مخفی اعتصاب کارگری و دمکراتیک و انجام تشکیلات در سراسر ایران و البته ادامه مبارزه مسلحانه واقعی در مناطقی از ایران که امکان بسیج و شرکت مستقیم توده‌ها وجود دارد، مثل کردستان و بلوچستان، پرداخته است و این مبارزه را نیز برخلاف مجاهدین از زمانیکه امام "فدامبریا - نیست" شان به آنها غصب کرد، آغاز نکرد، بلکه از همان روزهاشیکه خلق کرد و ترکمن و... مورد یورش مزدوران رژیم قرار گرفتند، بدون هیچگونه حسابگری‌های کاسبکارانه، همراه و پیشاپیش توده‌ها به مبارزه مسلحانه پرداخت.

امروز مبارزه مسلحانه مجاهدین تبدیل به "هفته شعار مرکب خمینی"، "هفته مبارزه با جنگ و... شده است. البته ما هیچگونه مخالفتی با شعار مرکب خمینی و مبارزه بر علیه جنگ نداریم. ولی این مسئله چه ربطی به "مبارزه مسلحانه" سراسری مورد ادعای مجاهدین دارد؟! البته از حق نباید گذشت که علاوه بر هفته مرکب خمینی و هفته شمار صلح و غیره، باید به لیست عملیات مسلحانه مجاهدین ترور فلان بقال مرتجع و فلان پاسدار را نیز اضافه نمود. باید از مجاهدین پرسید که نتایج عملی دستورات "مسلحانه" آنها طی سه سال گذشته چه بوده است. اجازه دهید نمونه‌ای از این دستورات را عیناً نقل کنیم: "دستور محوری روز: کسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن ظلم اختناق و تدارک قیام رهائی بخش عمومی" (شعار صفحه آخر "مجاهد"). زمانیکه ترور سران رژیم، سرنگونی وعده داده شده از طرف مجاهدین را به همراه نیاورد و رژیم مهره‌های جنایتکار دیگری را جایگزین آنها ساخت، رجوی دستور جدیدی برای مردم صادر کرد: پاسدار کشتی! حدود دو سال قبل رجوی در "جمع‌بندی از مبارزات یکساله" به مردم دستور داد که بجای کشتن افراد و عناصر داخل اتوموبیل‌های بنز ضد گلوله کسانی را که ایمن -

اتوموبیل‌ها را حفاظت می‌کنند، بکشند.

اما امروز پس از گذشت دو سال و اندی از آن -

تاریخ معلوم میشود که مردم اعتناشی به دستور آقای رجوی، "فرمانده تنها آلترا ناسیو انقلابی" نمیکنند و در نتیجه ترور پاسداران بصورت بسیار پراکنده تنها توسط مجاهدین و هواداران آنها انجام گرفته است. رجوی به همان اندازه از روانشناسی توده‌ها بدور است که از شناخت قوانین مبارزات اجتماعی. توده‌های مردم بهتر از این "رهبر تنها آلترا ناسیو انقلابی" دریافته‌اند که کشتن پاسدار که روزانه صدها نفرشان در جبهه جنگ کشته میشوند، مشکل جنبش را حل نمیکنند. در هیچ انقلابی هم شما مشاهده نمیکنید که رهبران انقلاب دستور کشتن سربازان را داده باشند. (البته در شرایط موقعیت انقلابی (قیام)، ترور فرماندهان، نه سربازان، توصیه شده است). این دستور رجوی که بقول خودش دستور روز هم بوده است، با هدف ۱) کشتن هسته‌های مقاومت مسلحانه، ۲) انهدام پاسداران، ۳) شکستن طلسم اختناق و ۴) تدارک قیام انجام گرفته است. اما همانا هر آدم عاقل و بالغی باید امروز پس از گذشت دو سال بنشیند و نتایج دستورش را ارزیابی کند و اگر نتایج و اهداف مورد نظر از آن گرفته نشده باشد، نسبت به صحت این دستور شک کند. نه اینکه دیگران را مورد حمله قرار دهد که چرا شما از این دستور پیروی نکرده‌اید و مبارزه مسلحانه، یعنی "پاسدار کشی" را انجام نمی‌دهید.

به اعتقاد ما مجاهدین درک درستی از مبارزه مسلحانه ندارند. ترورهای فردی پراکنده و جدا از توده‌ها آنان، هفته شعار "مرگ بر خمینی، درود بر رجوی" و یا پرتاب تخم مرغ (که با مخالفتی با این تاکتیک نیز نداریم) را نمی‌توان مبارزه مسلحانه نامید. مبارزه مسلحانه باید توده‌های مردم را به صحنه مبارزه بکشاند، نه اینکه آنها را به تماشاچی صحنه تبدیل کند.

ما برای روشن شدن نوع مبارزه‌ای که مجاهدین نام مبارزه مسلحانه بر آن نهاده‌اند، چند نمونه از آنرا عیناً از نشریه مجاهد نقل میکنیم.

- ۱- نوشتن شعار تحریم انتخابات بر روی بادکنک
- ۲- پاشیدن رنگ بر روی عکسهای خمینی در جال و پهنی

مردم

۳- نوشتن شعار ضد جنگ روی اسکناس و به جریبشان انداختن آن در شهرساری

۴- بست کردن تعداد زیادی نامه حاوی شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی" به خانه‌های مردم

۵- فتل درب‌های اتومبیل یکی از مزدوران رژیم در بندر خمینی را بلرختن چسب قطره‌ای از کار انداخته‌اند.

۶- در تاریخ ۱۱ شهریور یکی از اعضای هسته مقاومت ... در تهران تعدادی تراکت با مضمون ضد جنگ را در پادگان جی پخش نموده است.

۷- چند عملیات بمب‌گذاری پراکنده دیگر

البته ما قصد نداریم که انجام اینگونه عملیات را نفی نموده و اثرات آنرا در شرایط اختناق ایران بکلی نادیده بگیریم. بلکه بحث بر سر ادعای گذاشتن مجاهدین در مورد مبارزه مسلحانه است. چنانچه این عملیات را با فاکتور گرفتن از اغراق گوئی و کهنه‌گوئی‌های نوع مجاهدین قبول کنیم، باز میبینیم که این عملیات توسط هسته‌های هوادار مجاهدین صورت گرفته است و نه توده‌های مردم و از اینرو هیچ ربطی به مبارزه مسلحانه واقعی ندارد. پرسیدنی است که آیا دستور محوری روز "مجاهدین هسته‌های مقاومت مسلحانه را کشتن داده است؟" یا منجر به برداشتن قدمهای اساسی در جهت نهادن پاسداران شده است؟ پاسخ به این سئوالات بسیار ساده و در عین حال بسیار اساسی، روشن خواهد کرد که که مجاهدین سوراخ دعا را خم کرده‌اند و تلاش میکنند دیگران را با فشار، تهدید و تهمت با خود به کجراه ببرند.

هیچ درسی بزرگ تر و آموزنده تر از شکست مجاهدین در این زمینه نیست. ما بیش از خود مجاهدین از کج رویهای آنها آموزش گرفته ایم. ای دانش‌آنها نیز قدری از این تجربیات آموزش می‌گرفتند.

بنا بر این ما از مجاهدین به تمریح می‌پرسیم که آیا شما میتوانید اثرات مثبت نوع مبارزه مسلحانه را یکسره بدان معتقدید و تاکنون نیز عمل کرده‌اید و برای دیگران تشریح کنید و دیگران را نیز قانع نمائید که بجای ایجاد هسته‌های سرخ کارگری و کمته‌های مخفی اعتماد به چه کارگری وجه غیر کارگری، بجای کارآگاهگری، بخش‌آخیار، نشریات و غیره، به ترور پاسداران بپردازند؟

شما ابتدا از مردم خواستید که با هر چه درست دارند به کشتار پاسداران بپردازند و مردم نکردند. و امروز پس از سال و اندی از مردم میخواهید که با شما شعار "مرگ بر خمینی" بدهند. این عقب نشینی از نوع عالی تر مبارزه به نوع پائین تر مبارزه را چگونه توجیه میکنید؟

آیا این عقب نشینی گویای نا درستی تا کشیک قبلی و ارزیابی‌ها و سیاستهای شما نیست؟

آیا این فرصت طلبی نیست که بجای توضیح این عقب نشینی و بجای توضیح بی نتیجه ماندن عملیات با اصطلاح مسلحانه خود، دیگران را متهم به نفی مبارزه مسلحانه میکنید؟

نشریه

ریگای گهل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شاخه کردستان

را بخوانید

کومله: فقر تئوریک وی پرنسیپی در مبارزه ایدئولوژیک

توضیح:

مدنی است که سازمان کومله به جای مبارزه ایدئولوژیک، سالم و اصولی با نقطه نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بطور سیستماتیک به شیوه های غیرسیاسی و مبتذل روی آورده است. این در حالی است که کومله و نشریات وابسته به "جذب" جدیدالتاسیس اش حتی به یکی از نقطه نظرات سچفا برخورد سیاسی و اصولی ننموده و دلایل اصولی مخالفت خود را بسا آن، توضیح نداده اند. کاربرد شیوه های مبتذل توسط کومله و نشریه های وابسته آن، خاصه انتشار تراکت "تسلیم" (به اصطلاح برای مبارزه ایدئولوژیک با فدائیان!)، شیوه های بهم پریدن گروهها و باندهای سلطنت طلب علیه یکدیگر را بخاطر می آورده. این شیوه های برخورد، که خود حاکی از فقر و عجز تئوریک کومله و سهند و بی پرنسیپی آنها در مبارزه ایدئولوژیک

در تاریخ ۲۱ سپتامبر سال جاری، آقای اردلان، نماینده کومله در اولین سالگرد تاسیس "جذب کمونیست" (کومله و اتحاد مبارزان کمونیست - سهند) در پاریس، با سیلی از اکاذیب و تحریفات کاملاً گستاخانه وارد کارزار سیاسی در خارج از کشور گردید. او در این آزمون خود به حاضرین در جلسه نشان داد که موعظه های خودپسندانهاش را نه برای پرولتریزه کردن "گام به گام" ایرانیان مقیم خارج از کشور (بویژه بعد از ناکامی اش در کردستان) و تبدیل نمودن قلب پاریس به "پایگاه عظیم پرولتاریای جهانی" و بسا احياناً برای پایه ریزی "بین الملل کمونیستی از اینجا" بلکه فقط و فقط برای حمله کینه توزانه به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، ایراد می نماید.

آقای اردلان که تربیون را به "مالیکت انحصاری" خود در آورده بود، بی آنکه در مورد یک مسئله جدی و مهم اظهار نظر کند، بدون هیچ پروا و جعل واقعیات و عوامل پرنسیپی برداخت. او که همانند نشریات سازمانی اش نمی توانست بر ضد نظرات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هیچگونه اعتراض اساسی بکند و از مضمون این نظرات انتقاد سیاسی بنماید، بالاچار بی استمسدادی و ناتوانی خود را در مبارزه ایدئولوژیک، با فحاشی های سیاسی و طرح موضوعات بی سر و ته، مستور نگاهداشت ما در این نوشته سعی می کنیم مجموعه موضوعاتی را که وی برای بحث حول و حوش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انتخاب کرده بود تا بر اساس آن به یک سری اهداف خاص دست یابد، نقل به معنی کرده و مورد بررسی قرار دهیم.

آقای اردلان چنین شروع می کند: "بعد از این همه مدت که از انشعاب اقلیت و اکثریت می گذرد، هنوز

می بماند، آنچنان از محتوای سیاسی عاری اند که ابتدا ارزش پاسخگویی ندارند. اما از آنجا که کاربشرد شیوه های مبتذل توسط آنها، جو سیاسی موجود را ناسالم می سازد، ما به خاطر مصالح جنبش انقلابی و برای بوجود آوردن محیط سیاسی سالم جهت مبارزه ایدئولوژیک، برخورد به آنها را ضروری میدانیم.

از میان دهها برخورد هیستریک کومله به سچفا، ما سخنرانی اخیر آقای اردلان، سخنگوی کومله در پاریس را بعنوان نمونه بارز چنین شیوه های برخوردی انشعاب نموده و پاسخ رفقای هوادار سچفا در فرانسه به تحریفات و اکاذیب ایشان در این سخنرانی را درج می کنیم و امیدواریم که دوستان کومله ای ما بجای چنین برخوردهای هیستریک و ناسالمی، به مبارزه ایدئولوژیک سالم روی آورند.

"جهان"

جوانب آن توضیح داده شده است. آیا تعجب آور نیست که بعد از چهار سال نمایندگی سازمان سیاسی در کردستان هنوز از کم و کیف این انشعاب بی خبر باشد؟ آیا تاسف آورتر از این می توان تصور کرد که امروز افرادی یافت شوند که هنوز جوانب انشعاب برایشان روشن نشده باشد؟ آقای اردلان با تعجب کودکانه ای بی خبر از تمامی تغییر و تحولاتی که در این چند سال بوقوع پیوسته است، می پرسد: "جوانب این انشعاب چه بود؟" شاید او مقالات و جزوات متعدد در توضیح و تشریح مضمون واقعی نظرات "اکثریت" و فدائیان خلق و علل انشعاب را نخوانده است تا تفاوت عمیق و تضاد آشتی ناپذیر بین مواضع ایدئولوژیک و استراتژیک بین این دو را درک کند.

شاید او هنوز نفهمیده است که "اکثریت" در ادامه دفاع از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و در امر اجرای تمامی سیاست های جنایتکارانه و سرکوبگرانه آن و "در روند تکاملی که رهبری امام را پذیرفتند" به آسانی "به مواضع ایدئولوژیک حزب توده نیز دست یافته اند."

چه بسا که او سرنوشت خائشانه "اکثریت" و نتایج اعمال خیانتبار و تعابثات تلویزیونی "رهبران" ایدئولوژیک و اعتراف علنی شان بدشمنی با سوسیالیسم و کمونیسم را مشاهده نکرده است تا ببیند چگونه آنان با ظاهر شدن در محضه های تلویزیونی و درج سلسله آرا حیفی در رد کمونیسم در روزنامه های رژیم جمهوری اسلامی به اجرای نقش های تعیین شده از طرف بورژوازی، آنهم نه بطور سر بسته و غیررسمی، بلکه بطور رسمی، تن در داده اند.

همه اینها نشان می دهد که آقای اردلان از سرچشمه این خط و مشی و عملکرد آن که تماماً در پناه تئوریهای

رویزیونیستی مموبه در کنگره‌های ۲۵ و ۲۲ حزب کمونیست شوروی صورت گرفته است، اطلاع دقیقی ندارد تا بفهمد که چرا برای چندمین بار در جامعه ایران به شکست فضاحت بار دچار گشته است و گرنه تحریف ماهیت، اهداف و وظایف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و عملکرد راه سرخ فدائی که به حق از اعتماد و پشتیبانی توده‌های مردم برخوردار است، می‌تواند شخص را به آنجا بکشاند که امروز در گوشه‌ای خلوت در پاریس به تریبونی لم دهد و در باره این مسئله "تازه" به خام ترین شکل اظهار ناآگاهی کند.

پس تصادفی نیست که امروز بعد از چند سال سپری شدن از انشعاب "تئوریسم" های نابغه سهند با مراجعه به بایگانی خود "پیام سلامتی به خمینی" را که متعلق به تاریخ قبل از انشعاب است بیرون می‌کشند و آنرا بنام جناح انقلابی جا می‌زنند و در کمال "شرافتمندی سیاسی" از این پیام که خود تبلور روشنی از چشمد و چون انشعاب و یکی از دلایل اختلاف بین جناح انقلابی و جناح سازشکار درون سازمان بود، بعنوان وسیله‌ای برای لجن پراکنی استفاده می‌کنند. آدم باید کودن و یا مفرض باشد تا نفهمد که ارسال "پیام سلامتی به خمینی" متعلق به کدامین خط و مشی است.

سخنگوی کومله‌ای ما با غرض ورزی خاصی ادامه می‌دهد: "چریکهای اقلیت" (اودر اینجا چریکها را برای منظور خاصی بکار می‌برد تا محملی برای انتقاد از مشی چریکی بدست آورد) با اروتکونیست نشان دادن حسرتزب توده می‌خواهند حساب آنها از شوروی جدا کرده و بزور خودشان را جانشین آن کنند.

این اتهام نکته تازه‌ای را در بر ندارد. ما بارها دیده‌ایم که کلیه پایه گذاران و حامیان "تیز احیای سرمایه‌داری در شوروی" کمونیست‌هایی را که ضمن انتقاد و مرزبندی با انحرافات رویزیونیستی در احزاب حاکم بر کشورهای سوسیالیستی، واقعیت استقرار سوسیالیسم را در این کشورها تأیید می‌کنند، متهم به تبعیت و خدمتگزاری از آن می‌کنند. با عبارت دقیق تیسر، دوستان کومله‌ای ما بتازگی اتهامات کهنه‌ای را علیه فدائیان خلق تکرار می‌کنند.

هر شخص بی غرضی بر این امر واقف است که سازمان چریکهای فدائی خلق در اکثر مقالات تحلیلی خود حصول مهمترین اصول ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصادی حسرتزب توده نشان داده است که بی اعتباری، ورشکستگی و خیانت‌های حزب توده آسانانی از مشی سازشکارانه و پیروی از "تئوری راه رشد غیر سرمایه‌داری خروشچفسی" بعنوان سرچشمه اهلی مبانی عقیدتی آن بوده است که اتفاقاً از جانب "تئوریسم" های اتحاد شوروی ترویج و تبلیغ و "عملکرد" جهانی یافته است. اگر امروز از حزب توده به جز لاشه‌ای متعفن چیزی باقی نمانده است این بدان علت بوده است که کاربست این تئوری

از طرف حزب توده در جامعه‌ای مثل ایران با ساخت سرمایه‌داری (آنهم وابسته به امپریالیسم جهانی) در عملکرد اجتماعی خود، با نفی هژمونی طبقاتی، به نفی مبارزه طبقاتی و خدمتگزاری به بورژوازی منجر شده و ضربات جبران ناپذیری بر جنبش کارگری وارد نموده است. حال آنکه همین تئوری در جامعه‌ای مثل شوروی با ساخت سوسیالیستی نمی‌تواند موضوعیتی برای عملکرد اجتماعی پیدا کند. با عبارتی ساده‌تر، حزب کمونیست شوروی، در جامعه شوروی که شکل سوسیالیستی تولید آن حاکم است، نیازی به کاربست این تئوری خود ندارد. بنا بر این دنباله‌روی حزب توده از این تئوری انحرافی و با حمایت حزب کمونیست شوروی از حزب توده، نمی‌تواند محملی برای یکسان فرض کردن نقش و جایگاه این دو باشد. برآستی کومله و سخنگویش آقای اردلان با تکرار این اتهام کهنه شده مسخره و بیکی نمودن سچقا و حزب توده چه می‌خواهد بکند؟ اگر دفاع از "تیز احیای سرمایه‌داری در شوروی" آنها را وادار به گفتن این اباطیل می‌کند، در آنصورت باید اندکی صراحت و شجاعت و توان استدلال داشته باشند و سکوت خود را در این مورد شکسته و توضیح دهند چرا کومله تاکنون کمترین نوشته‌ای در مورد ساختار اقتصادی جامعه شوروی، تفادهای بنیادین آن و آرایش نیروهای طبقاتی و... ارائه نداده است؟ "تئوریسم" های کومله‌ای و سهندی ما بدون هیچگونه توضیحی در مورد ساخت کشورهای شورایی که در آنها انقلاب پرولتری بوقوع پیوسته است، به شکست سوسیالیسم رسیده‌اند. جریان کار روشن است. در هر کجا که انقلابی صورت گرفته است، در هر کجا که سوسیالیسم برقرار گشته است، بی هیچ طغیانی از طرف پرولتاریای آگاه و متشکل که قدرت سیاسی را بدست گرفته است، تنی چند برآحتی سرمایه‌داری را در آنجا احیاء و حاکم گردانیده‌اند!

آقای اردلان نیز که گوئی بقای تشکیلات فدائشی، رعبه بر اندام او می‌اندازد، مدام از "تلاشی تشکیلات فدائشی" و در اوج بی پریمی خود از "شاخه‌های متعسدد فدائشی" دم می‌زند. آقای اردلان، این روش شما، روش -

کاملاً مرتجعانه‌ای است. آقای اردلان بی پریمی خود را در یک مورد دیگر نیز تکرار نمود. وی در سخنرانی خود گفت: "اقلیت که بنی صدر را انقلابی میدانست و کمترین نقدی از مجاهدین بعمل نیاورده بود پس از جدائی بنی صدر از مجاهدین، برای آنکه از رقیبان خود عقب نماند، بغوربت بر علیه "شورا" موضعگیری نمود." از گفته سخنگوی کومله چنین برمی‌آید که تاکنون بیشترین نقد از مجاهدین توسط کومله صورت گرفته است و اعلام موضع "اقلیت" پس از جدائی بنی صدر از "شورا" (قبل از جدائی چطور؟) ناشی از رقابت با کومله بوده است!

آقای اردلان، این کلمات شما اگر چه خود شاهکار

برای روشن شدن مطلب، اجازه دهید چکیده انتقادات اساسی سچفا به برنامه کومله - سهند را در اینجا بشکافیم.

سازمان در جزوات و مقالات بیشتر خود در نقد برنامه سهند می‌نویسد که تدوین کنندگان برنامه در بخش تشویریک و عمومی برنامه‌شان بعنوان مهمترین و دقیق ترین بخش آن، سرمایه‌داری را بطور عام معرفی می‌کنند. در این برنامه، سرمایه داری ایران با تضادهای و نمودهای خاص آن مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و مشخص نمی‌شود که روند تکاملی و وجوه مشخصه و ویژگی‌های نظام اقتصادی ایران کدام است. طبعاً از پیوند مناسبات تولید در ارتباط جدایی ناپذیر با سلطه امپریالیسم جهانی نیز سخنی در میان نیست. سازمان توضیح می‌دهد که ریشه این دیدگاه در آنجاست که تدوین کنندگان برنامه همچون کاشوتسکی بر این باورند که امپریالیسم یکی از اشکال سیاست سرمایه‌داری کنونی است و از آنجایی که فکر می‌کنند که سرمایه‌داری ایران همان سیر تکاملی کلاسیک خود را طی می‌کند، از پیوند امپریالیسم با مناسبات اقتصادی موجود و قدرت سرمایه مالی نیز حرفی به میان نمی‌آورند و سلطه امپریالیسم را به سلطه سیاسی صرف تقلیل میدهند. روشی است که در اینصورت از مبارزه علیه نفوذ سرمایه مالی که از طریق هزاران رشته مرئی و نامرئی، جوامع تحت سلطه‌ای مثل ایران را بنحوی ارکانیک با سیستم جهانی اقتصاد امپریالیستی ادغام نموده است، خبری نخواهد بود. در این مورد سچفا اشاره میکند که تدوین کنندگان برنامه با اقتیاس از بندهائی از برنامه حزب سوسیال دمکرات روسیه بدون توجه به شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه ایران یک برنامه اشتراکی را ارائه داده‌اند.

ضروریست که در اینجا برای روشن شدن معنی ونحوه این اقتیاس و اهمیت دقت در آن گفته‌هایی از لنین را برای آقای اردلان یادآوری کنیم. لنین در مقاله‌ای تحت عنوان "برنامه و تجدید سازمان حزب" در بررسی پیش‌نویس برنامه "گروه آزادی کار" می‌نویسد:

"ما لازم میدانیم تغییراتی در پیش‌نویس گروه آزادی کار بعمل آوریم تا برنامه سوسیالیستی - دمکراتیک روسیه به برنامه آلمانها نزدیکتر شود. ما از این باوریم که بکوشیم خواهان تقلید از برنامه ارفورت هستیم کوچکترین ترسی نداریم در تقلید از امری خوب ضرر نمی‌کنیم و ما اغلب دقیقاً اکنون که انتقادات فرصت طلبان و دو پهلوئی از این برنامه را از گوشه و کنار می‌شنویم، وظیفه خود میدانیم که علناً به - جانبداری از آن برخیزیم.

اما تعلیم تحت هیچ شرایطی نباید منجر به کپی برداری صرف شود. تقلید و بعاریت گرفتن، ناسا بدانجا که ما در روسیه شاهد همان روندهای اساسی رشد سرمایه‌داری، همان وظایف اساسی برای سوسیالیستها و طبقه کارگر هستیم، کاملاً بجا و برحق است. اما این شباهت‌های اساسی تحت هیچ شرایطی نباید ما را به غفلت از نمودهای خاص روسیه بکشاند. نمودهایی که بایستی

در ویژگی‌های خاص برنامه ما کاملاً نمایان گردد. با وجود آنکه قبل از موقع است، اجازه دهید در همین جا، از این نمودهای خاص در وهله اول، وظایف سیاسی و راههای مبارزه و در وهله دوم مبارزه‌مان علیه بقایای پادشاهی، رژیم ماقبل سرمایه‌داری و ویژگی خاص مسئله دهقانی در من این مبارزه را تذکر دهیم.

بنابراین سؤال واقعی که هنگام استفاده از یک تجربه تاریخی پیش می‌آید، این است که در چه شرایطی میتوان موفقیت این استفاده را تامین نمود و رعایت چه مسائلی تضمین می‌نماید که این کار به کاملاً بجا و برحق بوده است؟ تدوین کنندگان برنامه کومله - سهند نه تنها به این مسائل توجه ننموده‌اند، بلکه ظلم‌های هم از کپی برداری از برنامه حزب سوسیال دمکرات تذکر نکرده‌اند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در نقد بخش مربوط به وظیفه سیاسی فوری و رابطه طبقه کارگر با طبقات دیگر، ماهیت بورژوا - فرمینیستی برنامه سهند را بطرز دقیق و علمی برملا میکند و نشان میدهد که بزعم سهند، درهای ژرف میان انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی ترسیم شده است و در اینسن راستا می‌گوید که برنامه منحصراً "برای پیروزی انقلاب، کدام طبقات دیکتاتوری خود را علیه کدام طبقات اعمال میکنند و در جمهوری دمکراتیک انقلابی که برنامه وعده آنرا می‌دهد، ترکیب طبقاتی حکومت، خطت سیاسی و نسوع قدرت حاکمه چیست!"

امروز هر کس این را می‌فهمد - با استثنای آقای اردلان - که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نظرات اساسی خود را حول مسائل بیشتر جنبش بی هیچ ابهامی و با دقت در یک طرح برنامه‌ای فرموله کرده و آنرا قبل از تصویب در معرض نقد کلیه نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار داده است تا اینکه با ایجاد زمینه بحث و جدل خلاق و سازنده، بمنظور پاسخ فاطح و روشن بسه این مسائل، تمامی نظرات برنامه‌ای و نیز سایر روش‌های موجود به آشکارترین وجهی بروز نموده و گامی اساسی در راستای تدوین برنامه واحد انقلابی برداشته شود. اما کومله و حزبش و بدتر از همه، سخنگویانش، نه قسدمی در راه مبارزه ایدئولوژیک برداشته، نه قادر به دفاع از افکار و تشویرهای خود بوده و نه توانائی برخورد به برنامه و مباحث مطرح شده از جانب فدائیان خلق را داشته است. آنها تنها و تنها به یک سری شیوه‌های ارزان و مبتذل و افترا و اتهام متوسل گردیده‌اند.

برآستی در مقابل اینهمه ابتذال در شیوه مبارزه که کومله، حزب خلق الساعه "کمونیستش" و بویژه سخنگویانش آقای اردلان بکار گرفته‌اند، چه می‌توان گفت؟ شاید کومله می‌خواهد با افترا و لجن پراکنی علیه فدائیان خلق، خود را بزرگ جلوه داده، از مردموده ملی کردستان بیرون جسته و به رویای "بنیان گذاری بین الملل کمونیستی‌اش، رنگ و افضیت بزند؟! "

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه (هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) اکتبر - ۱۹۸۴

دیدگاهها



بمنظور پیشبرد امر مبارزه
ایدئولوژیک و طرح مسائل
مورد بحث در سطح جنبش
انقلابی در هر شماره "جهان"
مقاله‌ها یا مقالاتی در این
را بطنه درج خواهد شد.
بدیهی است که مواضع اینگونه
مقالات الزاماً با مواضع
"جهان" یکی نخواهد بود.

پیرامون تئوری لنین درباره انقلاب دموکراتیک

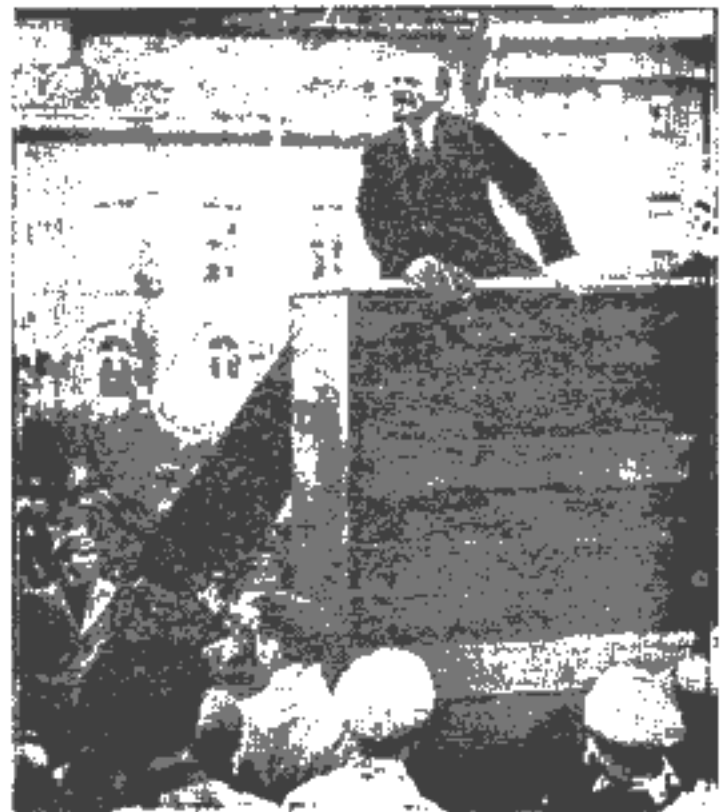
روسیه، نیروهای محرکه آن و غیره را توضیح داد. این
مدت تحلیل، یعنی حرکت از روی وضعیت و شرایط مشخص
طبقات اجتماعی، سنگ بنای روش تحلیل لنین در انقلاب
دمکراتیک را تشکیل می‌دهد. در مقابل این متدمارکسیستی
منشویکها با تکیه بر نتایج عام نئوریک انقلابات
بورژوا دمکراتیک فرانسه و آلمان، با فریبنده‌سازی و
بشیوه‌ای انتزاعی کاراکتر انقلاب روسیه و موقعیت
نیروهای طبقاتی را تعیین مینمودند. چنین انحراف
اساسی در تئوری باعث شد که منشویکها در ارزیابی
نیروهای محرکه انقلاب، بورژوازی را بمسوا ن نیروی
اصلی انقلاب شناسایی کرده و نقش پرولتاریا و دهقانان
را به نظاره گران انقلاب محدود سازند.

بنابراین آنچه می‌بایستی بعنوان پایه‌های سرین
درسه‌های انقلاب دمکراتیک لنین آموخته شود این است که
تحت هیچ شرایطی نسخه از پیش تعیین شده و جهانشمولی
در باره چوں و چرای انقلاب در تمام جوامع وجود ندارد.
چرا که لنین با توجه به تحلیل خود از شرایط مشخص
اقتصادی - اجتماعی روسیه، با توجه به تحلیل پایه‌های
طبقاتی تزاربسم و از درک مشخص خود در باره موانع
عمده‌ای که بر سر راه مبارزه طبقاتی پرولتاریا قرار
داشتند، تئوری انقلاب را تدوین نمود.

از آنجائیکه برداشته‌های متفاوت و غیرعلمی از
تئوری انقلاب لنین وجود دارد، در این مقاله سعی
خواهیم کرد ابتدا تصویری گوناگون از مسائل اساسی
جامعه روسیه همچون مسئله ارضی، حکومت مطلقه، طبقات
اجتماعی روسیه و نمایندگان سیاسی آنها، ارائه کرده
و سپس تئوری انقلاب دمکراتیک لنین و مقایسه آن با
دیگر تئوری‌های موجود را مورد مطالعه قرار دهیم.

مسئله ارضی و دهقانان

مدتها قبل از شروع انقلاب ۱۹۰۵ برای لنین این
سئوال مطرح شده بود که منافع کدام طبقات و نیروهای
سیاسی در گرو از میان برداشتن تقسیم زمینداری در



مسکو - ۱۹۲۰، لنین هنگام سخنرانی برای سربازان

در ممالهائی که روسیه انقلابی آریستن بحران‌های
عمیق اجتماعی سیاسی بود و خواسته‌های دمکراتیک توسط
وسیع ترین اقشار مردم روسیه احساس می‌شد، تئوروی
انقلاب لنین با بازیافتن کلیه مسائل فاعض روسیه و
شناختی عمیق از وضعیت نیروها و طبقات اجتماعی
تکوین یافت. اهم کار لنین در زمینه انکشاف انقلاب
روسیه تجزیه و تحلیل خصلت انقلاب و مشخص ساختن
ویژگی‌های آن بود (چرا که این دو تنها وسیله‌ای در -
بارشناسی نیروهای محرکه انقلاب و اتخاذ تاکتیک‌های
متناسب بشمار می‌آیند). از این رو لنین با تحلیل
پیرامون وضعیت نیروهای اجتماعی، پیشرفت سرما به‌داری
در روسیه و... به استنتاج خود در مورد کاراکتر عمومی
انقلاب روسیه و در همین راستا ویژگی‌های انقلاب

روسیه قرار دارد، و کدامیک از این نیروها دربرفرای مناسباتی جدید کوشش خواهند نمود؟ تحلیل و پژوهشهای لنین او را به این نتیجه رساند که پرولتاریا و دهقانان (فقیر و متوسط) تنها نیروهای اجتماعسوی هستند که از نابودی زمینداری و بقایای سرواز سود برده و بخاطر چنین منافعی، پیگیرترس نیروها بحساب می‌آیند. در مورد بورژوازی، لنین معتقد بود از آنجاثیکه مناسبات اقتصادی - اجتماعی آنهاوزمینداران فئودال در موارد بیشماری با هم گره خورده است، نمی‌تواند در زمره نیروهای پیگیر علیه نابودی زمینداری باشد و نهایتاً از زمینداران حمایت خواهد نمود. برخورد نیروهای سیاسی انقلاب ۱۹۰۵، محسوس تحلیل‌های لنین در مورد منافع مشترک پرولتاریا و دهقانان در انقلاب را به اثبات رساند. اثبات این تئوری در مورد موقعیت نیروهای اجتماعی روسیه و تجارب عمیق انقلاب ۱۹۰۵ از جمله فاکتورهای مهمی بودند که استنتاجات لنین در مورد مسئله ارضی و جنبش دهقانان را تکامل بخشیدند. راه حل معروف ملی کردن زمینها نیز در سایه چنین شرایطی مفهوم واقعی خود را آشکار ساخت. بنابراین در دنباله این مبحث ما عمدتاً سعی خواهیم نمود نقطه نظرات و برنامه ارضی سالهای بعد از انقلاب لنین را مورد بررسی قرار دهیم.

لنین در اثر معروف خود "پیشرفت سرمایه‌داری در روسیه"، به کاربست تئوری توسعه سرمایه‌داری مارکسی، شکل‌گیری سرمایه‌داری، رشد تجارت، شکل‌گیری پرولتاریا و گروه‌بندی‌های مختلف دهقانان در روسیه را توضیح داد و به این نتیجه رسید که روسیه قرن نوزدهم از دو نوع شکل ستم رنج می‌برد. "روسیه نه تنها از تولید سرمایه‌داری، بلکه همچنین از توسعه ناکامل سرمایه‌داری در رنج است" (جلد ۳ کلیت آثار ص ۵۹۹). منظور از توسعه ناکامل سرمایه‌داری، بقایای سرواز، اشکال مافیل سرمایه‌داری مالکیت زمین، و نهادهای سیاسی بود که با سرمایه‌داری در حال توسعه و روبه رشد روسیه آرزوی همخوانی نداشت. اثرات این رشد ناموزون سرمایه‌داری بیشتر از همه جا در دهات روسیه و از همه مهمتر در زمینداری احصای می‌شد. در این رابطه در جزوه "برنامه ارضی سوسیال دموکراسی" با توجه به آمار ارائه شده دولت، لنین آمار زمینداری در روسیه را چنین توضیح می‌دهد:

"این آمار دال بر این مسئله است که بیست‌و‌نیم از شش میلیون و دویست هزار خانوار، هر یک مالک ۸ دسیاتین زمین می‌باشند، بزبان بهتر، در مساحتی از زمین که مطلقاً برای یک خانواده ناکافی می‌باشد. ده میلیون و صد هزار خانوار مالک ۱۵ دسیاتین می‌باشند (کل زمینهای تحت مالکیت دهقانان هفتصد و

دو میلیون و نهصد هزار دسیاتین)، بزبان بهتر، چهار پنجم کل آنها در موقعیت نیمه گرسنگی بسر می‌برند. دهقانان میانه‌حال و ثروتمند بر حسب مقدار زمینی که صاحبند، دو میلیون و دویست هزار از کل ۱۲ میلیون و سیصد هزار خانوار را تشکیل می‌دهند که صحت و سه میلیون و نهصد هزار دسیاتین زمین از کل ۱۲۶ میلیون دسیاتین زمین را صاحب می‌باشند... " (ص ۲۲۴، کلیات آثار، جلد ۱۳). و در جایی دیگر در رابطه با آمار زمینهای مالکان بزرگ می‌نویسد:

"۶۹۹ مالک، هر یک تقریباً سی هزار دسیاتین زمین دارند؛ بیست و هشت هزار مالک دیگر کلاً صحت و دو میلیون دسیاتین زمین دارند، هر یک ۲۲۲۷ دسیاتین. اکثریت قریب به اتفاق این زمین‌های بزرگ را اشراف در تعلق خود دارند، یا بزبان بهتر، هفتاد درصد زمین‌های بزرگ. کاراگرهای قرون وسطایی زمینداری بطور خیره‌کننده‌ای با این آمار آشکار می‌شود... ده میلیون خانوار دهقان هفتاد و سه میلیون دسیاتین زمین دارند، درحالیکه بیست و هشت هزار اشراف صحت و دو میلیون دسیاتین زمین دارند. چنین است دورنمای اساسی‌ای که مبارزه دهقانی برای زمین در روسیه در حال توسعه است." (جلد ۱۳، ص ۲۲۵)

بر اساس چنین وضعیت خاصی، لنین املاک بزرگ و مالکیت قرون وسطایی بر زمین را مانع اصلی رشد آزاد کشاورزی سرمایه‌داری در روسیه می‌بیند. از نظر او املاک بزرگ که به فئودال‌ها تعلق دارند، گره‌گاه اصلی مسئله ارضی در روسیه بشمار می‌آید. علاوه سطح نازل وسائل بهره‌برداری از زمین به‌مراه زمین‌های پهناور و مالکان، مندهای بهره‌برداری از این زمین‌ها را بر مبنای مستقیم رانت‌کار* (محمول مستقیم سیستم فئودالی CARVEE*) یعنی بهره‌برداری و زراعت زمین با استفاده از وسائل دهقانان و با برده‌کشی زارعین کوچک از طرق و اشکال مختلف همراه ساخته است. برای خلاصی از چنین شرایط اولین و موثرترین راه برای برقراری کشاورزی پیشرفته سرمایه‌داری، معادله املاک فئودال‌ها و انتقالش به دهقانان (تحت شرایط معینی) که تحت فشار زمین‌های بزرگ خرد شده‌اند، می‌توانست تلقی گردد. در رابطه با اهمیت چنین اقدامی، لنین می‌گوید: "ما مشاهده نمودیم که گره‌گاه مبارزات دهقانی در انقلاب ما زمین‌های بزرگ فئودالی می‌باشد. مبارزات دهقانان برای زمین قبل از هر چیز مبارزه‌ای برای نابودی این املاک می‌باشد. بدون شک نابودی آنها و انتقال کاملش به دهقانان در راستای تکامل سرمایه‌داری کشاورزی روسیه همراه خواهد بود." (کلیات آثار، جلد ۱۳، صفحه ۲۵۴)

بی تردید تحلیل و شناخت جامع لنین از محتوای مسئله ارضی در روسیه، به او امکان داد اول از همه

جایگاه مسئله ارضی در انقلاب روسیه را بدقت مورد ارزیابی قرار دهد، ناشیا خواسته‌های اقتصادی جنبشی دهقانی و امولا خصلت عمومی انقلاب روسیه را مشخصی سازد. تحلیل مشخص‌ترین که بر پایه شرایط عینی و توسعه مشخص سرمایه‌داری روسیه استوار بود، مسئله ارضی را بعنوان مسئله‌ای که حل آن همراه با نابودی و فروپاشی روابط و مناسبات فرسوده فئودالی در روسیا و بسط و توسعه مناسبات آزاد سرمایه‌داری در روسیه است، قرار می‌دهد. همچنین این واقعیت از سالها قبل بسر نشین مسلط شده بود که حل کاپیتالیستی مسئله ارضی در روسیه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، اما از نظر لنینیست "فروپاشی شیوه‌های ماقبل سرمایه‌داری مالکیت ارضی و کام گذاردن به مراحل بالاتر کشاورزی و تکنولوژی" می‌تواند از دو طریق امکان یابد: راه اول، راه بورژوا - ملاکی و راه دوم، راه دهقانی بر مبنای اقتصاد ملی کردن زمینها. در بررسی وجوه افتراق این دو شیوه حل مسئله ارضی، لنین مینویسد: "آن دو سیر محتسب توسعه سرمایه‌داری را، به ترتیب راه پروسی و آمریکائی می‌نامیم. در مورد اول، اقتصاد فئودالی زمینداران بطور بطنی به اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد زمینداران یونکر، تبدیل خواهد شد که در آن دهقانان را به دهها سال عذاب، غارت و اسارت محکوم خواهد نمود و در همان حال اقلیت کوچکی از کشاورزان بزرگ را بوجود خواهد آورد. در مورد دوم، اقتصاد زمینداران وجود ندارد، بدین مفهوم که انقلاب آنها از بین می‌برد و زمینهای فئودالها معادله و تقسیم میگردد. در چنین حالتی، دهقانان بر اوضاع مسلطند، آنها بصورت تنها نمایندگان کشاورزی درآمد و خود را بسوی کشاورزان سرمایه‌دار تبدیل خواهند کرد. در حالت اول، محتوای اصلی تکامل، انتقال اسارت فئودالی به بندگی و استثمار سرمایه‌داری بر روی زمین فئودال های - یونکر خواهد بود. دورنمای حالت دوم، انتقال دهقانان به کشاورزان بورژوا می‌باشد" (ص ۲۳۰، جلد ۱۳). لنین درجائی دیگر، تفاوت های راه حل دهقانی مسئله ارضی در انقلاب روسیه و راه حسی استولپین - کادتی را چنین بیان میکند: "تفاوت حقیقی راه حل دهقانی مسئله ارضی و راه حل استولپین - کادتی آن در این است که اولی بی‌شک مالکیت ارضی مالکین را و دومی به احتمال زیاد، مالکیت دهقانی را از میان خواهد برد." اما راه حل پروسی "توسعه سرمایه‌داری در روسیه را تا مین خواهد کرد، لسیکن توسعه‌ای بی‌نهایت کند. این برای پرولتا - ریا و دهقانان هزاران بار دردناکتر از راه حل دیگر مسئله ارضی که از نظر عینی ممکن و نیز کاپیتالیستی است، می‌باشد."

بر مبنای چنین راه حل‌های محتسب تحول اقتصاد روسیه، لنین ملی کردن کلیه زمینهای ارضی را، -

بعنوان پایه‌های اقتصادی، راه حل آمریکائی، در برنامه بلشویکها قرار میدهد. این برنامه بدون شک "تکامل یافته‌ترین و جامع‌ترین برنامه سوسیال - دمکراسی در انقلاب دهقانی" روسیه "بشمار میرود. لنین در طول سیر تکاملی افکارش در مورد مسائل دهقانی و ساخت اقتصادی - اجتماعی روسیه آرزو و از همه مهمتر در طی بلشویک‌های پیشمارش علیه متشویکها و نارود - نیک‌ها به این استنتاج رسید. از نقطه نظر اقتصادی "ملی کردن زمین، مالکیت کلیه ارضی را (منظور املاک بزرگ زمینداران و هم زمین های کوچک دهقانان فقیر می‌باشد) به مالکیت دولت انتقال میدهد. مالکیت دولت بدین معناست که دولت اجازه دارد حق اجاره زمین ها را دریافت نماید و قوانین عمومی حاکم بر مالکیت و چگونگی بهره‌برداری از زمینهای سراسر کشور را وضع کند. تحت ملی کردن، چنین قوانین عمومی مسلما واسطه بازی را قدهغن خواهد نمود و با اینکه از انتقال زمین به افراد دیگر، مگر خود شخص کشاورز، جلوگیری خواهد کرد" (جلد ۱۳، کلیات آثار، صفحه ۳۳۷).

اما لنین فواید ملی کردن زمینها را تنها در تغییرات اقتصادی قید شده خلاصه نمیکند، بلکه آنها را با پیامدهای سیاسی اجرای این برنامه و جایگاه مسئله ارضی در انقلاب دهقانی روسیه مستقیما در ارتباط می‌بیند. "راه انقلابی نابودی واقعی نظام قدیم بطور اجتناب‌ناپذیری نابودی اشکال منسوخ زمینداری همراه با نابودی نهادهای فرسوده سیاسی روسیه را بمتابسه مبنای اقتصادی این راه طلب میکند. تجربه اولین دوره انقلاب روسیه بطور قاطعی این مسئله را ثابت نموده است که انقلاب تنها بمتابسه انقلاب ارضی دهقانی می‌تواند پیروز شود، و اینکه انقلاب دهقانی نمی‌تواند وظائف تاریخی خود را به انجام رساند، مگر اینکه زمینها ملی گردند" (کلیات آثار، جلد ۱۳، صفحه ۳۲۵). و در جایی دیگر در باره اثرات ملی کردن می‌گوید: "اهمیت معنوی ملی کردن در دوران انقلابی این است که پرولتاریا با یک ضربه به یکی از اشکال مالکیت خصوصی حملهور میشود که بطور اجتناب‌ناپذیری اثرات آن در تمام جهان انعکاس پیدا میکند" (جلد ۱۳، صفحه ۳۲۵). بعلاوه ملی کردن زمینها به آن دسته از دهقانان میانه‌حالی که در روسیه اوائل قرن بیست از طریق خرید و اجاره زمین - های کوچک، اقتصاد جدیدی در بطن اجزاء و مناسبات مالکیت ماقبل سرمایه‌داری بوجود آورده بودند و با دهقانانی که کم‌وبیش زمینهای خود را با متدهای پیشرفته فلاحت میکردند، اجازه میداد تا تحت شرایط نوین خود را از قیود زمینهای بزرگ نجات داده و - اقتصاد سرمایه‌داری جدیدی را بر مبنای تولید کوچک سازمان دهند، "ملی کردن زمینها، پیشرفته‌ترین فرم بورژوازی و موثرترین اقدام برای بوجود آوردن

کشاورزان آزاد از هرگونه قبودی می باشد.

در مقابل بحث های بسیار مشخص و پیگیر لنین، منشویکها برنامه منوسیبالیزه کردن زمین را در دستور کار قرار می دادند. برطبق چنین برنامه ای، زمین های صادره شده مالکان بزرگ در اختیار دولت های محسلی قرار می گرفت که آنها بنوبه خود مورد اجاره و ... گذاشته میشد.

در برخورد به نظریه منشویکها، لنین در طسی پلمیک های بی شماری علیه منوسیبالیزم، چه بعنوان بسک راه حل ارضی و چه بعنوان یک شکل دولتی، انحرافات و نظریات ناپیکیر آنها را از زوایای مختلف مود تحلیل قرار داد. بطور مثال یکی از جنبه های اشتقاد لنین به منوسیبالیزاسیون این بود که چنین اقدامی هر چند که یکی از موانع اصلی رشد کشاورزی در روسیه، یعنی زمینهای بزرگ مالکان را از سر راه بر میدارد، اما این امر به تنهایی اشکال ماقبل سرمایه داری مالکیت ارضی را از بین نخواهد برد. زیرا که منوسیبالیزه کردن با زمینهای کوچک دهقانان و کلیه اشکال عقب مانده مالکیت حاکم بر آنها کاری ندارد، و بنا بر این اصولا هم نمی تواند مناسبات فرسوده و بقایای فئودالیسم را بطور بنیادی و رادیکال ریشه کن نماید. همچنین در مورد منوسیبالیزاسیون پلخانف باور داشت که در صورت بازگشت ~~***~~ نظام قدیم این شکل دولتی از آنجا نیکه سیستم اداره کشور را بر مبنای دولت های محلی قراردادده است، زیر بار دولت مطلقه نخواهد رفت و طبعاً نیسز زمینهای صادره شده را به آنها تحویل نخواهد داد. اما ملی کردن زمینها از آنجا نیکه دولت قوی، نمرکسز یافته و غیر دمکراتیک ای را طلب میکند، از عهده ایس کار بر نخواهد آمد... در جواب به چنین ادعائی، لنین در ابتدا میگوید:

"از آنجا نیکه ما هیچ تضمینی علیه بازگشت تزاریسیم نداریم، طرح این سوال در رابطه با مسئله ارضی تنها به انحراف کشیدن اذهان و بوجود آوردن - آشفته فکری میتواند تلفی کرده." و در دنباله اش می افزاید: "اما یک تضمین مشروط و نسبی، تضمینی که بزرگ ترین مانع ممکن بر سر راه بازگشت اشوکراسمی است، عبارتست از به انجام رسانیدن انقلاب روسیه در پیگیرترین و وسیع ترین تحوه ممکن. هر چه انقلاب ابعادش وسیع تر شود، بازگشت نظام قدیم بهمان درجه مشکل تر خواهد بود و در صورت بازگشت آن، دستاوردهای بیشتری برجا خواهد ماند" (کلیات آثار، جلد ۱۳، صفحه ۱۳۲۸).

لنین بر خلاف پلخانف، از موضع یک مارکسیست پیگیر مسائل را تجزیه و تحلیل میکند. بسرای او نابودی نظم قدیم و تمام نهادهای سیاسی آن تنها از طریق نابودی کل بایگه اقتصادی - اجتماعی آن نظام

میسر است. ملی کردن زمینها در چهارچوب نظم جدیدی که از طریق یک دوره مبارزه، سازماندهی و تغییرات انقلابی بوجود آمده است بسیار عمیق تر از منوسیبا - لیزاسیون "منشویکهای کادت اندیش" است که دولت های محلی خود را تنها تضمین عدم بازگشت تزاریسیم می خواندند ملی کردن زمینها برای لنین تنها اقدامی است که شرایط دلخواه را برای پرولتاریا در امر مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم مهیا میکند. از اینرو "تنها برنامه - پرولتری در انقلاب دهقانی روسیه شماره میرود" (جلد ۱۳، صفحه ۱۳۵۱).

همچنین در مقایسه ملی کردن اراضی و نظریه تقسیم زمین (بزیان بهتر، برقراری مالکیت خصوصی بر زمین تحت شرایط سرمایه داری) لنین نتایج مارکس در این زمینه را مبنای پلمیک های خود قرار میدهد. یکی از بلاهای مشخص کشاورزی مقیاس کوچک و قتیکه با مالکیت آزاد زمین ترکیب شده از سرمایه گذاری مالی کشاورز در خرید زمین منشاء میگیرد" (کاپیتال، جلد سوم، صفحه ۱۳۴۲). با بزبان ساده تر اینکه کشاورزی که تمام سرمایه خود را صرف خرید زمین میکند قادر نخواهد بود سرمایه خود را در کشاورزی و بالابری راندمان تولید و غیره سرمایه گذاری کند، پس مالکیت سرمایه داری زمین بمثابة سدی در مقابل تولید و رشد قرار میگیرد. در جوامع تولید کالائی پیشبرد اقتصاد بدون سرمایه امکان پذیر نیست. "خلاصه کلام اینکه ملی کردن تنها راه از بین بردن کامل بقایای قرون وسطائی و نظام سرواژ و بهترین اقدامی است که راه را برای کشاورزی آزاد آماده میکند منشویکها و نارودنیکهای اشوپیک از درک این مسئله عاجز بودند چرا که بقول لنین اولاً نمی دانستند شرایط عینی روسیه و پیرویه رشد سرمایه داری، تغییر و تحولات جامعه روسیه را بر مبنای دو راه حل محتمل ساخته است: ۱- راه پیروسی بر مبنای منداستولین، ۲- راه آمریکائی بر مبنای اقتصاد ملی کردن زمینها با رو - بنای سیاسی دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان. ثانیاً درک انتزاعی منشویکها از انقلاب بورژوا دمکراتیک آنها را به این انحراف رهنمون ساخت که بیس انقلاب بورژوا دمکراتیک از نوع انقلاب فرانسه و انقلاب "بورژوا دهقانی روسیه" (منهای بورژوازی - بعنوان یکی از نیروهای انقلاب) تفاوتی قائل نشدند و نتیجتاً نقش دهقانان در انقلاب را دست پائین گرفته و بورژوازی را بخاطر دورنمای تحولات اقتصادی - اجتماعی روسیه یکی از نیروهای محرکه ارزیابی نمایند.

تزاریسیم و روبنای سیاسی

جامعه روسیه

تجزیه و تحلیل تزاریسیم و مشخص نمودن محتوای طبقاتی هیئت حاکمه و رابطه آن با نیروها و اقشار مختلف اجتماعی جامعه روسیه از جمله نکات ظریف و

اساسی تفکرات سیاسی لنین و تئوری انقلاب او را تشکیل میدهد. در این زمینه لنین نظرات مختلف و گوناگونی ارائه داد. اما بدلیل آنکه مبانی تحلیلی او بر ساخت اجتماعی و پیشرفت سرمایه‌داری در روسیه استوار بسود و از آنجا که برداشتهای لنین از مقوله‌های اخیر در طی تجارب و وقایع مختلفی تکامل یافت، لذا نظرات او در مورد ماهیت دولت‌تزار نیز طبعاً دارای نکل همگونی نبوده، در طی برهه‌های مختلف تاریخی تغییراتی در آن - بوجود آمد. با توجه به نکته قید شده، ما ذیلا سعی خواهیم نمود تئوری های لنین در مورد پدیده تزارسیم و شرایط تاریخی شکل گیری این تئوریها را بازگو نماییم.

متد ماتریالیستی لنین در برخورد به پدیده تزارسیم یعنی درک پایه‌های طبقاتی - اجتماعی دولت مطلقه، پیشرفت سرمایه‌داری و کلیه جنبه‌های اجتماعی جامعه روسیه، او را در طی دهه آخر قرن نوزده به این نتیجه رساند که دولت تزارسیم "را بعنوان ارگسان حکومت بورژوازی" شناسائی نماید. بورژوازی خواندن دولت تزار از درک لنین در مورد پروسه مشخص توسعه سرمایه‌داری و اثرات متقابل آن بردولت مطلقه نشئت میگرفت. لنین معتقد بود رفرم ارضی سال ۱۸۶۱ روسیه رشد سریع سرمایه‌داری و انتقال سرمایه تجاری به صنعتی را پدید آورده و سرمایه‌داری صنعتی در پروسه رشد خود ضرورتاً سیستم سیاسی را دستخوش تحولاتی ساخته است. پس مجموعه این شرایط روبنای قدیمی سیاسی را مجبور ساخته است که خود را با اوضاع و احوال جدید تطبیق دهد. بعلاوه لنین بر این نظر بود که پیشرفت سرمایه‌داری روسیه بدان درجه رسیده است که "بورژوازی با به قبضه درآوردن ابزار تولید از طریق فئودال بر اتوکراسی، سیاست‌های بورژوازی آن را تعیین میکند." از طرف دیگر لنین خود دولت تزار را مبتکر اصلی رفرم ۱۸۶۱ و عامل اصلی تغییرات بعد آن بحساب می‌آورد. -

بنابراین فصل مشترکی بین بورژوازی و تزار پدید آمده بود که آنها را بخاطر منافع مشترکشان لازم و ملزوم یکدیگر می‌ساخت. بعلاوه تزارسیم نمیتوانست "ارگان حکومت بورژوازی" نباشد چرا که اولاً شیوه غالب تولیدی چیزی جز سرمایه‌داری نبود، ثانياً زیربنای سرمایه‌داری روسیه بر روبنای قدیمی تاثیر گذاشته و دولت تزارسیم را به ارگان خود تبدیل نموده بسود. پس بنا به این دلایل تزارسیم "ارگان حکومت بورژوازی" بود.

لازم به یادآوری است که پلیمیک‌های سخت و بی‌امان لنین علیه نارودنیکها بر سر مقولاتی چون پیشرفت سرمایه‌داری و ماهیت دولت تزار تاثيرات بزمایشی بر تئوری "ارگان حکومت بورژوازی" لنین گذاشت. نارودنیک‌ها معتقد بودند سرمایه‌داری در روسیه نه تنها شیوه تولیدی غالب نمی‌باشد، بلکه احوالا پروسه رشد آن

هنوز آغاز نگشته است. همچنین نارودنیکها حکومت مطلقه را دولتی "ماوراء طبقات" قلمداد می‌نمودند. البته بعد از غلبه مارکسیسم بر نارودنیکم و استقرار مارکسیسم بعنوان تئوری علمی در میان روشنفکران روسیه، تئوری لنین در باره دولت مطلقه با تغییر و تحولاتی همراه شد. لنین در این دوره از نوشته‌های خود از تزارسیم بعنوان "دولت فئودالی" نام می‌برد.

به نظر آنچه باعث چنین تغییرات کیفی در تحلیل لنین از ماهیت تزارسیم شد، واقعیت‌های عینی و حقایق اقتصادی - اجتماعی جامعه روسیه بود. رفرم ارضی ۱۸۶۱ اگر چه نقطه عطفی برای پیشرفت و توسعه سرمایه‌داری بشمار میرفت، اگرچه این واقعه تاریخی ضربه مهلکی بر بیکر فرسوده فئودالیسم و مناسبات عقب مانده آن وارد آورده بود، اما هرگز نتوانسته بود آنرا بکلی از میان بردارد. سیستم بیگاری (CARVEE) و انواع مختلف مالکیت قرون وسطایی در دهات روسیه هنوز بطور برجسته‌ای مشهود بود. سرمایه‌داری نتوانسته بود چنین بقایای روبرزوال را نابود سازد. روسیه هنوز از عقب ماندگی و مناسبات عقب مانده چند صد سال گذشته در رنج بود. "بعد از نابودی سرواز، اقتصاد سرمایه‌داری نمیتوانست فوراً ظهور نماید و اقتصاد سیستم بندگی (CARVEE) نیز نمیتوانست فوراً محو گردد. تنها سیستم ممکن اقتصادی، لزوماً ترکیبی از اشکال هر دو سیستم سرمایه‌داری و بندگی می‌توانست باشد" (کلیات آثار، جلد ۱، صفحه ۱۹۴). بی شک چنین ارزیابی‌سی از وضعیت اقتصادی - اجتماعی جامعه روسیه تاثیر مستقیمی بر نظریه لنین در مورد ماهیت تزارسیم گذاشت. در این شرایط تزارسیم نمیتوانست "ارگان حکومت بورژوازی" باشد، بلکه با آن مستقیماً در تضاد بود. در مقاله‌ای تحت عنوان "اتوکراسی و پرولتاریا" لنین تضاد بین اتوکراسی و بورژوازی را "تضاد از بین نرفتنی" می‌خواند و در این باره می‌نویسد: "منافع بورژوازی نه عنوان یک طبقه بمرور زمان هرچه بیشتر با دولسنت اتوکراسیک در تضاد می‌افتد." و در جایی دیگر اشاره میکند که بورژوازی خواهان شکل حکومت مشروطه است، اما اتوکراسی در مقابل این خواسته مقاومت میکند و از این لحاظ مخالفت لبرالها علیه دولت مطلقه اجتناب ناپذیر شده است.

از دیگر مسائلی که در مدون کردن تئوری "دولت فئودالی" لنین نقش مهمی ایفا نمود، مسئله زمینداری و خانواده تزار بعنوان بزرگ‌ترین زمیندار در روسیه بود. در مقاله‌ای خطاب به دهقانان فقیر بعد از بررسی آمار زمینداری، لنین به این نتیجه میرسد که از ۲۴۰ میلیون دساتین زمین در روسیه اروپایی، حدود ۱۳۱ میلیون دساتین متعلق به ده میلیون خانوار دهقان می‌باشد. باقیمانده زمینها، یعنی ۱۰۹ میلیون دساتین

متعلق به زمینداران بزرگ است. تزار و خانواده‌اش - ۲ میلیون از ۱۰۹ میلیون دسیاتین زمین را در تملک خود دارند. پس خانواده تزار بزرگ‌ترین زمیندار در روسیه می‌باشد. و در رابطه با این آمار می‌نویسد: "مسئله واقعی این است که زمینداران (از جمله شخصی خود تزار) صاحب زمینهای فوق‌العاده خوب می‌باشند و دولت خود در دست زمینداران بزرگ می‌باشد. مادامیکه فقرای ده متحد نشوند و از طریق اتحادشان به نیروی عمده‌ای تبدیل نگردند، "دولت" همواره بمنابیه غلام حلقه‌بکوش طبقه زمیندار باقی خواهد ماند" (کلیات آثار، جلد ۶، صفحه ۱۳۷۸).

اگر چه تئوری "دولت فئودالی" تا مرحله سقوط تزاریم بقوت خود باقی ماند، اما در فاصله سالهای ۱۱-۱۹۰۷ لنین تئوری "بناپارتیستی" دولت تزاریم را بر حسب شرایط خاصی که بورژوازی لیبرال و نوسانات او در طی دوران انقلاب ۱۹۰۵ بوجود آورده بود، بر پایه تحلیل های دولت بناپارتیستی مارکس مدون ساخت. از نظر لنین، آنچه پایه اصلی بناپارتیستی بودن تزاریم را مشخص ساخت، وضعیت خاص لیبرالها و کادتها بود که همواره در بین انقلاب و ارتجاع نوسان می‌کردند. در طول سالیهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ بورژوازی لیبرال بخاطر موقعیت و جایگاه طبقاتی‌اش در روسیه همانطوریکه لنین در سال ۱۹۰۵ پیش‌بینی کرده بود از انقلاب هراسید و خود را بطرف راست و دولت تزاری نزدیک ساخت. بعد از اینکه طوفان سالیهای انقلاب فروکش کرد و تزاریم از خطر موقتی جنبش انقلابی فراغت یافت، حمله به لیبرالها آغاز گشت. بورژوازی که تا بحال بمنابیه بازبچه سیاسی تزاریم درآمد بود، به دولت مطلقه اجسازه داد که در بین بخش‌های مختلف آن مانور دهد. (در چنین مواقع خاصی است که بقول مارکس پایه‌های اولیه بقدرت خزیدن بناپارتیسم آماده میشود). لنین ایسین وضعیت خاص را بیشتر در ترکیب نیروهای تشکیل دهنده و ائتلاف‌های ممکن در دوما مشاهده میکرد. بدین صورت که تنها دو ائتلاف، اولی ائتلاف راستها و اکتا بریستنها و دومی ائتلاف اکتا بریستنها و لیبرالها، امکان شکل گیری داشت. دولت تزار با استفاده از این وضعیت هر زمان که قصد داشت اقدامات خشن و غیرقابل قبول از جانب لیبرالها را به مرحله اجرا بگذارد بر ائتلاف اول تکیه میکرد و هر زمان که خواستار به اجسرا گذاردن رفرم و یا اقدامات لیبرالی بود، از ائتلاف دوم سود می‌جست. خلاصه کلام اینکه بناپارتیسم تزاری محصول تاریخی دورانی بود که بورژوازی برای حفظ منافع اقتصادی - سیاسی خود از ترس جنبش انقلابی، بدان گرفتار شده بود. لنین معتقد بود که این تکنیک انحصار قدرت خود نمایانگر ورشکستگی تزاریم و دولت ائوکراتیک میباشد و در واقع آخرین حربه‌ای است که

تزاریم برای حفظ روبنای فئودالی از آن استفاده میکند.

در خاتمه این مبحث باید خاطر نشان ساخت لنین از همان آغاز تدوین تئوری انقلاب بر این مسئله واقف بود که تزاریم بعنوان یک شکل دولتی قدیمی با تغییر و تحولات سرمایه‌داری بطور اعم و منافع بورژوازی بطور اخص در تضاد میباشد و هیچگونه وجه اشتراکی بین دولت پوسیده تزاریم و تغییر و تحولات سرمایه‌داری در روسیه وجود ندارد. لنین این نکته را نیز درک کرده بود که تزاریم بعنوان "دولت فئودالی" با زیر بنای سرمایه‌داری روسیه در تضاد قرار دارد و اصولا ائوکراسی عامل بازدارنده رشد نیروهای مولده در روسیه می‌باشد. بر بستر چنین تناقض آشکاری بین روبنا و زیربنا و خواسته‌های عمومی تغییرات دمکراتیک، لنین انقلاب دمکراتیک روسیه را بصورت واقعی اجتناب‌ناپذیر می‌دید که می‌بایست پایه‌های اقتصادی تزاریم را نابود کرده و سرفعل نویخی را برای تحولات آتی فراهم سازد.

ادامه دارد

۰۴ و ۰۵

ترورا ایندیرا گاندی

شناخته شده و اتوریته سیاسی‌اش همواره سعی داشت که سیاستهای خود را مبنی بر تقویت سرمایه‌داری دولتی در حزب بجلو ببرد. این مشخصات بهیچ وجه در پسرش رگیو بچشم نمی‌خورد. از طرف دیگر، رگیو فاقد اتوریته سیاسی مادرش می‌باشد. این مسائل دست جناح راست را در درون حزب کاملاً باز خواهد گذاشت. طبق تحلیل‌هایی که از جانب نیروهای مترقی پاکستانی و هندی در مورد رگیو داده شده است، هواداران رگیو غالباً دارای - کرایشات شدیداً راست می‌باشند. دیدگاه رگیو در مورد اقتصاد بیشتر حول گسترش هرچه بیشتر سرمایه‌داری - خصوصی دور می‌زند. در مورد سیاست خارجی، رگیو بیشتر تمایل به راست دارد و دارای تمایلات غربی است. با توجه به مسائل بالا، آینده سیاسی هند چندان روشن نیست. با تشدید درگیری‌ها بین سیکها و دولت هند پس از ترورا ایندیرا گاندی که تا بحال بی‌ش از ۱۵۰۰ کشته بجای گذاشته است، اولین مشکل دولت رگیو گاندی، برقراری آرامش سیاسی در داخل کشور است. عدم تجربه و فقدان اتوریته سیاسی، وی را در انجام این امر، با دشواری‌های زیادی روبرو خواهد ساخت. با اینحال بخاطر تمایل وی به گسترش سرمایه‌های خصوصی، متحمل است که وی بتواند با بورژوازی سیک که در بخش خصوصی فعالیت می‌کند، به سازش برسد. از طرف دیگر امپریالیسم پس از سالها فرصت مناسبی برای نفوذ سیاسی بیشتر در هند یافته است. آنچه که از مانورهای آمریکا پس از مرگ خانم گاندی برمی‌آید، این است که آمریکا این فرصت را به آسانی از کف نخواهد داد.



جمهوری سوسیالیستی ویتنام :

۹ سال پس از انقلاب

همه جهان فقط یک خانواده است ،
بروئنتاریای همه کشورها برادرند
(هوشی مین)

مقدمه

در ۲۵ آوریل ۱۹۷۵، سرانجام پس از سالها مبارزه انقلابیون ویتنام شهر سایگون را تصرف نموده و - امپریالیسم جهانی بسزکردگی امپریالیسم آمریکا را با بزرگ ترین شکست نظامی روبرو ساختند. حدود یکسال بعد، یعنی در دوم ژوئن سال ۱۹۷۶، تولد جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام گشت. تا بحال مقالات بسیاری به زبان فارسی در مورد مبارزه رهائیبخش خلق ویتنام و قهرمانی های آن، نگارش یافته است. مبارزه ای که خلق ویتنام به رهبری حزب کمونیست این کشور طی ۹ سال گذشته برای حل مشکلات عدیده ناشی از جنگ و ایجاد ساختمان سوسیالیستی برداشته است، خود در غورمطالعه و بررسی جدی است. در این مقاله که به همت رفقای هوادار در انریش تهیه شده است، سعی شده است با استفاده از ارقام و آمار منابع معتبر اطلاعات بیشتری در مورد ویتنام کنونی و ساختمان سوسیالیسم در این کشور در اختیار خوانندگان قرارگیرد. باشد که این بررسی مختصر، ره گشائی باشد برای افراد و جریانهای که کورکورانه و بدون ارائه هیچگونه تحلیل اقتصادی - سیاسی از جامعه ویتنام، حکم ارتجاعی بودن آنها صادر کرده و بدینوسیله بر مبارزات طبقه کارگر و خلق قهرمان ویتنام علیه امپریالیسم خط بطلان می کشند.

قبل از بررسی شرایط کنونی، لازم است بطور مختصر به چگونگی رهائی ویتنام از سلطه امپریالیسم اشاره ای بنمائیم. استعمارگران فرانسوی از اوائل قرن نوزدهم به نفوذ و استعمار کشور ویتنام پرداختند. پس از سالها مبارزه خودبخودی خلق ویتنام علیه امپریالیسم فرانسه، با تشکیل "سازمان انقلابی جوانان ویتنام" در سال ۱۹۲۴ و تاسیس "حزب کمونیست ویتنام" در سال ۱۹۳۰ توسط انقلابی کبیر هوشی مین، مبارزات رهائیبخش خلق ویتنام وارد مرحله جدیدی گردید، با شروع جنگ



جهانی دوم، مبارزه در این کشور نیز اوج گرفت. در سال ۱۹۴۱ جبهه "ویت مینه" علیه اشغالگران ژاپنی در شمال ویتنام تشکیل شد. در فاصله کوتاهی پس از پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵، دولت پوئالیسی طرفدار اشغالگران ژاپنی توسط انقلابیون سرنگون شده و دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک ویتنام در شمال تاسیس میشود. از سال ۱۹۴۶ به بعد امپریالیسم فرانسه تعرضات خود را علیه خلق ویتنام گسترش میدهد. پس از پیروزی درخشان انقلابیون ویتنام علیه فرانسوی ها در منطقه دین - مین - فو، امپریالیسم آمریکا جای امپریالیسم فرانسه در منطقه را پر می کند.

در سوم سپتامبر ۱۹۶۹، خلق ویتنام، رهبر کبیر خود، هوشی مین را از دست میدهد. اما با مرگ هوشی - مین، مبارزه حماسه آفرین انقلابیون ویتنام علیه آمریکا تداوم می یابد تا جاییکه در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۳، آمریکا مجبور به امضاء قرارداد صلح میشود، اما جنگ همچنان در هندوچین ادامه پیدا میکند.

سرانجام در ماه مه سال ۱۹۷۵، انقلابیون ویتنام

شهر سایگون را طی یک حمله برق آسا به تصرف درآورده، و دولت انقلابی موقت در سایگون اعلام موجودیت میکنند. در کامبوج نیز رژیم لون نول سقوط می‌کند. بدینگونه خلق قهرمان ویتنام، تحت رهبری داهیانگ حزب کمونیست این کشور موفق میشود پوزامپریالسم جهانخوا را آمریکا را با ۵۰۰ هزار نفر سرباز و مدرن ترین تجهیزات نظامی به خاک بمالد و یکبار دیگر این حقیقت انکارناپذیر را به اثبات برساند که سرانجام خلق های آگاه، مشکل، متحد و تحت یک رهبری انقلابی پیروز خواهند شد. در ۲۵ آوریل ۱۹۷۶، طی برگزاری انتخابات عمومی در ویتنام، ادغام دو قسمت شمالی و جنوبی رسماً اعلام میگردد. با اعلام موجودیت جمهوری سوسیالیستی ویتنام در دوم ژوئن همان سال، مبارزه قهرمانانه علیه اثرات وحشتناک جنگ خانمانشور سی ساله در زمینه های مختلف آغاز میشود. برای شناختن ابعاد مبارزه ای که طی ۹ سال گذشته بعمل آمده، لازم است به اثرات جنگ و میراث اقتصادی رژیم سابق بپردازیم.

اثرات جنگ و میراث اقتصادی رژیم سایگون

ابعاد جنایات آمریکا در ویتنام بعدی است که هنوز پس از گذشت سالها، اثرات آن باقی است. فراموش نخواهیم کرد که چگونه بیماران و حشیانه مناطق مسکونی ویتنام توسط امپریالسم آمریکا، اعتراض جهانیان را برانگیخت. این اعتراضات گاهی بصورت تظاهرات خیابانی جوانان و زمانی بصورت "دادگاه جنایات جنگ ویتنام" از طرف "راشل" خودنمایی می‌کردند.

در اینجا برای نمونه گزارش "موسسه بین المللی صلح در استکهلم" (SIPRI) که در سال ۱۹۷۶ در مورد اثرات جنگ بر روی محیط زیست در ویتنام منتشر گشته است را ذکر می‌کنیم. طبق گزارش این هیئت، در جریان بمبارانهای ویتنام کلاً بیش از ۱۵ میلیون تن بمب و مواد منفجره روی این کشور ریخته شده است. این مقدار ۳ برابر کل بمبهای است که در طول جنگ دوم جهانی بکار گرفته شده است.

بمب های پرتاب شده باعث شدند بیش از ۲۶ میلیون حفره و گودال در سطح جنگلها، زمین های مزروعی، شهرها و جاده ها بوجود آیند. از ۱۵۰۰۰ دهکده ویتنام، ۹۰۰۰ دهکده کلاً با خاک یکسان شدند. طبق محاسبات انجام شده توسط موسسه SIPRI، تخمین زده میشود که هنوز بیش از ۱۵۰ هزار تن مواد منفجره دست نخورده - در زیر خاک های ویتنام مدفون باشند که هر آن احتمال انفجار آنها میرود. (۱)

در سال ۱۹۶۲ امپریالسم آمریکا توسط نیروی هوایی خود اقدام به بکار بردن سلاح های شیمیایی نمود. ظاهراً هدف اصلی تجاوزکاران آمریکایی، نابودی جنگلها و مخفی گاه های چریک های جبهه آزادیبخش ملی (FNL)

و از بین بردن منابع غذایی آنها بود. ماده دی فلیویانت (Defoliants) که تحت نام اجنت نارنجی (Agent Orange) خوانده میشود، بکار گرفته شد. (۲) در حقیقت ماده ذکر شده دارای مواد سمی دی نیتروفنیل (DNP) و دی نیتروکورتو (DNOC) بود.

طبق گزارش نشریه یاسلر-سایتونگ (مورخ ۱۸۳/۵/۳ آمریکا در طول بیماران ویتنام بیش از ۵۵۰ کیلوگرم دی اوکسین (Dioxin) بکار برده است. (قابل تذکر است که چندی قبل با آزاد شدن کمتر از ۰/۳۰ کیلوگرم دی اوکسین در کارخانه ای در Severso در ایتالیا، تمام منطقه پاکسازی و کارخانه مزبور تعطیل شد). در سال ۱۹۸۳ طی یک سمپوزیوم بین المللی در شهر هوشی مین (سایگون سابق) اعلام گشت که هنوز آثار دی اوکسین



افزایش تولید آنااس در سالهای گذشته

در زمین، آب و هوا وجود دارد (همان منبع). در منطقه نظامی موسوم به ناحیه شماره ۳، تعداد تلفات ناشی از سرطان کبد پنج برابر شده است. درصد مرگ و میر نوزادان در سال ۱۹۶۲ ۱۴/۵ درصد، در سال ۱۹۶۵ ۳۴/۱ درصد، در سال ۱۹۶۶ ۵/۱ درصد و بالاخره در سال ۱۹۶۹ به ۷/۵ درصد رسید. مرگ و میر نوزادان در نواحی آلوده به TCDD در جنوب به ۳/۱۴ درصد رسید. در حالیکه مرگ و میر نوزادان در نواحی غیرآلوده دیگر ویتنام، کمتر از نیم درصد بوده است. مواد سمی ذکر شده در بالا نه تنها باعث نابودی مزارع و جنگلها شدند، بلکه آبها و مواد غذایی را نیز مسموم ساختند.

چنانکه گفته شد، سوم مذکور قسمت اعظم جنگل های جنوب را از بین برد. این ستوان هنوز وجود دارد که آیا بطور کلی بازسازی دوباره جنگلها امکان پذیر است یا خیر؟

جنگ تجاوزکارانه نه تنها باعث نابودی مناطق مسکونی و صنعتی گشت، بلکه مشکلات مختلف اجتماعی از جمله حدود یک میلیون نفر معلول جنگی، بیش از یک میلیون نفر بیمار با عوارض ژنتیک، بیش از ۸۰۰ هزار نفر بیمار روانی و روحی، بیش از ۵۰۰ هزار فاحشه و بیش از ۱۰ میلیون نفر آواره جنگی (از ۲۴ میلیون نفر جمعیت جنوب) که اغلب از دهات به شهرهای بزرگ سرازیر شده بودند را به وجود آورد. بدلیل عدم وجود رشد صنعتی ویتنام جنوبی، مهاجریین دهات به شهرهای بزرگه قشر جدیدی را در جامعه ویتنام بوجود آوردند که تنها مصرف کننده بوده و حاصل مسائلی از قبیل کانگستریسم، قاچاق، قاچاق و استعمال مواد مخدر و... بودند.

ویتنام شمالی نیز از اثرات مخرب جنگ بگری نبرد. در ۵ اوت سال ۱۹۶۴ آمریکا با افسانه "تمام در خلیج تون کین" را خلق کرده و هواپیماهای خود را برای بمباران ویتنام شمالی ارسال داشتند. از فوریه ۱۹۶۵ این حملات شدت یافت. تا بدینوسيله پشتیبانی مردم شمال در مبارزه جنوب درهم شکستند. در ساختمان سوسیالیسم خرابکاری کنند، روحیه مبارزاتی مردم را تضعیف نمایند و بدینوسيله خلق ویتنام در شمال و جنوب را مجبور کنند که به مبارزه آزادیبخش جنوبی خاتمه دهد. بمباران شمال باعث خرابی های زیرگردید: از ۳۰ شهر ویتنام شمالی، ۲۸ شهر مورد حمله قرار گرفت و از این تعداد، ۱۲ شهر ویتنام شمالی بکلی نابود گشت و از ۵۷۸۸ بخش، ۴۰۰۰ بخش با خاک یکسان شد. کلیه نواحی صنعتی، کشاورزی و کلبه سدهاثر که در کشاورزی اهمیت خاصی داشتند، بکلی از بین رفتند. شبکه راهها و سیستم حمل و نقل چندین بار بکلی از کار افتاد. ۳۰۰۰ مدرسه، ۳۵۰ بیمارستان و بیش از ۱۰ میلیون مترمربع از نواحی مسکونی با خاک یکسان گردید.

ضربه سختی که اقتصاد ویتنام شمالی با از بین رفتن کامل مراکز صنایع سنگین، نیروگاههای برق و کارخانجات تولیدی مواد اولیه صنعتی خورد، به این سادگی قابل جبران نیست.

در اینجا لازم است کمی هم از وضع اقتصادی رژیم سابق ویتنام جنوبی سخن بگوئیم تا روشن گردد چه میراثی از امپریالیسم جنایتکار برجای مانده بود.

قبل از سقوط سایگون، تبلیغات عوامفریبانه امپریالیسم حاکی از اقتصاد خارق العاده جنوب بود. ولی حقیقت چیز دیگری بود. ویتنام جنوبی در ورنگستگی

کامل قرار داشت که فقط با کمک های اقتصادی آمریکا روی پای خود ایستاده بود. این ورنگستگی را می توانیم در بیلانهای بازرگانی مشاهده کنیم.

در سال ۱۹۶۵ ویتنام جنوبی قادر بود که فقط ۱۱ درصد از واردات خود را از منبع درآمد صادرات پرداخت نماید. این مقدار در سال ۱۹۷۲، یعنی یک سال قبل از موافقتنامه پاریس به ۳ درصد رسید. ویتنام جنوبی که روزی در زمره مهمترین صادرکنندگان برنج محسوب میشد، از سال ۱۹۶۴ مجبور به وارد کردن برنج شد. بطوریکه در سال ۱۹۷۲ واردات برنج ویتنام جنوبی معادل ۴۰۰ میلیون دلار بود. طبق گزارش نشریه "ویتنام کوریر" مورخ ۱۹۷۳، شماره ۱۸، از کل ناغلبه ویتنام جنوبی، ۶۰٪ در قسمت خدمات، ۱۵٪ در صنایع مونتاز و بقیه در کشاورزی مشغول بکار بوده اند.

اصولا ورود صنایع مونتاز و وابسته به ویتنام جنوبی از سال ۱۹۵۴ شروع گشت. نواحی صنعتی تنها به نواحی اطراف سایگون محدود میشد. واردات مواد اولیه، وسائل بدکی و حق امتیازات کارخانجات در انحصار شرکت های خارجی بود و برای تامین هر کدام از آنها احتیاج به ارز خارجی بود. این کار بدون کمک های امپریالیسم آمریکا امکان نداشت. در اوائل سال ۱۹۷۲، نشریه هاندلز بلات مورخ ۱۵/۱/۷۵ اعلام داشت که تجارت خارجی ویتنام جنوبی بحالت رکود کامل درآمده است. در حقیقت صنعت ویتنام جنوبی از یک کمیسود اعلی رنج می برد و آن عدم وجود صنایع سنگین و مادر بود. وابستگی به امپریالیسم و فساد بورژوازی کمپرادور سد راه هرگونه شکوفائی بودند. مشکل دیگر باقیمانده از رژیم وابسته سایگون، مسئله ارضی بود. قول اجراء، رفرم ارضی که در سال ۱۹۷۰ توسط رئیس جمهور وقت، وان تیو، داده شده بود، هیچگاه تحقق پیدا نکرد. بطور خلاصه، رژیم سایگون مدتها قبل از سرنگونی توسط انقلابیون، از لحاظ سیاسی - اقتصادی نابود شده بود و آنچه برجای گذاشت، جز تورم، بدبختی عمومی، بیکاری و فساد اداری و سیاسی، فرهنگ منحط فئودالی و نو استعماری و... چیز دیگری نبود. (۴)

شرایط دموگرافیک، اجتماعی و اقتصادی

در اولین سالهای پس از جنگ

۱- مساحت: با ادغام ویتنام شمالی و جنوبی در سال ۱۹۷۶، مساحت کل ویتنام بالغ بر ۳۲۹۵۶۶ کیلومتر مربع شد. ۱۵۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع ویتنام شمالی و ۱۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع ویتنام جنوبی.

۲- جمعیت: جمعیت کل ویتنام در سال ۱۹۶۵، ۳۴/۹ - میلیون نفر بود. این رقم در سال ۱۹۷۹، به ۵۲/۲

میلیون نفر رسید. میزان رشد جمعیت ۲/۶ درصد میباشد که نسبتاً زیاد است. ترکیب جمعیت بسیار جوان است بطوریکه طبق آمار سال ۱۹۷۹، ۴۱ درصد جمعیت را افراد زیر ۱۵ سال تشکیل می‌دادند. تراکم جمعیت در کل ویتنام ۱۵۴ نفر در هر کیلومتر مربع میباشد. (۵)

۳- فرهنگ و بهداشت: در سال ۱۹۷۷، ۸۷ درصد افراد بزرگتر از ۱۵ سال قادر به خواندن و نوشتن بودند. ۹۱ درصد از محصلین در مدارس ابتدائی و ۵۱ درصد در مدارس متوسطه به تحصیل اشتغال داشتند. به ازای هر ۱۳۷۰ نفر، یک پزشک و به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر، یک تخت بیمارستان وجود داشت. (۶)

۴- نیروی کار: در سال ۱۹۷۸ کلاً ۱۵ میلیون نفر در



نصب دستگا‌های تقویت‌بری در نیروگاه، فالای

ویتنام شاغل بوده‌اند. از این تعداد، طبق آمار منابع غریبی، ۱/۵ میلیون نفر افراد متخصص می‌باشند. همچنین از این تعداد، ۷۰ درصد در کشاورزی، ۹ درصد در صنعت و ۲۱ درصد در قسمت خدمات اشتغال داشته‌اند. (۷)

۵- تاسیسات صنعتی، کشاورزی و حمل و نقل: طول کل راه آهن در ویتنام ۲۴۰۷ کیلومتر می‌باشد که اغلب در اثر بمبارانهای آمریکا بحالت مخروبه می‌باشند. طول انواع مختلف جاده ۷۲۹۴۵ کیلومتر و طول کل راههای آبی قابل کشتیرانی ۱۰۷۸۳ کیلومتر میباشد. ویتنام دارای حدود ۲۰۰ هزار شیلومتر مربع جنگل است که نصف آن بعلت بمباران شیمیائی توسط آمریکا - لیم آمریکا تقریباً غیر قابل استفاده‌اند.

سطح زمینهای زیر کشت ۵۳۰۰۰ کیلومتر مربع (کمتر از ۱/۶ کل مساحت ویتنام) و سطح زمینهای بایر ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد. (۸)

۶- درآمد سرانه و درآمد ملی: کل درآمد ویتنام در سال ۱۹۷۷ بالغ بر ۸/۲۵ میلیارد دلار بوده است. درآمد سرانه در این سال بالغ بر ۱۶۰ دلار بوده است.

در سال ۱۹۸۷، کشاورزی ۲۴۰/۱٪، معادن ۵٪، صنعت و کارهای دستی ۲۹/۷٪ و خدمات ۱۵/۹٪ از کل درآمد ویتنام را تامین کرده‌اند.

۷- تولیدات: آمار زیر از نشریه ویتنام کوریسسر چاپ هانوی مورخ ۱۹۸۳ (۹) گرفته شده است:

الف) ضریب تولید در کار دستی و صنایع سنگین:

سال	درصد
۱۹۷۵	۱۰۰
۱۹۷۶	۱۱۲
۱۹۷۷	۱۲۴

ب) ضریب تولید در کشاورزی:

سال	درصد
۱۹۷۵	۱۰۰
۱۹۷۶	۱۱۰
۱۹۷۷	۱۰۵

ج) ضریب تولید در صنایع سبک:

سال	درصد
۱۹۷۶	۱۰۰
۱۹۷۸	۱۰۰
۱۹۷۹	۸۷
۱۹۸۱	۶۷
۱۹۸۲	۷۶

د) تولید مواد غذایی گیاهی: جدول زیر نمایشگر تولیدات کشاورزی بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۱ میباشد. ارقام به میلیون تن و ترکیبی از ۸۰٪ برنج، ۲۰٪ غلات، سیبزمینی، سویا و غیره میباشد.

قابل ذکر است که ویتنام اوائل سال ۱۹۷۵ با کمبود ۶ میلیون تن مواد غذایی روبرو بود و پسرای اولین بار در سال ۱۹۸۲ به مرحله خودکفائی غذایی رسیده است.

سال	میلیون تن
۱۹۷۵	۱۲/۰
۱۹۷۶	۱۳/۵
۱۹۷۷	۱۳/۰
۱۹۷۸	۱۳/۵
۱۹۷۹	۱۳/۸
۱۹۸۰	۱۴/۴
۱۹۸۱	۱۵/۰
۱۹۸۲	۱۶/۳

ه) تولید مواد اولیه صنعتی و مواد متفرقه (در سال ۱۹۷۹):

فولاد	۱۰۸۰۰۰ تن
ذغال سنگ	۵/۵ میلیون تن
الکتریسیته	۳/۸ میلیون کیلووات
سیمان	۷۰۵۰۰۰ تن

۸- صادرات و واردات: مقایسه صادرات و واردات - ویتنام در سال ۱۹۷۷ و ۱۹۸۲ قابل توجه است:

صادرات	۱۹۷۷	۱۹۸۲
صنایع سبک و کار دستی	۹۲/۲٪	۵۶٪
مواد خام و مواد غذایی	۷/۸٪	۲۰٪
ذغال سنگ	-	۱۰٪

واردات	۱۹۷۷	۱۹۸۲
مواد اولیه غیر خام	۱۷/۱٪	۱۰٪
کالای مصرفی	۲۰/۷٪	۱۵٪
مواد خام و نفت	۲۸/۲٪	۷۵٪

۹- منابع و معادن: مهمترین منابع ویتنام به ترتیب عبارتند از: ذغال سنگ، نفت و گاز، آهن، سنگ - آلومینیوم، مس، کروم، گچ، نیتان، قلع، روی، منگنز، طلا، جیوه، اورانیوم و توریوم.

لازم به تذکر است که ویتنام به علت شرایط خاص جغرافیایی قادر است جهت تولید الکتریسیته از رودخانه‌های خود استفاده کرده و علاوه بر آن آب و هوای ویتنام امکان کشت چای، نیشکر، آناناس، پنبه، قهوه و سایر گیاهان گرمسیری را میدهد. ارقام و آمار بالا همه حکایت از عقب ماندگی اقتصادی ویتنام که خود ناشی از سالهای طولانی جنگ خانمانسوز می‌باشد، می‌کند. حال که با مشکلات و مسائل موجود در ویتنام آشنا شدیم، درمی‌یابیم که چگونه

بخاطر خرابکاری‌های امپریالیسم و عمالش هنوز به پیروزی بزرگ تری در جهت سوق کل جامعه ویتنام بسوی سوسیالیسم نیاز است. لهدوان ضمن اشاره به مشکلات موجود در سال ۱۹۷۶ اعلام داشت که:

"... بهر حال شرایط عالی ای وجود دارد که - موفقیت ساختمان سوسیالیسم، و بنای ارکان مادی و فنی آنرا بفاصله‌ای که ۱۵ تا ۲۰ سال تخمین زده میشود تامین خواهد کرد. این شرایط، تجربه صلح، حصول استقلال و تمامیت ارضی، رهبری حزب کارگران ویتنام، وجود دیکتاتوری پرولتاریا و وحدت کارگران و دهقانان که بنیاد جبهه واحد ملی و توان انقلابی خلق ماست، می‌باشد." (۱۰)

ادامه دارد

1. Vietnam, edition Suhrkamp 1197, 1984.
۲. برتراند راسل، جنایات جنگ در ویتنام، ۱۳۲۷
3. Yearbook, Feer, 1973.
4. Vietnam, edition Suhrkamp 1197, 1984.
5. The Socialist Republic of Vietnam, Basic Data, Hanoi, 1978.
6. Yearbook. Far East Economic Review, 1980 to 1983
7. Handbuch der 3 Welt.
8. Vietnam, Forward to a New Stage, Hanoi, 1977.
9. Vietnam Courier, Nr. 3. Hanoi, 1983.
۱۰. لهدوان، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، ساختمان و بنیاد، انتشارات خلق، ۱۹۷۶

انتخاب مجدد

بقیه از صفحه ۶

گیری علیه رژیم خودداری کرده است. همانطور که در شماره‌های قبلی "جهان" نیز اشاره کردیم، رژیم جمهوری اسلامی در میان آلترناتیوهای بالقوه موجود، بهترین آلترناتیو مورد نظر آمریکا می‌باشد. سلطنت طلبان اگرچه "مطلوب" و "ایده‌آل" جمهوریخواهان می‌باشند. ولی هیچگونه شانس برای کسب قدرت سیاسی ندارند. از اینرو امپریالیستها در شرایط فعلی هیچ حسابی روی آنها باز نکرده‌اند.

با انتخاب ریگان، رژیم جمهوری اسلامی نیز شانس بیشتری برای جلب حمایت امپریالیستها یافته است. با توجه به کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر، پیروزی

خاطر نشان ساختند. یکی از دلایل برخورد های آشتی جویان رژیم را باید در تجدید روابط سیاسی بین آمریکا و عراق جستجو نمود. بهبود روابط سیاسی آمریکا و عراق، رژیم جمهوری اسلامی را بیش از گذشته در انزوا قرار خواهد داد.

در یک کلام، کارنامه سیاه ریگان در چهار سال گذشته نشان می‌دهد که وی برای حراست از منافع امپریالیسم آمریکا، به هر جنابینی دست خواهد بازید. برای مقابله با سیاستهای ارتجاعی و تجاوزکارانه وی، بخصوص در آمریکای مرکزی، همبستگی عملی بین مبارزات کارگران، زحمتکشان و اقلیت‌های ملی و نژادی آمریکا، پرولتاریا و خلق‌های تحت سلطه جهان، جنبش‌های دمکراتیک و فد جنگ در اروپا و کشورهای سوسیالیستی بیش از پیش در دستور کار قرار می‌گیرد.

دمکراسی‌ها را انتخابات که سنشادک "حقوق بشر" را به سینه زده‌اند، می‌توانست مشکلاتی برای رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورد (از جمله بوجود آوردن - محدودیت‌هایی در دریافت سلاحها و قطعات نظامی ساخت آمریکا). چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، در مقابل حمله ریگان به رژیم خمینی (در مناظره دوم با مانسدل) خمینی با "علو طبع" و "بزرگ منشی" ای که تا بحال از او دیده نشده است، حملات ریگان را ناشنیده انگاشته و بر برقراری روابط سیاسی با آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی مهر ناشید کوبید. چند روز پس از پیروزی ریگان نیز، در مصاحبه تلویزیونی کانال ABC آمریکا با حسین شیخ - الاسلام، معاون وزیر امور خارجه ایران و برخی از مهره‌های امپریالیستی، همگی پلچن آشتی جویانهای به فراموشی سپردن اختلافات گذشته را

از خوانندگان



بگذارید.

● هند - رفیق م. ف. ص: رفیق عزیز، مقاله تحقیقی شما در مورد ناسیم دریافت شد. ضمن تشکر بسیار از شما، آنرا برای درج در "جهان" مورد بررسی قرار می‌دهیم. مقالات دیگری که اشاره کرده‌بودید نیز دارای موضوعات مفید و مناسبی برای نیازها و اهداف "جهان" می‌باشد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. خاصه در مورد مسائل اجتماعی و سیاسی هندوستان، بویژه در باره وقایع اخیر مقاله‌های ارسال شده از طرف شما بسیار باموقع و ضروری خواهد بود. ما انتظار داریم رفقای هوادار در هر کشوری که هستند خود را موظف بدانند در مورد مسائل مهم سیاسی و مبارزات زحمتکشان و نیروهای سیاسی کشور محل امت خود مطالب لازم و گاه مقالات و تحقیقی تهیه و برای درج در "جهان" ارسال دارند. پیروز باشید.

● هند - رفیق م: نامه شما در مورد ترجمه کتابی که ذکر کرده بودید، رسید. پاسخ شما را طی نامه‌ای ارسال داشتیم.

نشریات رسیده

● آلمان، "آبگون" شماره ۹ دریافت شد. متشکریم.

● هند، سازمان دانشجویان ایرانی (هوادار سچفا): خبرنامه شماره ۱۸ رسید. متشکریم.

● ترکیه، انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفا: خبرنامه شماره ۸، و جزوات "ما چه می‌خواهیم و برای چه مبارزه می‌کنیم" طرح برنامه سچفا" دریافت شد. متشکریم.

● آمریکا، هواداران سچفا در لوئیزیانا: نشریه "همیستکی" شماره ۴، دریافت شد. بسیار متشکریم.

● اروپا، حزب دمکرات کردستان ایران (تشکیلات اروپا): بولتن خبری تا شماره ۹۰ دریافت شد. متشکریم.

لارم می‌دانیم اطلاعات مفید ذکر شده از جانب شما را به اطلاع خوانندگان "جهان" برسانیم. لکن بشنظر ما میرسد که نیاز به دریافت نوشته جامع‌تر و مفصل‌تری از شما داریم تا بتوانیم با درج مقاله‌ای در مورد خلق ارمنی و مروری بر تاریخچه و مبارزات این خلق و خاصه توضیح در مورد گروه‌های سیاسی و مبارز آن، به گوشه‌ای از وظیفه خود نسبت به دفاع از مردم زحمتکش ارمنی و شناساندن هرچه بیشتر آنها به خوانندگان خود، عمل نمائیم. رفقا، تماس مرتب خود را با ما حفظ کنید. منتظر دریافت نوشته جامع‌تر شما هستیم.

● هند - همیشی، ج. ن: نامه شما رسید. ضمن تأیید مطلب اصلی نامه - تان، یاد آوری می‌کنیم که ماهواره آماده‌ایم که از پیشنهادات، رهنمودها و انتقادات سازنده خوانندگان نشریه جهان برای بهبود کیفی آن استفاده کنیم. بنابراین ما خوشحال خواهیم شد که شما نیز ضمن حفظ ارتباط خود با ما، در این زمینه‌ها ما را یاری رسانید.

● هلند - رفیق عزیز، شعر "زندانی" شما در رابطه با اشغال سفارت رژیم در هلند بدست ما رسید. متشکریم.

● فرانسه - یک رفیق هوادار: نامه شما بدستمان رسید. متشکریم. از آنجائیکه مطالب مورد اشاره شما نیاز به بحث مفصل‌تری دارد، ما پاسخ شما را طی نامه‌ای برایتان ارسال خواهیم داشت.

● شارجه - رفیق محمدالف: نامه شما رسید. متشکریم. متأسفانه در حال حاضر امکاناتی برای انجام درخواست شما در اختیار ما نیست. بهتر است شما از محل اقامت خود برای انجام تشریفات قانونی اقدام نمائید و پس از طی این تشریفات و روشن شدن امکانات بدست آمده، ما را در جریان

● آمریکا - هوستون، رفیق نادر: نامه شما رسید. ضمن تشکر، مشکلات ارسال نشریه برای شما مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

● آمریکا - کالج پارک، آقای ط: ضمن تشکر از نامه محبت‌آمیز شما نشریه جهان را به تعداد درخواستی شما ارسال خواهیم نمود.

● امارات عربی - رفیق ح. الف: نامه محبت‌آمیز شما را دریافت کردیم. ضمن پوزش از تاخیری که در ارسال نشریه جهان پیش آمده، فوراً نشریه را برای شما ارسال خواهیم نمود.

● آمریکا - نیویورک، خانم ش. م: درخواست شما رسید. ضمن تشکر، فوراً اقدام خواهد شد.

● آمریکا - بیومونت، رفیق م. ف: نامه محبت‌آمیز شما رسید. نامه شما جهت رسیدگی به رفقای مشغول داده شد. از این پس نشریه به تعداد درخواستی تان ارسال خواهد شد.

● آمریکا - ادموند، آقای م. ش: درخواست شما رسید. ضمن تشکر، فوراً اقدام خواهد شد.

● استرالیا - سیدنی، رفقای هوادار: نامه شما دریافت شد. نشریات مورد درخواست شما ارسال گردیده است. موفق باشید.

● ایتالیا - سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا، هوادار سچفا: نامه شما به همراه کدهای مربوطه رسید. ضمن پوزش از تاخیری که در درج آکسیونهای مبارزاتی و کدهای شما بعمل آمده، نسبت به چاپ آن اقدام می‌کنیم.

● آمریکا - هسته استپان تاهومیان (هوادار سچفا): رفقای عزیز چنانکه در "جهان" شماره قبل اطلاع دادیم، نوشته جالب شما در مورد گروه‌های مبارز خلق ارمنی دریافت شد. ما



توضیح:

مقاسمانه بعثت شراکم مطالب شماره های قبلی "جهان"، تا بحال وقعه ها شپدر درج - منظم داستان "لنین در محلی گاه"، انیسر ایمانوشل کازا که ویج بوجود آمده است - از آنجا شبکه هنوز قسمت های ریادی از این داستان درج شده و انتشار منظم آن محدودیت های تکنیکی ریادی برای ما بوجود می آورد و از این گذشته، اخیرا هواداران سچفا در آمریکا تمامی این اثر ارزنده را بصورت کتاب بازتکثیر نموده اند، ماضی پوزش از خوانندگان خود، از درج بقیه آن خودداری می کنیم. افراد علاقمند می توانند برای تهیه این کتاب با آدرس هواداران - سچفا در آمریکا مکاتبه کنند.

برای تقویت بخش ادبی "جهان"، از این پس تلاث می کنیم داستانهای کوناه و با مقالات ادبی کوتاه را در هر شماره بگنجانیم. در این مورد، از همکاری خوانندگان علاقمند استقبال می کنیم.

در این شماره داستان "صف به صف" نوشته دنگ، را به تفل از نشریه "ویژه - نامه هنر و ادبیات" درج می کنیم.

"جهان"

صف به صف

دوستان عزیز! این شماره را به شما عزیزان تقدیم می کنیم. امیدواریم که این شماره را با اشتیاق و علاقه بخوانید. در این شماره، علاوه بر داستان "صف به صف" نوشته دنگ، مقالات ادبی کوتاه را در هر شماره بگنجانیم. در این مورد، از همکاری خوانندگان علاقمند استقبال می کنیم.

یکشنبه / هفدهم دی هزار و سیصد و پنجاه و هفت

تک نفری ما بهم می پیوستند و دو یکدیگر را می جستند. چهار نفری ما یکصد میگشتند و چهار نفری های دیگر را می طلبیدند. دسته های کوچک هم آواها هم یک خشم خروشیده و یک هدف در هم ادغام میشدند و دیگر دستها را به خود میخواندند. صبح شهر یکپارچه خروش گشته بود.

مرد به سمت شهر داری که رسید و نگاه دوزدهی آشنا دید و بسوی شان رفت: میرزا آقا و پرویز. دستهای یکدیگر را فشردند و باهم دوبه بالای خیابان روانه شدند. هنوز حرفها از احوال پرسید نگذشته بود که پرویز ایستاد و دستی به وداع سوی شان دراز کرد. رفقای دیگر، او را به قرار خوانده بودند. پرویز رفت و تبر به این مرد و میرزا آقا گل انداخت. مرد ضمن تبریک دهنش را بسوی کوچی پستخانه کج کرد و در جواب نگاه پرسشگر میرزا آقا گفت:

- قرار شد جمع بشیم دیرستان این سینه... یعنی با صدف رنگیا حرکت کنیم ...

میرزا آقاسری به ناله جینان دوستی تکان داد:

- هر جا با هم فرقی نمیکند ...

و باهم توی کوچه پیچیدند و تبریفها از سر گرفته شد:

- میرزا آقا خیلی رفته پیدات نیس؟

- آره ای یعنی کمتر با هم نیابون ... راستش کارم زیاده خسته

میشم. میرم دهات اطراف ماموریت ...

- اونجاها چه خبر میرزا آقا؟

میرزا آقا خندید. سری خاراند تا چیزی را به یاد بیاورد و بعد

حرفها با لبم روی زبانش چرخیدند و بیرون ریختند:

- چند روز پیش رفتم ده سوزن. قبل ازما ژاندارها آمده بودن برای سرکشی. دهانیا روز قبلش جمع شده و توی ده راهپیمایی کرده بودن و شعار داده بودن و بعدشم تابلوی بهسازی روبه اعتراض خرد کرده بودن و سیمای تلگرافم بریده بودن ... وقتی ما رسیدیم ژاندارها آمده بودن برای بازپرسی. یکیشون تا مارو دید جلو آمد و بعد از کلی سلام و احوالپرسی تابلوی بهسازی رو که خرد و خمیر شده بود، نشونمون داد و بعد با لحیط به انبوه دهانیا که ساکت و افساده بودن اشاره کرد و فریاد کرد: اینا داغونش کردن و بعدم کلی فحش تارخون کرد ...

خنده می ریزد آقا، گسره تر شد و در مقابل شگفتی مرد شروع کرد به توضیح دادن:

- بعدشم همون ژاندارمه دس منو گرفت و برود جلوی کدخدای کلی هندونه داد و برفتم که: آقای مهندس از شهر اومدن قایم دلورگی رسیدگی کن و گوشمالی بدن و از این حرفا. منم بخاطر شالی نبودن حرفه جلورفتم و به اولین نفری که رسیدم نیایی ساده و بدون نشر ازش پرسیدم که تابلوی اداره رو چرا شکستین؟ ایا در اول برگشت و نگاهی بهمم ولایتش انداخت و بعد شروع کرد با آب و ساب جریان را تعریف کردن که: آقای مهندس اذیر و زواره پیمانی بود مردم کلی راه رفتن و مدامم هوار میکشیدن که مردم ا به املحق شدن و بعدشم اقدان راه که برن شاهنجران ... به اینجای حرفاش که رسیدم ژاندارمه مصبانی شد و بهش توپید که: تا بلور و چرا شکستین؟ که دهات به حرفاش قطع کرد، بهت زده نگاهی به او انداخت و نگاهی به من و بعدش سری تک داد و نیایی ساده گفت: آقای مهندس از فرار شد بگیم با ده کسنتش ...

بسی کوتاه روی لبهای مرد نشست. صدای خنده می ریزد آقا بلند شد:

- نیدونی چه فایده ای حق بیجانی ام گرفته بود. انگار نه انگار که داره پیش اون پارو ژاندارمه چی میگه ...

کوچه کم کم طی میشد و به آخر میرسید. شمارها همه جا درو دیوار دار خود گرفته بود و نگاهها را بخود میکشاند. از پیچ آخرین کوچه که گذشتند صدای بیا هوئی لوجه شان را بخود جلب کرد و میرزا آقایی اختیار پرسید:

- چه خبره؟

مرد بی تفاوت به راهش ادامه داد و بادست انتهای کوچهر نشان داد:

پشت همین دیوار دیرستان این سیناس، صدا از اونجا مباد ... و به سرعت قدمهایش از خود:

- مثا نکه مادر کردم ...

پیچ کوچی راه انخاب گذرانند. درختهای افراشته بهم آمده اما لخت دیرستان از کنار دیوارش سر کشیده بودند. شمارها در هم و نامفهوم بود. چند قدمی که جلوتر رفتند کم کم صداها واضح تر شد و گوی گوش نشست. دیرستان، گشاده بود و جمعیت را نکتک و گروه گروه بخود میخواند. هنوز چند قدمی به در نمانده بود که سرو گاهی جواد که از دیرستان بیرون میزد پیداهد. سلامی کوتاه رد و بدل شد و در مقابل سئوال بهت زده ای مرد که پرسید:

- آقا جواد کجا ای؟

جواد برگشت و با بخش دیرستان از نشان داد و نالهید:

- مگه نمی شنین ای؟

صدای جمعیت از توی دیرستان بلند بود:

- برو گمشو کمونیست، دوما درد نولست ...

مرد میرزا آقاسرا جانش کشان زد. مرد با صدائی کوتاه زمزمه کرد:

- مگه فرهنگیا نیسن ای؟

چو راه سری جیناند. چشمهاش را تکتک کرد و دلانها را روی هم فشرد. بعضی را از صدایش راند:

- به نظر شما مرید و بقیه تکرار میکنن ...

صدای میرزا آقا با هیبت بیرون آمد :

چرا ... ۱۹

میکن این فرمان بوده ... یعنی از لیل فرار گذاشتن ...

حالا کجا آقا جواد ؟

میرزا سالن ... فراره در روشکارا از اونجا راه بیفتن ...

و بعد با اندوهی عمیق نالید :

عکس جوادم پاره کردن ...

کدام جواد ۱۹

جواد سلاخی ...

آخه چرا ۱۹

همونی که همکارم پاره وقتی عکسش رو پاره کرد که این بابا کمونیست بوده. به عده رو بیخون و عکس پاره کردن ...

رنج و اسفندی دل هر سردلانه کرد و وجودشان را در بر گرفت. مرد به اندوه سری جنباند و به نظر سه با هم بطرف سالن تریست بدنی راه افتادند.

توی راه جوادها اندوهی که سر پایش را در بر گرفته بود شروع کرده به تعریف کردن از کسی که سرمدار ظاهرات فرهنگیان بود :
- هنوز مت روز جلوی چشمه ... هیش بهمن پارسال بود، همین بابا که الا داشت گلوی پاره میکرد و هوامیزد وقتی سفردزه داشت میرسد به بیدون، تمام صفت رو بهم زد و خود شورسوند جلوسعی کرد پرچم اداره رو از سر پرچمدار بگیره ...
مرد با نگاهی فراخ جواد را پائید :

چه چی کنه ۱۹

جواد زهر خندی زد و مرد را از شگفتی بیرون کشید :

- نه بابا نه بخاطر اینکه پرچم بگیره که مثلاً پارهش کنه یا بلالی سرش باده نه ! میخواست وقتی از جلوی جایگاه مرد مرشش اون پرچمدار بیاچه که اون ایتیشی ...

کیا ... ۱۹

اونالی که با پله پله رفتن ... همون که میرفتن گزارش میدادند و پشت سر گزارششون تشویق نامه ها سرازیر میشد ...

میرزا آقاسری جنباند و جوادها کینه ای در دل ادامه داد :

- تازه این اولش بود ا پرچمدار اداره نمیخواست پرچمو به اون بده ...

خنده ای در لبانش نشست :

- بالاخره اونم دلش به تشویق خوش بود و این چیزا در لازم داشت. آره، هرچی این بابا اصرار کرده اون پارو حاضر نشد که پرچمو از سر بده که به دفعه همین بابا و همین بابا که الان داره تو دهرستان گلوی پاره میکنه و مرد موروث میکنه و همین بابا چنان با سلی خواهرت بیخ گوش اون نشسته که برق از سرش بره و پرچم از دستش ول شد روزمین ...

کینه ای جواد دل مرد و میرزا آقا را هم پر کرد :

- بعدشم انگار که اضافی نیفاده در مقابل اعتراض همه خبلی ساده پرچمو و داداش و با گوشه ای آسین کشش اونو پاک کرد و راه افتاد بطرف میدان ...

میرزا آقا همچنان که سرا پا گوش حرفهای جواد بود زیر لب زمزمه کرد :

- نظاری بشکنه ماسی بریزه ، جهان گرده به کام کاسه لبان ... بیچ خیابان طی شد و جسمه ای وسط میدان که میان سپه های عمارت است نشسته بود نمودار شد و کمی بالاتر منظره ای ایوه صتی که داشت بهم می آمد .

هر سه نفر بیچ میدان را در بر صفتی کردند . صفت ساکت بود و تنها تعریف از روزهای گذشته و آینده میان منتظران رد و بدل میشد . از سر تا ته صفت ، جابه جاکس تختی و نهران لی و در شمس هشت خوان زمانه دور دستها بود هنوز بردوش مردم میرفت .
توی صفت که چیدند ، پکنفر کاغذی دستشان داد که شعاری

دوش نوشته شده بود . نگاههاشان روی حروف کاغذ چرخید و بعد به علامت تصدیق سری تکان دادند و لبخندی کوتاه بر لبانشان نقش بست . صفت جاکس شد و بر راه افتادند . عکس تختی که دست تکان میداد و غمی پارسشی در چهره ای نیمه خنداناش موج میزد نگاهها را بخود میکشید . غریب و نوحه وار صفت برخواست :

- بهلوان پانخور ، هنگام قیام است

زندگی و ظلم ، شاه گر تمام است

گفتند جوانان را ، بهترین عزیزاندا

بی عذر و بهانه ، بی عذر . بهانه کردند عزیزان را ، بهترین جوانان را

سوی گوردروانه ، سوی گوردروانه
نگاههای مردمی که در پیاده رو میرفتند ، آنها که پادی از تختی

درد داشتند ، و آنها که پادها را از خاطر هی سینها شنیده بودند ، روی صفت می چرخید و غمی اشکبار در چهره ها و چشمها میدوید . هنوز بیشتر از دو بار شمار مرثیه وار خوانده نشده بود که به پیشنهاد چند تنی که دست در دست هم داده بودند ، بند دوم تغییر کرد و با خروش بیشتری پیچید .
- کردند عزیزاندا ، بهترین رفیقان را

سوی گوردروانه ، سوی گوردروانه
کسی مخالفت نکرد و جمعیت بکصدانوی مرثیه را به همین گونه

به گوش آسمان میرساند و گامهایش را مصمم به پیش میراند . جمعیت به وسط خیابان که رسید از کمر شکن میدان گذشت و توی کمر بند پیچید . صفهای بیشمار در دهم ، تمام کمر بندی را پر کرده بود . آوای خشم آلود مرثیه همه را بخود آورد . انگار خود تختی بود که می آمد . تمام صفها با احترامی سرشار کوچک دادند . شمارهایشان را قطع کردند و صفت و روشکاران را از درون خود ، رو به جلو ، هدایت کردند . انگار خود تختی می آمد . مردیک آن یاد روزهای مسابقات تهران افتاد و در رود تختی به سالن ورزش و صدا هائی دو گوشش پیچید :

- آنا تختی ، آفاتختی ...

اشک توی چشمهایش نشست ، خاطرانش پراکنده گشت . چند نفر که تهریشی داشتند توی صفت نشسته کردند و شروع به همخوانی بابقیه کردند . مرد تنها نگاهی کوتاه به آنها انداخت و دوباره دستهایش را به دستهای میرزا آقا را جواد سپرد . دستها مشت شدند و فشارا شکافتند و غریبها توی شهر پیچید :

- ... بهترین رفیقاندا ، سوی گوردروانه ...

اما صداتوی حلقویشان خشکید . شمار به یکباره عوض شده بود ، همان چند نفری که وارد صفت شده بودند از کنار هم مرد میشدند و با صدای بلند شعار میدادند :

- آقایان بهترین رفیقان نیس ، بگین حافظین قرآن ...

یک نفر زبان به اعتراض گشود :

- ما از سالن تا اینجا همینو میگفتیم ...

یکی از همان پیشواها بر گشت و توی صورت اعتراض کننده براق شد :

- از اونجا تا اینجا اشتباه میکردین ... باید همینو بگین ...

مردی اختیار دهانش گشوده شد :

- باید ۱۹

- بعله ، باید همینو بگین ...

صدای اعتراضها گسترده شد :

- ما همون چیزی رو میگیم که قبلا میگفتیم ...

اعتراض بند آمد و صدای شمار بلند شد ، قیافه ای مرد در پیشرو هدایتش در هم شد . بجلوی صفت رفتند و با چند نفر شروع به صحبت کردند .

صدای یکیشان از جلوی صفت بلند شد :

- مرگ بر منافقان ...

و صدای یکی دیگر :

- منافق تا بود است ...

- بش باد ...



دیکتاتورها

پابلو نرودا

بویی میان نیشکرها
مانده است :
ممزوجی از جسد
و خون ،
گلبرگی خلنده و
قی آور .
در میان
درختان نارگیل ،
گورها آکنده از
استخوانهای پوسیده
است
و ناله های بی سخن
احتضار .
دیکتاتور ظریف
سرگرم
سخن گفتن است
با کلاه های سیلندر ،
یقه ها و یراقی طلائی
قصر کوچولو ،
مثل یک ساعت
سوسو می زند
و خنده های
شتاب زده
در دستکشها
مدام تذر می کنند
از سرسراها
و از راهروها
و وصل می شوند
به صداهای مرده و
دهانهای
تازه دفن شده
آبگون .
گریستن
به چشم دیده نمی شود
چون آن گیاه
که دانه های
بروی زمین می ریزد
مداوم ویی بیایان ؛
گیاهی که
بر گهای کوریزش
حتی بدون نور
هی رویند
فقرت رشد کرده است ،
لمحه به لمحہ - ،
یا شریز و پشت سرهم
در آبهای
مورگبار مرداب ؛
پاپوزه ای
پراز سکوت و لجن .

صف به صف

سکوت کوتاهی شد اما یکی از همان جلوتی ها به عقب صف
آمد و به جعفر بر خاش کرد :
- آقا اکم شعاریده ...
- مگه حرف بدی زدم ؟
- اصلاً نمیخواد شعاریده ...
- اینجا دیگر حوصله ی بقیه سر آمد :
- بنوچه مر بوته ... ؟
- نیاید شمار بدین ، پاهمون که ما می گیم یا اصلاً برین بیرون از صف ،
اعتراض بکنفر که باز هر خندی آمیخته بود بلند شد :
- مگه عاشوراس ؟ مگه میخوای نهار بدی ؟ بروی کارت ...
فائله میخواست بیخ پیدا کند که حاج مهدی باهیکل ورزیده اش
از راه رسید :
- چه خبره ... ؟
مردوشو که پناهی یافته بود با اعتراض فریاد :
- حاج آقا اینا شعاریده رو عوض کردن ...
قیافه حاج مهدی متعجب شد :
- چرا ؟
- نمیدانم حاج آقا ... ما می گیم بگین حافظین قرآن اینا گوش
نمیکن ...
حاج مهدی نگاهش را روی صف گرداند و در همان حال پرسید :
- پس چی میگن ؟
- میگن بهترین رفیقان ...
خنده روی لبهای حاج مهدی نشست :
- سخب بگن چه فرقی میکنه ؟
مردوشو پیکه خورد . پکرو ناراحت زمزمه کرد :
نگاه خمگین مرد ، در نگاه میرزا آقا گره خورد . لبهای بسته ماند
و تنها سری به تأسف جنباند . شمار دوباره تکرار شد اما همان جلوتی
ها به آخر شمار که رسیدند نگاههاشان را با تهدید سوری هفتی ها گرداندند
و با غیظ فریاد کشیدند :
- ... حافظین قرآن را ، سوی گور روانه ...
عقبی ها سر لیج آمدند و مدام شمار اولی را ، تکرار کردند .
دوباره یکی از جلوتی ها برگشت تا شعاری بدهد که جعفر مشت گره
کرد و در فضا چرخاند و از لای دندانهای بهم آمده از غیظش ، فریاد کشید :
- لعنت بر عمر و عاص اولین ایجاد کننده ی خفقان اسلامی ...
غریو جمعیت بلند شد :
حاج آقا اینا مناقض ...
نگاه حاج مهدی یکبار دیگر ، اما این بار با دقت ، روی صورتها
چرخید . خنده اش باز تر شد و سری تکان داد :
- نه پس ، چی میگن ؟ اینا همه فزون بجهی همدان من می شناسمشون
میرزا آقا نگاهش به مرد کرد . سری به تائید تکان داد و تیسری کرد .
بخوشحالی تو قیافه ی جواد هم موج میزد . شمار یکبار دیگر تکرار شد
و جلوتی ها فریاد زدند و به عقبی چشم غره رفتند . مردنگاهی استیبار
به میرزا آقا افکند و زمزمه کرد :
- میرزا آقا بریم بیرون ... درگیری پیش پاد ...
جواد سری به تصدیق حرفهای مرد جنباند :
- آره درست تیس ... ناجور میشه ...
و هر سه نفر از صف بیرون آمدند و بدنبالشان چند نفری دیگر صف
را ترک کردند . قسمت عقب صف کم کم از هم پراکنده شد .

صدای صف دیگر آن صدای اول نبود .
ظهور شده بود . صفها کم و بیش بیانه اشان را خوانده و
مترق شده بودند . هنوز صدای آخرین صفها از انتهای خیابان
بگوش میرسید که هلهله میکشیدند و شمار میدادند .
مرد دویسوی خانه روان بود که به دوستانش بر خورد . سلامی
و بعد ترفیفا و پرسشها :
- کجا بودی بابا ؟
مرد خمگین و با زهر خند جواب داد :
- تو صف نورزشتکارا بودم ... ما را از صف بیرون رفتیم ...
و بدنبالش پرسید :
- شما کجا بودین ؟
- تو صف فرهنگیا ...
- از دبیرستان این سینا راه افتادین ؟
- آره ...
رگه های تعجب توی صورت مرد هویداد :
- ماهم آمدیم ولی ...
رحمت تعجب را در نگاه مرد خواند . سری جنباند و حرف او
را نیمه کاره گذاشت :
- آره ... شلوغ شد ، دعوا شد ...
مرد دوباره خندید :
- یعنی شما را هم ؟
موجی از تأسف قیافه ی رحمت را در گرفت :
- نه پس ، میگم که شلوغ شد . آخرشم به جا فو کشی رسید ...
خنده روی لبهای مرد خشکید :
- چرا ؟ با کی ؟
- با عمور جب ... میخواستن بز نش ...
- کیا ؟
- معلومه کیا ... دیگه پرسیدن نداره ...
- آخه چرا ؟
رحمت در حالیکه با مرد همراه می شد سردرد دل را باز کرد :
- به چند دفعه ای شمار داد ... درود بر سمد پهرنگی . درود
بر شرافت فرهنگ ، مرثیه اسکوتی . درود بر سلاحی و از این شعارا ...
- سخب ؟
- هیچی دیگه ... خیل باهاش هم صدا شدن و درود فرستادن .
اونم نامردان پهریز شمار میداد ... هم میدان که رسیدیم به عدنه هوارش
شدن که بس کن و هی اصرار کردن ولیج عمور جب رو در آوردن اونم
انگار نه انگار اصلاً به معرفان گوش نداد . اونام کفری شدن و
براش کارد کشیدن ...
- عمور جب چی کرده ؟
- هیچی ، فقط واپساد ...
- واپساد ؟
رحمت حرف مرد را برید . دستش را روی یقه ی پیراهنش
گرفت و فشرده :
- یقه شو پاره کرد و سینه شو نشان داد و هوا زرد که بیاین
بیاین منو بکشین ! شماها باعث شدین که سمد کشته بشه پس بیاین
منم بکشین ... غیظش گرفته بود . سرخ شده بود و پهریز هوا میزد :
بیاین جلوتیکه تیکم کتین امام منم چل تا شاگرد دارم جواب اونارو چی
میدین ... ؟
اشک در چشمهای مرد جمع شد .
- بدشم رفتاش دور شو گرفتن و از صف آوردنش بیرون ...
بنض گاو رحمت دافش رو حرفش تیسره کاره ماند . مرد سیگاری بیرون آورد
روشن کرد و به رحمت داد . دو در اتوی ریه های کشاند . کنار
کر کرده های آویخته ی میزها چمباتمه زد .
خیابان خلوت شده بود . توی دل مرد بیداه بود .
همدان - خرداد ۵۸

هموطن! نشریه "جهان" را برای خود و دوستان خود مشترک شوید.
شما میتوانید نشریات "کار"، "ریگای گدل" و "جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمایید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PP 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC1N 3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISF
POST OFFICE AHUNTSIC
MONTREAL H3L3N5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

رفیق راهدار ۲۰
زور ۲۰
رفیق بیژن جزئی ۲۰
رفیق بیباک آصفیان ۲۰
مدون کیم مانی ۶۰
رفیق منصور اسکندری ۵۰
بیشرک فدائی ۲۰
رفیق فزال آبی ۱۵
رفیق شهیدکمال بیسنی ۲۰
موشرال-عثمان ۲۰
رفیق فدائی ۲۰
مفاتی فراغانی ۲۰
رفیق فدائی شهرام میرانی ۲۰
رفیق سعید سلطانپور ۲۰
رفیق سعید سلطانپور ۲۰
ن ۵
کمیته مطالعانی ۲۰
رفیق مریمه احمدی اسکوتی ۲۲
رفیق سعید سلطانپور ۲۰
مفاتی کون ۲
توضیح: در شماره قبلی کد صحیح رفقای کانادا شهید امیر راهدار ۲۰ دلار میباشد.

آمریکا
دلار
راهیو فدائی ۸۰
رما - اوین ۲۰
حضت ۲۰
پیشمرگ ۱۵
پیشمرگ ۱۵
رفیق سعید ۲۰
سارزه ۲۰۰
مرحبه اسکوتی ۲۰
جهان ۱۵
آری ۲۰
رفیق بیژن ۵۰
اسکندر ۱۲۰
مدون گد ۱۰
مدالی ۵۰
رفقای هلند ۱۲
رفقای هلند ۲۰
پویان ۲۰
انترنا-سیونال ۲۰
لنتویک وار ۵۵
بقیه کدفا در شماره آیینسده

۱۷۱ ۱۰۰۰۰
احمدزاده ۱۰۰۰۰
۱۳ ۱۰۰۰۰
ایتالیا ۱۵۰۰۰
زینو ۱۰۰۰۰
سلطانپور ۱۰۰۰۰
استالین ۱۰۰۰۰
هادی ۱۰۰۰۰
۳۳۳ ۱۵۰۰۰
گروه موسیقی سلطانپور ۲۰۰۰۰
واحد ونیز ۲۰۰۰۰۰
واحد تریستا ۲۰۰۰۰
واحد پادوا ۲۲۰۰۰
واحد بنوسیا ۵۰۰۰۰
واحد میلان ۲۰۰۰۰
واحد ساساری ۵۰۰۰۰
واحد رم ۵۰۰۰۰
واحد جنوا ۲۰۰۰۰۰
واحد پروجا ۵۰۰۰۰
لیجه ۵۰۰ تومانی
کروان
سازمان دانشجو-ان استکلیم ۲۰۱۲
لوند ۱۰۰
لیشرینگ ۵۰۰
سپس ۵۰
پویان ۱۰۰
مقاومت ۱۲۷
سازمان هواداران سولفا در استکلیم ۲۵۳
پویان سپس ۲۷۰
لوندو ۲۰۰
فلورن
ماهر - ۱۳ ۱۳۰
رفقای زبدان رشردام ۵۰
رفیق شادی پیشرو زندان آستردام ۶۰
دانمارک
رفیق سکه اهدائی شفا دریافت شد.
فرانسه
سلیمان بیوسنه ۱۰۰۰
کانادا
دلار
رفیق سعید سلطانپور ۲۰

انگلیس
بیستم جرمانه - داری وابسته ۵۲۰
رفیق سعید سلطانپور ۲۰۰
مبارزان زندانی پاریس ۷۰۰
نظام ۲۰۰
رفیق بیژن جزئی ۲۰۰
رفیق احمدزاده ۲۰۰
سنگ ۱۰۰
رفیق سعید ۲۰۰
مدین با می استار دوسته ۱۰۰
ونیز ۲
الف - ۵ - ۱۵ ۵۰۰
رفیق اسکندر ۱۰۰
رفیق روحی آهنگران ۵۰۰
ا.م. ۵۰۰
رفیق سعید ۱۰۰
سوکا راگوته ۲۰۰
رفیق بیژن ۲۰۰
ملم کوه ۶۰
عمومو ۲۰۰
سر کتاب ۲۰۰۰
ایتالیا
رفیق نظام ۱۰۰۰۰
رفیق جهان ۱۰۰۰۰
ر - ۲ ۱۰۰۰۰
ع ۱۵ ۱۰۰۰۰
آتش ۱۰۰۰۰
اعتصاب ۱۰۰۰۰
S ۱۲ ۱۰۰۰۰
M K ۱۰۰۰۰
۵۶۱۰۰ ۱۰۰۰۰
۱۳۶۲ ۱۰۰۰۰
رفیق سعید چشم براف ۱۰۰۰۰
رفیق کبیر بیژن جزئی ۱۰۰۰۰
فاخرخ مینافانی ۱۹۰۰۰
شهرام عسرازی ۱۲۰۰۰
رفیق کبیر سعید احمدزاده ۱۰۰۰۰
اسامیل رود - گریبان ۱۰۰۰۰
سر ۱۰۰۰۰
سعید پ ۱۰۰۰۰

هلند
P.B. 11491
1001 G.L. AMSTERDAM
NETHERLAND
۶ شماره ۱۸ فلورن
۱۲ شماره ۲۲ فلورن



کدکهای مالی خود را نیز میتوانید به آدرس زیر ارسال کنید.
A. A. H.
739066 F
Credit Lyonnais
134 B d. Voltaire
75011 Paris, France
رسید خود را به همراه کد مور دنظریه آدرس پستی ذیل ارسال نمایید.
A.C.P.
B.P. 54
75261 Paris, CEDEX 06 France

